

آثار و نتایج قیام قائم (عج)

- هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کنند، جهان دگرگون خواهد شد، و از مسیر این دگرگونی و تحوّل آثار و نتایجی باقی خواهد ماند که ثمره ی دلنشین آن کام همگان را شیرین خواهد کرد.
- از جمله ثمرات آن، می توان به این موارد اشاره کرد:
- ۱- جهان با فروغ جمال آرایش منور گردد.
 - ۲- ثروت به طور مساوی تقسیم شود.
 - ۳- جهان در آسایش و آرامش بی نظیر قرار گیرد.
 - ۴- امت اسلامی مجد و عظمت فوق العاده ای پیدا کند.
 - ۵- همه ی بدعت‌های جاهلی ریشه کن شود.
 - ۶- حسد و حيله از بین برود.
 - ۷- همه بی نیاز شوند و از پذیرش پول امتناع کنند.
 - ۸- همه ی شیعیان جهان از اقطار و اکناف جهان در اطراف شمع وجودش گرد آیند.
 - ۹- هر حقی به صاحب حق بر گردد.
 - ۱۰- در روی زمین ویرانه ای نمی ماند جز اینکه آباد گردد و ... (برای آگاهی بیشتر ر.ک به مقدمه ی کتاب «او خواهد آمد»)

ابراهیم

نام یکی از پسران حضرت صاحب الامر (عج)، «ابراهیم» است.

ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

ابراهیم بن صالح انماطی

«ابواسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی» از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. او پیش از تولّد حضرت قائم

علیه السلام کتابی درباره ی «غیبت» نوشته و «ابن قولویه» آن را با یک واسطه از مؤلف نقل کرده است.

ابراهیم بن محمد تبریزی

از جمله کسانی که به ملاقات با امام قائم (عج) نائل شده، «ابراهیم بن محمد تبریزی» است. وی آن حضرت را، هنگام نماز خواندن بر بدن شریف پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام دیده است. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۶)

ابراهیم بن محمد همدانی

«ابراهیم بن محمد همدانی» از سوی حضرت ولی عصر (عج) با واسطه، نیابت داشته است و بدون اینکه از آن حضرت، درباره ی او سؤال شود، توقیعی در وثاقت و مورد اطمینان بودن او صادر شده است.

«ابراهیم بن محمد» چهل مرتبه به حج مشرف شده است. وی همچنین با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام هم عصر بوده است. («جامع الرواة»، ج ۱، ص ۳۳)

ابراهیم نیشابوری

«ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری» از ملاقات کنندگان حضرت حجّت (عج) در پنج سال نخست زندگی ایشان، در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. («منتخت الاثر»، ص ۳۵۴)

ابر مخصوص قائم (عج)

در روایات اسلامی وارد شده، از خصایص حضرت قائم (عج) این است که، خداوند تبارک و تعالی برای آن حضرت ابری مخصوص ذخیره کرده که در آن رعد و برق است و ایشان بر آن سوار شده و در راههای هفت آسمان و هفت زمین سیّر می کنند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۳۲)

سایه انداختن ابر سفید

أبدال

«أبدال» جمع «بَدَل» یا «بَدیل» است و عده ای معلوم از صلحا و خاصان خدا که گویند هیچگاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان به خاطر آنان برپاست و هرگاه، یکی از آنان بمیرد خدا تعالی دیگری را به جای او برانگیزد، تا آن شمار که به قولی هفت و به قولی هفتاد است، همواره کامل ماند. («فرهنگ فارسی معین»؛ ج ۱، ص ۱۲۰)

در روایات آمده است که اینها از یاران حضرت مهدی (عج) در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آن حضرت، خود را به مکه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند. (المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۹)

همچنین شخصی از امام رضا علیه السلام در مورد «أبدال» پرسید، آن حضرت فرمود: «أبدال اوصیاء پیامبران هستند». (سفینه البحار (ماده ی بدل))

«علی بن حسین بن موسی بن بابویه» معروف به «ابن بابویه»، پدر بزرگوار شیخ صدوق، فقیه و پیشوای مردم قم بوده است. به گفته ی ابن ندیم، وی ۲۰۰ جلد کتاب نوشت و در سال ۳۲۹ هـ. ق رحلت کرد.

وی از کسانی است که، توقیعاتی به خطّ شریف حضرت قائم (عج) برای او ارسال شده است.

هیچ کس از سنّی و شیعه، منکر این نیست که موضوع حضرت مهدی (عج) موضوعی است که پیامبر از آن خبر داده و اوست که پرچم اسلام را در روی کره ی زمین افراشته می کند و عدالت، سرتاسر جهان را فرا می گیرد.

تنها «ابن خلدون» («ابوزید عبدالرحمن بن محمد» معروف به «ابن خلدون» از بزرگان و حکما و مورّخان معروف (متولد ۷۳۲ هـ. ق در تونس و متوفی ۸۰۶ یا ۸۰۸ هـ. ق) است. کتاب تاریخ او موسوم به کتاب «العبر و دیوان المبتداء و الخیر فی ایام العرب و العجم و البربر» معروف است. (فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۸۳)) است که در مقدمه ی تاریخ خود، احادیث مربوط به امام زمان (عج) را با حدیث بی اساس و مجعولی که می گوید:

«لَا مَهْدِي إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ

: مهدی جز حضرت عیسی بن مریم نیست».

مورد ایراد قرار می دهد.

چون در عصر «ابن خلدون» نظر به شرایط خاصّی که در جهان اسلام پیش آمده و تب مهدی پرستی بالا گرفته بود، افراد فرصت طلب برای پیشبرد اهداف خود از عنوان مهدی موعود استفاده می کردند. لذا «ابن خلدون» به خاطر سوء استفاده از این حقیقت، به خود عقیده نیز، بی اعتقاد شده و در صحّت احادیث شبهه کرده است.

او فصلی از کتاب خود، بالغ بر ۲۰ صفحه را به بحث درباره ی مهدویّت و انتظار مردم درباره ی منجی موعود، اختصاص داده است. وی به نقل و نقد احادیث سی و شش گانه ای که بزرگان علم و حدیث آنها را درباره ی ظهور حضرت مهدی (عج) یادآور شده اند، پرداخته است. البتّه او به شهرت این احادیث اعتراف کرده است و انگیزه ی مخالفت او، با این احادیث تعصّبهای خاصّ مذهبی و پاره ای از مصلحت اندیشیهای بی دلیل است.

برخی گفته اند؛ تحلیل سیاسی از مقدمه ی او گویای این است که انکار او جنبه ی سیاسی دارد، زیرا در برابر فاطمیین که ادعای مهدویت کرده بودند، او هم انکار مهدویت نموده است. اما بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده اند. بخصوص «ابن عبدالمؤمن» که کتاب ویژه ای نوشته و سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته است. («آخرین امید»، ص ۱۹۸، ۲۰۳ و ۲۲۹ – زندگانی ۱۴ معصوم (ع)، ص ۱۷۵)

ک احمد امین مصری

ابن مهزیار

سید بن طاووس، «محمد بن ابراهیم بن مهزیار» و پدرش «ابراهیم بن مهزیار» را از وکلاء و نواب معروف امام عصر (عج) دانسته، که شیعیان امامیه در نیابت او و پدرش اختلافی ندارند. («جامع الرواة»، ج ۱، ص ۴۴)

شیخ صدوق، نیز او را جزء وکلای منصوب از ناحیه ی امام قائم (عج) دانسته و در توقیعی که در شأن او وارد شده، چنین آمده است: «ما تو را به جای پدرت منصوب کردیم، پس خدا را سپاسگزار باش». («مهدی موعود»، ص ۶۳۱)

ک علی بن مهزیار

ابو ابراهیم

«ابو ابراهیم» از کنیه های حضرت ولی عصر (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۵۹)

ابوالادیان

«ابوالادیان» از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. وی از جمله کسانی است که امام قائم (عج) را ملاقات نمود.

امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین لحظات عمر، او را به حضور طلبید و بعد از دستوراتی، چندین نشانه ی امام پس از خود حضرت مهدی (عج) را طی سؤالاتی که ابوالادیان از ایشان پرسید، ارائه فرمودند. («حضرت مهدی (عج) فروع...»، ص ۳۰ (باتلخیص))

ابوالحسن

«ابوالحسن»، از کنیه های حضرت صاحب الزمان (عج) است. «ابوالحسن» کنیه ی مولی الموحّدين، حضرت علی علیه السلام هم، است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۰)

ابوالقاسم

کنیه ی حضرت ولی عصر (عج)، «ابوالقاسم» است. همانگونه که در «تاریخ ابن خَشَّاب» از امام صادق علیه السلام روایت شده، ایشان فرمود: «خلف صالح از فرزندان من است. اوست مهدی. اسم او همنام من است، کنیه ی او ابوالقاسم».

در برخی اخبار از کنیه گذاشتن به «ابوالقاسم»، اگر اسم «محمد» باشد، نهی شده و بعضی به حرام بودن ذکر آن حضرت به کنیه در مجالس تصریح کرده اند. (همان مدرک، ص ۵۹)

ابوبکر

«ابوبکر» کنیه ی حضرت مهدی (عج) است. «ابوبکر» یکی از کنیه های امام رضا علیه السلام نیز هست.

ابوبکر بغدادی

«ابوبکر، محمد بن احمد بن عثمان» معروف به «بغدادی»، برادر زاده ی «محمد بن عثمان» (نائب دوم امام عصر (عج)) و نواده ی «عثمان بن سعید»، (نائب اول) است.

او ادعای نیابت از سوی امام زمان (عج) نمود و عده ای را دور خود جمع کرد. از جمله ی آنه شخصی بنام «ابودلف محمد بن مظفر کاتب» بود. («الغیبه»، ص ۲۵۹ - «آخرین امید»، ص ۱۲۹)

ابوتراب

«ابوتراب کنیه ی مهدی موعود (عج) است. «ابوتراب» کنیه ی حضرت علی علیه السلام نیز هست. یکی از وجوه قرار دادن این کنیه، آن است که شاید مراد از «ابوتراب» صاحب خاک و مربی زمین باشد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه ی:

«وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا (زمر/۶۹)

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود».

فرمودند: «هنگامی که قائم (عج) ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و بندگان از نور آفتاب مستغنی می شوند و ظلمت بر طرف می گردد».

ک رب الارض

ابوجعفر

«ابوجعفر» کنیه ی امام غائب (عج) است.

ابودجانه انصاری

«سماک بن خرّشه» معروف به «ابودجانه»، از طایفه اوس و از بزرگان انصار و از دلاوران نامی عرب بود. در جنگ بدر و اُحد و یمامه و سایر جنگهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم حاضر بود. او در باغ «حدیقه الرحمان» در جنگ بالشکریان «مُسَیْلَمَه ی کذاب» به شهادت رسید. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۹۷)

در احادیث اسلامی، او را از یاران حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور و پس از رجعت دانسته اند. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«همراه ظهور قائم (عج) بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (و به حضرت صاحب الزمان (عج) می پیوندند)، پانزده نفر آنها از قوم حضرت موسی علیه السلام هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتمند. و هفت نفر آنها اصحاب کهف اند و بقیه عبارتند از: «یوشع بن نون»، «سلمان فارسی»، «ابودجانه انصاری»، «مقداد» و «مالک اشتر». اینها در خدمت امام زمان (عج) به عنوان یاران و فرماندهان آن حضرت به شمار می آیند.» (اعلام الوری، ص ۴۳۳ «الارشاد»، ص ۳۹۹)

ک اصحاب کهف یوشع بن نون، سلمان فارسی، مقداد، مالک اشتر
ابودلف کاتب

«ابودلف، محمد بن مظفر کاتب»، از کسانی است که ادعای نیابت نمود. او قبلاً کارش جمع آوری خمس اموال شیعیان بود، زیرا وی در میان شیعیان کرخ تربیت شده و شاگردی آنها را کرده بود، مردم کرخ هم خمس مال خود را می پرداختند و هیچ یک از شیعیان در این خصوص تردید نداشت. اما او بعد ها منحرف شد. («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۷۹)

وی به «ابوبکر بغدادی» ایمان آورد و ابوبکر به هنگام مرگش به او وصیت کرده و او را نایب خود دانست. بعد از فوت «علی بن محمد سیمری»، «ابودلف» ادعای نیابت و سفارت از سوی امام زمان (عج) کرد، با این که از آن حضرت توقیعی صادر شده بود که دیگر بعد از «علی بن محمد سیمری» نایب خاص نخواهد داشت.

او به هر مجلسی که سر می زد مورد سرزنش و توهین قرار می گرفت. شیعیان اندک مدتی با وی آشنا شدند، سپس از او و همکاران وی دوری جستند. («آخرین امید»، ص ۱۳۰ - «جامع الرواه»، ج ۲، ص ۴۶۹)

ک ابوبکر بغدادی، توقیع

ابوصالح

در کتاب «ذخیره الالباب» ذکر شده که حضرت قائم (عج) مکنی به «ابوالقاسم» و «ابوصالح» است. «ابوصالح» کنیه ی معروف آن حضرت در میان عربهای بلدی و بادیه نشین است و پیوسته در توسلات و استغاثات خود آن جناب را به این اسم می خوانند و شعراء و ادباء در قصاید و مدایح خود ذکر می کنند. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۰)

ک دعاء توسل به قائم (عج)

ابوعبدالله

«ابوعبدالله» کنیه ی امام زمان (عج) است. «حذیفه» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

«اگر نماند از دنیا مگر یک روز، هر آینه خداوند، مردی را که اسم او، اسم من و خلق او، خلق من و کنیه ی جمیع اجداد طاهرین خود است بیاید». (همان مدرک، ص ۵۹)

ابوعبدالله محمد بن تومرت

«ابوعبدالله، محمد بن تومرت»، از مدعیان مهدویت است که مؤسس سلسله ی موحدون در مغرب بود. وی در سال ۵۲۴ درگذشت. (آخرین امید»، ص ۲۱۲)

ابوغانم

«ابوغانم»، از خادمان امام حسن عسکری علیه السلام بود. او بارها سعادت یافت که امام قائم (عج) را ملاقات کند. از جمله در روز سوّم ولادت با سعادت آن سرور، به دیدار حجّت خدا نائل شده و اوصاف مبارکش را نقل کرده است. «اکمال الدین و ...»، ص ۴۳۱

ابومحمّد

«ابومحمّد»، کنیه ی حضرت قائم (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۹)

ابونصر ظریف

«ابو نصر ظریف»، خادم امام حسن عسکری علیه السلام بود. او از جمله کسانی است که به دیدار حضرت مهدی (عج) نائل شده است. پس از مدّتی که حضرت قائم (عج) متولّد شد، درحالیکه در گهواره آرمیده بود، به ابونصر فرمود: «مرا می شناسی؟ ... من «خاتم الاوصیاء» هستم. خداوند به وسیله ی من بلاها را از اهل و شیعیانم دفع می کند». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۹ و ۶۰)

ابو هارون

«ابوهارون» از کسانی است که سعادت زیارت حضرت قائم (عج) در اوان کودکی آن حضرت، نصیبش شده است. او که در روزهای اوّل تولّد، ولی عصر (عج) را دیده است، می گوید:

«من صاحب الزّمان (عج) را دیدم، در حالیکه صورتش چون ماه شب چهارده بود». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۵)

«ابوهاشم، داوود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب» از نائبان بی واسطه ی ولی عصر (عج) بوده است.

«شیخ حرّ عاملی» درباره ی او می گوید: «وی از اهالی بغداد بود. ثقه و جلیل القدر و دارای شخصیتی ارزنده و مورد احترام ائمه می

باشد. امام جواد علیه السلام امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام را درک کرده و در خدمت آنها بوده است و گفته شده که

حضرت رضا علیه السلام را هم درک کرده است». («وسائل الشیعه»، ج ۲۰، ص ۱۹۰)

بنا به روایت «شیخ صدوق»، «ابی خلف اشعری»، حضرت مهدی (عج) را هنگام کودکی در منزل پدر بزرگوارش دیده، که گویی مشغول بازی بوده است. («اکمال الدین و ...»، ص ۲۵۱)

نصوص مربوط به امام عصر (عج) از طریق شیعه و سنی بسیار است و در کتابهای مختلف ذکر شده است، در اینجا فهرست برخی از آنها را که مؤلف محترم «منتخب الاثر» در کتاب خود آورده، نقل می شود:

۱- درباره ی این که امامان دوازده نفرند و اوّل آنها علی علیه السلام و آخر آنها مهدی (عج) است. ۹۱ حدیث

۲- احادیثی که به ظهور آن حضرت مژده می دهد. ۶۵۷ حدیث

۳- روایاتی که آن حضرت را از دودمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم می داند. ۳۸۹ حدیث

۴- روایاتی که می گوید: اسم و کنیه او مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم است. ۴۸ حدیث

۵- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام می داند. ۲۱۴ حدیث

۶- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه سلام الله علیها می داند. ۱۹۲ حدیث

۷- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام حسن علیه السلام می داند. ۱۸۵ حدیث

۸- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام حسین علیه السلام می داند. ۱۴۸ حدیث

۹- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام سجّاد علیه السلام می داند. ۱۸۵ حدیث

۱۰- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام باقر علیه السلام می داند. ۱۰۳ حدیث

۱۱- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام صادق علیه السلام می داند. ۱۰۳ حدیث

۱۲- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام کاظم علیه السلام می داند. ۱۰۱ حدیث

۱۳- روایاتی که می گوید، او چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است. ۹۵ حدیث

۱۴- روایاتی که می گوید، او سوّمین فرزند امام جواد علیه السلام است. ۹۰ حدیث

۱۵- روایاتی که می گوید، او از فرزندان امام هادی علیه السلام است. ۹۰ حدیث

۱۶- روایاتی که می گوید، او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. ۱۴۶ حدیث

۱۷- روایاتی که می گوید، اسم پدرش حسن علیه السلام است. ۱۴۷ حدیث

۱۸- روایاتی که می گوید، او جهان را از عدالت پر می کند. ۱۲۳ حدیث

۱۹- روایاتی که غیبت او را طولانی می داند. ۹۱ حدیث

۲۰- روایاتی که در رابطه با طول عمر آن حضرت می باشد. ۳۱۸ حدیث

۲۱- روایاتی که می گوید او امام دوازدهم و پایان بخش امامان است. ۱۳۶ حدیث

۲۲- روایاتی که می گوید دین اسلام به وسیله ی او جهانی می شود. ۴۷ حدیث

۲۳- روایاتی که درباره ی ولادت آن حضرت رسیده است. ۲۱۴ حدیث

با توجه به ارقام یاد شده و با اضافه ی ۲۵۱۵ روایت دیگر که پیرامون حضرت مهدی (عج) در منابع شیعه وارد شده، آشکار می گردد، روایتهایی که درباره ی آن حضرت رسیده، فوق حدّ تواتر (تواتر از «باب تفاعل»، یعنی: پی در پی آمدن. حدیثی را که به حدّ تواتر رسیده باشد متواتر گویند. حدّ تواتر چیست؟ هر حدیثی که در همه ی طبقات راویان (نسلهای روایتی و حدیثی)، راویانی متعدّد - میان ۱۰ تا ۲۰ راوی - و از جاهای مختلف، داشته باشد، به طوری که نتوان آن راویان را، به تبانی و کذب، منسوب داشت، به «حدّ تواتر» رسیده است و «متواتر» است. حدیث متواتر را می توان «حدیث ثابت و قطعی» خواند. («علم الحدیث؛ ص ۱۴۴»)) است و در کمتر موضوعی از موضوعات دینی تا این حدّ روایت نقل شده است. (در کتاب منتخب الاثر، جمعاً ۶۲۰۷ حدیث، با ذکر مأخذ، از ۱۵۴ کتاب معتبر سنّی و شیعه درباره ی مهدی موعود نقل شده است)

احتجاج قائم (عج) با پیروان ادیان مختلف

مطابق روایات، امام قائم (عج) با معتقدان به ادیان مختلف، مناظره و احتجاج می کند و با توراتیان به تورات، با انجیلیان به انجیل، با صحیفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و ... و همه ی آنها به حقانیت امام عصر (عج) پی می برند و سوگند یاد می کنند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همانست که امام (عج) به آنها نشان می دهد. سر انجام آنها به اسلام حقیقی می گروند. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۵۱)

در عین حال حضرت قائم (عج) با کمال قاطعیت به کتاب (قرآن) عمل می کند و هر گونه منکرات را نابود می سازد. و برای برقراری حکومت جهانی قیام به شمشیر (نهضت نظامی) می کند، در حدّی که به فرموده ی امام صادق علیه السلام.

«وقتی که امام زمان (عج) قیام به شمشیر می کند (از منحرفان و طاغوتیان و توطئه گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت

می رساند». («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۱۷۷)

ک شمشیر

احسان

«احسان»، از القاب حضرت قائم (عج) است. این لقب در کتاب هدایه ذکر شده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۱)

احمد

«احمد»، از اسماء امام قائم (عج) است. شیخ صدوق در «اکمال الدین و...» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: «مردی

از فرزندان من در آخر الزمان قیام می کند... برای او دو اسم است: اسمی مخفی و اسمی ظاهر. اما اسم مخفی او «احمد» است.»

در «الغیبه» شیخ طوسی، از «حذیفه» روایت شده که گفت: شنیدم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مهدی (عج) را ذکر کرد، پس

فرمود: با او میان رکن و مقام بیعت می کنند، اسم او احمد و عبدالله و مهدی (عج) است. پس اینها نامهای اوست.» («نجم الثاقب»، باب

دوم، ص ۵۵)

احمد امین مصری

«احمد امین مصری» هم مانند «ابن خلدون» در صدور روایات از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیرامون حضرت قائم علیه السلام

تردید کرده است. قرائنی وجود دارد که انگیزه ی آنان در این کار ضعف اخبار نبوده، بلکه فکر می کردند روایات مربوط به مهدی مشتمل

بر مسائلی است که به سادگی نمی توان آنها را باور کرد، یا به خاطر این که نتوانسته اند احادیث درست را از نادرست جدا کنند. («آخرین

امید»، ص ۲۲۲)

ک ابن خلدون

احمد بن اسحاق

«احمد بن اسحاق اشعری قمی»، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود. مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم (در

چهار راه بازار) به دست ایشان و به امر حضرت ساخته شده است.

او از جمله کسانی است که امام قائم (عج) را در طول حیات پدر بزرگوارشان ملاقات کرده است. وی هنگامی که به محضر امام حسن

عسکری علیه السلام می رسد، می پرسد: «امام بعد از شما کیست؟».

امام عسکری علیه السلام وارد خانه می شود، حضرت مهدی (عج) را بغل کرده، می آورد. «احمد بن اسحاق» می گوید: «کودک سه

ساله ای بود که صورتش چون ماه شب چهارده بود.» («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴ - «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۵۲۶)

شیخ طوسی می گوید: «در دوران نیابت نوّاب خاصّه، عدّه ای مورد اعتماد و اطمینان بودند، که از سوی حضرت به وسیله ی نوّاب توقیعاتی برای آنها صادر می شد، یکی از آنها «احمد بن اسحاق» است.»

احمد بن عبدالله هاشمی

یکی از ۳۹ نفری که پشت سر حضرت قائم (عج) و به امامت ایشان بر پدر بزرگوارش (امام عسکری علیه السلام) نماز خوانده، و حضرت ولی عصر (عج) را از نزدیک مشاهده کرده است، «احمد بن عبدالله هاشمی» است.

احمد کسروی

«سید احمد کسروی»، دانشمند و مورّخ و زبان‌شناس ایرانی، در سال ۱۲۶۹ هـ ش در تبریز متولّد و در سال ۱۳۲۴ هـ ش در تهران به دست برادران امامی (از فدائیان اسلام) به ضربت خنجر به قتل رسید. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۵۷۷)

او مردی تند خو و نسبت به روحانیون سخت دشمن بوده تا جائیکه پارا فراتر نهاد و گستاخی به ساخت مقدّس ائمه اطهار علیهم السلام حتّی شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم نمود؛ و جسارتها به مذهب شیعه و اعتقاد به امامت مهدی موعود (عج) و غیبت آن حضرت نمود.

او در یکی از کتابهایش می نویسد: «عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و ابوالحسن سیمری، که ادّعای نیابت امام ناپیدا کرده اند، افرادی گمنام بوده، و کسی آنها را نمی شناخته و خواسته اند؛ از این راه به ریاست برسند، و نیابت آنها و شخص امام ناپیدا دروغ بوده است.» («مهدی موعود»، پاورقی ص ۶۹۶)

احمدیه

فرقه ی «احمدیه» یا «قادیانی»، یکی از فرّق مذهبی در جامعه ی مسلمانان هندوستان و پاکستان است. مؤسس و بانی آن «میرزا غلام احمد قادیانی» بود. او در شهر قادیان پنجاب هندوستان در سال ۱۸۷۹ م . درگذشت. هنوز پیروان او در هندوستان، پاکستان، آفریقا و اندونزی بسیارند.

«احمدیه»، در مبادی اصولی تابع اسلام می باشند و فقط در سه اصل اختلاف دارند:

۱- عقیده به رجعت مسیح ۲- اصل جهاد ۳- مسأله ظهور مهدی (عج)

در باب مسیح بر آنند که عیسی علیه السلام مقتول نگردید و بر روی صلیب نمرّد، بلکه ظاهراً به نظر مردم چنین آمد، پس او را در قبری دفن کردند و او بعد از ۴۰ روز برخاست و به هندوستان رفت و در کشمیر اقامت کرد و به نشر دعوت انجیل پرداخت و پس از ۱۲۰ سال عمر در شهر «سِرینگر» در گذشت.

در باب مسأله جهاد معتقدند که جهاد با شمشیر با دشمنان دین اسلام حرام است، بلکه باید این تکلیف شرعی با وسایل مسالمت آمیز اعمال شود، به همین مناسبت «احمدیه» نسبت به دولت انگلیس وفادار بوده اند.

در باب مهدویت بر آنند که مهدی (عج)، مظهر «عیسی علیه السلام» و «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» و چون بعضی روایات اسلامی ظهور مهدی منتظر (عج) را در اوایل قرن ۱۴ هـ. ق خبر داده بودند؛ «غلام احمد» خود را «مهدی وقت» معرفی کرد. «احمدیه» مرجعی به نام انجمن «احمدیه» دارند که مرکز آن «لاهور» و رئیس آن مکلف به رسیدگی امور دینی و ارشاد پیروان است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۰۴ - «آخرین امید»، ص ۲۱۳)

اختلاف بنی عباس

در روایاتی که در کتب حدیث ثبت شده، اختلاف بنی عباس و انقراض دولت آنها، از علائم حتمیه ی قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) اعلام شده است.

آنان قبل از قیام حضرت قائم (عج) از سمت خراسان منقرض خواهند شد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

اخیار

«أخیار» جمع کلمه ی «خَیْر» و به معنی مردمان بسیار نیکوکار و دیندار است.

در برخی از روایات یاران حضرت مهدی (عج) با عنوان «أخیار» خوانده شده اند. («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۳۸)

أَزْفَتِ الْإِزْفَةُ

«أَزْفَتِ الْإِزْفَةُ» یعنی «وقت ظهور فرا رسیده است».

این جمله یکی از سه صدایی است که در هنگام ظهور قائم (عج)، همگان آن را می شنوند: «ای گروه مؤمنان وقت ظهور فرا رسیده است».

دو صدای دیگر با این عبارات شنیده می شود: یکی «لعنت خدا بر کسانی باد که بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد علیه السلام ستم روا داشتند» و دیگری اینکه، سیمایی بر خورشید ظاهر شده، ندا می دهد: «خداوند، ولی عصر حضرت محمد بن الحسن،

مهدی را برانگیخته است، به سخنان او گوش فرا دهید و او امر او را اطاعت کنید. («جزیره ی خضراء»، ص ۱۷۸)

أَزَلَى

«ازلی» منسوب به «صبح ازل» است. آیین ازلی شعبه ای منشعب از بایبه است، که توسط «یحیی نوری» تأسیس گردید.

ک یحیی نوری

یکی از لقبهای حضرت حجّت (عج) «اُذُن سامعه» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۱)

استخاره حضرت قائم (عج)

در باب دوّم از کتاب «باقیات صالحات» که در حاشیه ی کتاب «مفاتیح الجنان» نگاشته شده، کیفیت استخاره ای که منسوب به امام عصر (عج) می باشد، چنین بیان شده است: «علاّمه مجلسی از پدر بزرگوارش نقل کرده که ایشان از استاد بزرگوارش «شیخ بهایی» نقل می کرد که می گفت: «چندی از مشایخ در باب استخاره با تسبیح از حضرت قائم (عج) مذاکره می کردند که حضرت فرموده است: [هر که می خواهد با تسبیح استخاره نماید باید] تسبیح را به دست گیرد و سه مرتبه صلوات بفرستد و یک قبضه از تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمرد.

پس اگر یکی باقی ماند بجا آورد و اگر دو تا باقی ماند بجا نیاورد.

همچنین در کتاب «جواهر» استخاره ای منسوب به حضرت قائم (عج) وجود دارد و کیفیت آن بدین گونه است که:

«بعد از قرائت دعا یک قبضه از تسبیح را بگیرد و هشت هشت جدا کن. پس اگر یکی باقی ماند، فی الجمله نیک است، و اگر دو تا باقی ماند یک نهی از آن است و اگر سه تا ماند، اختیار دارد (که آن را انجام دهد یا ندهد)، چون انجام و ترک آن مساویست و اگر چهار تا ماند، دو نهی از آن است و اگر پنج تا ماند، بعضی گفته اند که سختی و رنج دارد و بعضی گفته اند که در آن ملامت است و اگر شش تا ماند، نهایت خوب است و باید تعجیل در آن کار کرد، و اگر هفت تا ماند حکمش مثل پنج تا است، و اگر هشت تا مانده چهار نهی از آن است.»

استغاثه به قائم (عج)

«یکی از تکالیف بندگان نسبت به امام عصر (عج)، استمداد و استغاثه به آن حضرت در هنگام شدائد و بلاها و امراض و روی آوردن شبهات و فتنه از اطراف و جوانب و ندیدن راه چاره است و اینکه از ایشان بخواهیم تا بلا را دفع و غم و اندوه را رفع نماید. خود آن حضرت در توقیعی که برای شیخ مفید فرستادند، مرقوم فرمودند:

«علم ما به خبرهای شما محیط است و هیچ چیز از اخبار شما و بلایی که به شما می رسد از ما پوشیده نیست («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۸)».

از جمله استغاثه ای که به امام زمان (عج) می شود این است که هر کجا باشی، دو رکعت نماز به حمد و هر سوره ای که خواهی می گذاری، سپس رو به قبله می ایستی و می گوید:

«سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَ ... (مفاتیح الجنان، فصل ۷، دعاء ۱۴)

ک مسجد سهله، شیخ مفید

اسحاقیه ک محمد بن نصیر نمیری

اسفار تورات

«اسفار»، یا «اسفار تورات»، یا «پنج سفر موسی علیه السلام»، کتابهای پنجگانه ای را گویند که در اول مجلد عهد عتیق (تورات) واقع

است و آن شامل: «سفر خلقت» یا تکوین (پیدایش)، «سفر خروج»، «سفر لاویان»، «سفر اعداد»، «سفر تثنیه» یا استثناء است و

مجموع کتاب، نظامات و قواعد دین موسی را بیان می کند. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۴۲)

در روایات اسلامی وارد شده که حضرت قائم (عج) به وسیله ی «اسفار تورات» با یهود، احتجاج و استدلال می کند و بسیاری از یهودیان

مسلمان می شوند. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۷۱۰)

ک انطاکیه، احتجاج قائم (عج) با پیروان ادیان مختلف

اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام ک اسماعیلیّه خالصه

اسماعیل نوبختی

«ابوسهل، اسماعیل بن علی نوبختی»، از دانشمندان بزرگ شیعه بوده که در سالهای ۲۳۷ تا ۳۱۱ هجری قمری می زیسته است. وی

یکی از متفکران و متکلمان برجسته جهان تشیع، در قرق سوّم، است که او را در شمار «فلاسفه ی شیعه» ثبت کرده اند. از وی بیش از

۳۰ تألیف، در رشته هایی چند از علوم عقلی کلامی و تحقیقی بر جای مانده است. («فلاسفه شیعه»، ص ۱۷۲)

این عالم فیلسوف و متفکر بزرگ، از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین کسی است که در عهد آن حضرت، به

دیدار حضرت ولی عصر علیه السلام نائل شده است.

«ابوسهل» در واپسین لحظات زندگی حضرت عسکری علیه السلام به دیدار امام رفت و در حالی رسید که امام می خواستند کاسه ای را

که در آن مصطکی (چیزی شبیه سقز که از ساقه ی درخت مصطکی بیرون می آید) با آن جوشیده بود میل کند و از شدت بیماری قادر

نبودند و از فرزندش حضرت مهدی (عج) خواستند که او را یاری کند.

حضرت قائم (عج) کاسه را به دست مبارک گرفته، پدر بزرگوارش را یاری کرده تا آن را تناول فرموده است. آنگاه فرمود: «مرا آماده ی

نماز کنید» حضرت حجت (عج) ایشان را یاری کرد تا اینکه وضو ساخت و خطاب به فرزند بزرگوارش فرود:

«مژده باد تو را، فرزندم! تو «صاحب الزمان»، «مهدی» و «حجت الله» در روی زمین هستی. تو پسر و جانشین من هستی...»
ابو سهل می گوید: «سخنان امام حسن عسکری علیه السلام پایان یافت و همان لحظه جان به جان آفرین تسلیم کرد.» («بحار
الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۶)

اسماعیلیه خالصه

«اسماعیلیه خالصه»، نام فرقه ای است که منکر فوت اسماعیل، پسر حضرت امام صادق علیه السلام شدند و او را بعد از آن حضرت،
امام حی و مهدی قائم (عج) می دانند. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

اسماء و القاب قائم (عج)

اسماء و القاب و کنیه های شریف حضرت مهدی (عج) که در قرآن مجید و سایر کتب آسمانی و اخبار اهل بیت علیه السلام و روایات و
ادعیه ذکر شده، فراوان است.

مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری در کتاب «نجم الثاقب»، در باب دوم، به ثبت ۱۸۲ اسم از آن بزرگوار، همت گماشته است.
اسامی مذکور در خلال این کتاب و بر اساس حروف الفباء آمده است.

ک نجم الثاقب، اوصاف قائم (عج)

اشرط الساعه

«اشرط الساعه» یعنی علایم قیامت. ظهور مهدی موعود (عج) از «اشرط الساعه» است. یکی از علائم و نشانه های حتمی قیامت و
فرا رسیدن رستاخیز، ظهور امام قائم (عج) است. مهدی صاحب الزمان (عج) پیش از قیامت می آید و تا او نیاید و حکومت عدل را در
جهان برپای ندارد، عمر جهان به سر نمی رسد، و قیامت برپا نمی گردد. («خورشید مغرب»، ص ۲۶۹)

اشعث ک ثقیف

اصحاب قائم (عج)

یکی از مسائل غیر قابل انکار در پیروزی ها و حرکت های انقلابی حضور مردم در صحنه است. مردم با رهبری و هدایت پیشوای خود می
توانند به سر منزل مقصود برسند. همچنین تا زمانی که این حضور آگاهانه و قاطع و با امید و توکل به خدا باشد، رهبر انقلاب با خیالی
آسوده گام های پیروزی را سریعتر بر می دارد. در این رهگذر قیام جهانی مهدی موعود (عج) که جهان را به تکاپو و خواهد داشت،
مستثنی از این قاعده و قانون کلی نیست.

البته در قیام قائم (عج) هر کسی لیاقت این را ندارد که در زمره ی اصحاب آن حضرت قرار گیرد.

در روایات به وفور نامی از یک گروه ۳۱۳ نفری به میان آمده است که این افراد از نژاد «عجم» هستند و برخی از آنها بدون وعده ی قبلی در مکه به حضور امام قائم (عج) شرفیاب می گردند. («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۹۲)

در قرآن کریم، این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه ی حضرت مهدی (عج) یک آیه ی بسیار امید بخش و سازنده وجود دارد. در سوره ی مائده آیه ی ۵۴ خداوند به طور مستقیم، مؤمنان را در مورد خطاب قرار داده و می فرماید: «ای مؤمنان هر کس از شما مرتد شده و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای این پنج امتیاز هستند: ۱- هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.

۲- در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.

۳- در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.

۴- به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.

۵- در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند. این فضل خدا است که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است.»

در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده، از جمله اینکه: این آیه در مورد یاوران حضرت قائم (عج) است که با این ویژگیها با تمام قدرت، در مقابل مرتدین و کارشکنان می ایستند، و برای برقراری حکومت عدل امام منتظر (عج) و برقراری عدالت در کل جهان تلاش می کنند. («مجمع البیان»، ج ۳، ص ۲۰۸)

و در عبارتی امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحب این امر (حضرت مهدی (عج)) در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است («تفسیر برهان»، ج ۱، ص ۴۹۷)».

همچنین در وصف اصحاب قائم (عج) به واژه هایی مانند اوتاد، عصائب، ابدال، اعاجم، رفقاء و نجباء بر می خوریم، که با توجه به معانی این عناوین با ویژگیهای اصحاب صاحب العصر (عج) نیز آشناتر می شویم. («حضرت مهدی، فروغ...»، ص ۲۰۷)

در این کتاب، درباره هر کدام از عناوین، به ترتیب حروف الفباء، توضیح داده شده است.

ک سیصد و سیزده نفر، ایرانیان و قائم (عج)

اصحاب کهف

«اصحاب کهف»، جمعیت با ایمانی بودند که خداوند بزرگ را پرستش می کردند، اما ایمان خود را از دستگاه شاه جبار مکتوم می داشتند. آنان به غاری پناه بردند و سالهای متمادی به قدرت خداوند در آنجا به خواب رفتند و پس از گذشت آن سالهای طولانی بیدار شدند و پس از مدتی در همان جا رحلت کردند.

داستان «اصحاب کهف» در قرآن کریم (سوره کهف) ذکر شده است. (برای آگاهی بیشتر ر.ک به «تفسیر نمونه»، ج ۱۲، ص ۳۵۲)

در روایات مربوط به ظهور حضرت قائم (عج) آمده است که «اصحاب کهف» از یاران ایشان در آخر الزمان و هنگام خروج خواهند بود. («المجالس السنیة»، ج ۵، ص ۷۱۰)

اصل

«اصل»، از اسماء شریف ولی عصر (عج) است. حضرت مهدی (عج)، اصل هر علم و خیر و برکت و فیض هستند و هیچ حقی در دست احدی نیست، مگر آنکه ناگزیر به آن حضرت منتهی شود، و نعمتی به احدی نمی رسد مگر به خاطر ایشان. و مرجع و پناهگاه بندگان در دنیا و برزخ و آخرت هستند و حضرت قائم (عج) مقصود اصلی از خلقت جمیع عوالم می باشند. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۵۶)

أَصْهَب

«أَصْهَب»، نام یکی از سه گروه دارای پرچم است که در آخر الزمان، در شام بر علیه امام قائم (عج) خروج می کند. این مطلب در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

«در شام سه گروه دارای پرچم، خروج می کنند: أَصْهَب، أَبْقَع و سفیانی.» («اعلام الوری»، ص ۴۲۸)

سفیانی ابتدا با «أَبْقَع»، برخورد می کند و می جنگد و پیروان وی را می کشد و سپس «أَصْهَب» را هم می کُشد. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۷)

اعاجم

«اعاجم» عنوان گروهی از یاران حضرت مهدی (عج) است. «اعاجم» یعنی غیر عربها، چنانکه هم اکنون نیز ما نشانه هایش را در ایران، افغانستان و پاکستان و ... می بینیم، امام زمان (عج) یاران بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین افراد می توانند هسته ی مرکزی ارتش نیرومند امام عصر علیه السلام را در کشور های عجمی تشکیل دهند و سپس به توسعه ی آن اقدام جدی کنند. («حضرت مهدی، فروغ...»، ص ۲۴۱)

افریس ک زندافریس

از روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که امام قائم (عج) هم اقامتگاه مخصوص و هم همسر و هم فرزند دارد.

در مورد اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص، چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه، خرابات، سرزمین های دور دست، جزیره ی خضراء و ... گفته شده است. همچنین آن حضرت همه ساله در مراسم حج شرکت می کند. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۱)

امام هادی علیه السلام در باره ی اقامتگاه قائم (عج) فرمود: «حضرت مهدی (عج) و فرزندانش در جزیره هایی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می کند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است.» («اثبأه الهدأه»، ج ۷، ص ۵۸)

آنگونه که از داستان مفصل و معروف «انباری» بر می آید، «جزایر مبارکه» از اقامتگاههای قائم (عج) است. این جزایر شامل پنج جزیره به نامهای: مبارکه، زاهره، صافیه، ظلوم و عناطیس است که همگی مسلمان و شیعه هستند، و بر آنها پنج نفر از فرزندان حضرت صاحب الزمان (عج)، حکومت می کنند که نامهای آنها طاهر، قاسم، ابراهیم، عبدالرحمن و هاشم است. (خلاصه ی داستان انبار در کتاب «اثبأه الهدأه»، ج ۳، ص ۵۷۹، نقل شده است)

«بلد مهدی»، یکی دیگر از اماکن سکونت حضرت ولی عصر (عج) است. «بلد مهدی» شهری نیکو و محکم است، که آن را مهدی فاطمی بنا کرده و برای آن قلعه ای قرار داده است. («العبقری الحسان»، ج ۱، بساط ۳، ص ۵۸)

در آخرین مطلب از باب هفتم کتاب «نجم الثاقب»، اینگونه آمده است:

«مسکن آن جناب (حضرت قائم (عج)) در جزیره ی خضراء است، در بحراییض، از جزایر خالادات مغربیه، معروف به خرابات، برکوهی که در دو فرسخی این بلده ی مبارکه است و سایر جزایر مثل علقمیّه و ناعمه ی مبارکه و صالحیه و بیضاویّه و نوریّه که حاکمند در آنها امرای آن جناب که از فرزندان اویند:

وَإِذَا ارَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا. (انسان/۲۰)

: (و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پُر نعمت و کشوری بی نهایت بزرگ خواهی یافت.)

از بررسی مجموع احادیث استفاده می شود که حضرت مهدی (عج) اقامتگاه و فرزندان بسیاری دارند که همه از اولیاء و صلحا و شرفا هستند، امّا سَمَتِ امامت ندارند، که امامت منحصر به دوازده معصوم است و جایگاه واقعی آن حضرت بر همگان پوشیده است.

ک همسر قائم (عج)

اقدس

«اقدس» نام کتاب «حسینعلی نوری» ملقب به «بهاء الله» است که درباره ی احکام دین خود و به زبان عربی نگاشته است.

او در این کتاب بیشتر احکام دین «باب» را که سر به افتضاح برداشته، و باعث مسخره ی خرد و کلان بود، نسخ کرد، و چیز بهتری که به عقلش می رسید جای آن گذاشت.

بهاءالله درباره ی کتاب «اقدس» خود، معتقد بود که آن را مانند قرآن نوشته است.

ک بهاء الله، باب

اکمال الدّین و اتمام النّعمه

کتاب «اکمال الدّین و اتمام النّعمه»، تألیف «محمد بن علی بن بابویه» معروف به «شیخ صدوق» (متوفی ۳۸۱ هـ ق) است.

محتوای کتاب ارزشمند «اکمال الدین...» بر مأخذ اصلی شیعه «الاصول الاربعمأة» که قبل از سال ۲۶۰ هـ ق، توسط امام صادق علیه السلام و دیگر امامان گرد آوری شده، تکیه دارد. شیخ صدوق به خاطر این که پدرش «ابن بابویه» از فقهای عالیقدر و وکیل امام علیه السلام در قم بوده، توانست اطلاعات موثقی را درباره ی ارتباطات پنهانی بین وکلاء و امام قائم (عج) به وسیله ی چهار سفیر ارائه دهد. وی همچنین فصلی را درباره ی معمرینی که بیش از صد سال عمر کرده اند، اختصاص داده، تا طول عمر امام دوازدهم (عج) را توجیه کند.

مرحوم «صدوق» می نویسد: «کتاب خود را زمانی که در نیشابور بوده جمع آوری و انشاء کرده است، زیرا غیبت امام عصر (عج) موجب حیرت و تحیر در بین اکثریت شیعیانی که او را ملاقات می کردند، شده و در نتیجه باعث انحراف آنها گردیده بود».

ک البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان (عج)، ابن بابویه

امام حسن عسکری علیه السلام

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار امام عصر (عج) و امام یازدهم شیعیان است. ایشان در روز جمعه هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ هـ ق در مدینه متولد شد.

اسم شریف آن حضرت «حسن» و کنیه اش «ابو محمد» و مشهورترین القابش «زکی» و «عسکری» است. به آن حضرت و همچنین پدر و جدش «ابن الرضا» هم می گفتند.

پدرش امام علی النقی علیه السلام بود و مادر آن حضرت «حدیث» و به قولی «سلیل» بوده و او را «جده» می گفتند.

ایشان شش سال امامت کرد و در سن ۲۸ سالگی در اوّل اذان صبح روز جمعه، هشتم ربیع الاوّل سال ۲۶۰ هجری بر اثر مسمومیت توسط «معتد»، خلیفه ی عباسی (لعنة الله علیه) در منزل شخصی خود در سامراء به شهادت رسید و در کنار پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.

مهدی موعود (عج)، یگانه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. این مطلب در ۲۹۳ حدیث (ر.ک به احادیث مهدویت، در همین کتاب موارد ۱۶ و ۱۷) تصریح شده است. سنّ مبارک حضرت قائم (عج) در هنگام شهادت پدر بزرگوارش، چهار سال و پنج ماه و هفت روز بوده است. («منتخب التواریخ»، ص ۸۵۷)

ک احادیث مهدویت

امام زمان (عج)

یکی از القابی که حضرت مهدی (عج) را با آن می خوانند و بسیار هم شایع است، لقب «امام زمان (عج)» است. شاید این لقب برگرفته از این حدیث معروف نبوی باشد که:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ أَمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» («اصول الکافی»، ج ۱، ص ۳۷۵)

: کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیت است»

و شاید به این دلیل که در این دوره از زمان، هیچ امام حیّ و حاضر دیگری به جز حضرت مهدی (عج) فریادرس و امید بی پناهان نیست، ایشان را با لقب «امام زمان» ندا می کنند.

ک مرگ جاهلی

امیر الامرّه

یکی از القاب حضرت قائم (عج)، «امیر الامرّه» است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نیز به همین لقب می خوانند. امام صادق علیه السلام، بعد از ذکر پاره ای از فتنه ها و جنگها و آشوبها فرمود: «دَجَّالٌ خَرُوجٌ مِی کُند و بسیاری را گمراه می سازد و در این هنگام، «امیر الامرّه» و «قاتل الکفره» و «سلطان المأمول»، خروج می کند». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۱)

انتظار به معنی آینده نگری، و به معنی ناراضی بودن از وضع موجود، و به راضی شدن از آینده ی بهتر، است و انتظار فرج یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان (عج) و تشکیل دولت حقّه ی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلّم و حکومت جهانی آخرین سفیر الهی، انتظار فرج یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود، برای روزی که با طلوع پیشوای غائب جهان، گشایش در کلیّه ی شئون زندگی بشریت پدید می آید، روزی که تمام بدبختیها، ناکامیها، بیدادگریها و ظلمها از میان می رود. و فقر و تنگدستی، بیکاری و بیماری و بالاخره تمام مصائب و ناراحتیها یکباره و برای همیشه رخت از جان بر می بندد و به وسیله ی آن حضرت، حکومت عدل واحد جهانی در سراسر گیتی برقرار می گردد، و برای چنین روزی باید خیلی انتظار کشید و امیدوار بود.

در همین رابطه امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی که دوست دارد از یاران قائم (عج) باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و حتماً باید کارهایش بر اساس تقوی، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام (عج) است. در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است.»
(«بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۴۰)

انتظار فرج امام عصر (عج) از برترین اعمال شمرده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در همین زمینه فرمود:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

:بهترین و برترین اعمال امت من انتظار فرج (مهملی موعود (عج)) از نزد خدای عزیز و جلیل است.» (همان مدرک، ص ۱۲۸)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از شما، در حال انتظار ظهور حاکمیت خدا درگذرد، مانند کسی است که در خدمت قائم (عج) باشد و در خیمه ی او ... نه بلکه مانند کسی است که در رکاب قائم (عج) بجنگد، نه به خدا سوگند، بلکه مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم شهید شده باشد.» («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۲۶)

و نیز امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنْتَظِرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ، عِبَادَةٌ»

: چشم به راه فرج (رسیدن گشایش الهی) داشتن، با صبر و بردباری، عبادت است» (همان مدرک، ص ۱۴۵)

انطاکیه

در احادیث اسلامی آمده است که «حضرت مهدی (عج)»، نخست به «انطاکیه» می رود، و از غاری در آنجا، تورات موسی (نسخه ی اصلی)، را بیرون می آورد ... عصای موسی علیه السلام و انگشتری سلیمان نیز در آن غار است». (همان مدرک، ص ۳۹۰)

آنچه در مآخذ، درباره ی انطاکیه آمده است، با موضوع یاد شده، مناسبت دارد: «...انطاکیه ی کنونی (انطاکیه، در جنوب ترکیه، بر رود اورونتس، نهر العاصی، ۲۲ کیلومتری ساحل مدیترانه قرار دارد)، فقط قسمت کوچکی از انطاکیه ی قدیم را اشغال کرده است. از شهر قدیم، باروها، آبار، تئاتر و قلعه ای باقی است. در کاوشهایی که در آنجا و در اطرافش به عمل آمده، موزائیکهای عالی، از شش قرن اول میلادی، به دست آمده است.

جام بزرگ انطاکی، که در ۱۹۱۰ به دست آمده، به زعم بعضی، همان جام مقدّس است». («خورشید مغرب»، پاورقی ص ۲۹۵)

انگشتری سلیمان علیه السلام

«انگشتری سلیمان علیه السلام» همان انگشتر و مُهر حضرت سلیمان علیه السلام است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بود و سلطنت وی بر انس و جن، وابسته آن بود، و دیوی، به شکل حضرت سلیمان علیه السلام، آن انگشتری را به دست آورد و چندی

سلطنت کرد تا بار دیگر، انگشتی به دست حضرت سلیمان علیه السلام افتاد و سلطنت خود را باز یافت. نامهای دیگر آن: «خاتم جم»، «خاتم جمشید»، «انگشتی جم» و «انگشتی جمشید» است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۹۰)

یکی از خصائص حضرت قائم (عج) در هنگام ظهور، دارا بودن انگشتی سلیمان علیه السلام است. امام رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «قائم (عج) کسی است که هر گاه خروج کند... انگشتی سلیمان علیه السلام و عصای حضرت موسی علیه السلام، همراه اوست». («اعلام الوری»، ص ۴۰۷ - «کشف الغمه»، ج ۳، ص ۴۴۵)

ک انطاکیه، عصای حضرت موسی علیه السلام

اوتاد

کلمه ی «اوتاد» جمع «وَتَد» به معنی میخ است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا﴾ (نبأ/۷)

: ما کوهها را میخهای زمین قرار دادیم.»

اما «اوتاد» مورد نظر در اینجا، طبق روایات به سی نفر از کسانی که همواره در خدمت امام قائم (عج) به سر می برند، و هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته ی دیگری جانشین او می گردد، گفته می شود. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۸)

از پیوند دو مطلب، نتیجه می گیریم که این یاران از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت آن حضرت به سر می برند.

اوصاف قائم (عج)

درباره ی مقام شامخ و اوصاف و ویژگیهای امام عصر علیه السلام در روایات فراوان، نامهای گوناگونی دیده می شود که نوشتن همه ی آنها در یک جا و توضیح و دلیل انتخاب آن اوصاف و القاب جزوه ای جداگانه می طلبد. بیشترین اوصاف در ادعیه و زیارات وارد شده است. در ذیل برخی اوصاف ذکر می شود:

حاصد فروغ الغی و الشقاق - طامس آثار الزیغ و الاهواء - قاطع حبايل الكذب و الافتراء - طالب بذحول الانبياء و ابناء الانبياء - طالب بدم المقتول بكربلاء - منصور على من اعتدى عليه و افترى - فاتق كل رتق - محقق كل حق - مبطل كل باطل - محیی المؤمنین و مبير الكافرين - مهدي الامم - سفینه النجاه - التقی - حافظ اسرار رب العالمین - معدن علوم النبویة - حجة الله فی ارضه - الرضى - باب الله و خازن كل علم - شاهد الله على عباده - سبب المتصل بين الارض و السماء - حجة المعبود و كلمة المحمود - صاحب الصمصام - قاصم الشوكة المعتدين - منیر الحق - مؤمل لاهياء الكتاب و حدوده - قائم بقسط الله - معز الاولياء و مذل الاعداء - الزكى - دين المأثور - جامع الكلم - بقیة الله من الصفوة منتجبين - النقی - عين الله فی خلقه - عين الحيوة - قمر الزاهر - السيف الشاهر - صاحب الشرف - وتر الموتور - مؤلف شمل الصلاح و الرضا - علم المنصوب - خلف السلف - وارث الانبياء - العدل المشتهر - هادم ابيئة الشرك و النفاق - مُدْخِرٌ لتجدید الفرایض و السنن - مفرج الكرب و مزيل الهمم - نور الباهر - صدر الخلائق ذوالبرّ و التقوى - جامع الكلمة على التقوى - متخير لاعادة الملء و الشريعة - مبيد اهل الفسوق و العصيان و الطغيان - الكتاب المسطور - فائز بامر الله - خالق الهام - شمس الظلام و بدر التمام - مستأصل اهل العناد و التضليل و الالحاد - صاحب يوم الفتح و ناشر رايه الهدى - عين الله الناظره - وجه الله الذى اليه يتوجه الاولياء - ربيع الانام - نضرة الايام - امنیة شایق یتمنى من مؤمن و مؤمنة.

ک اسماء و القاب قائم (عج)

اوقات مخصوص قائم (عج)

در باب یازدهم کتاب «نجم الثاقب» به توضیح درباره ی اوقات مخصوص قائم (عج) پرداخته شده است. در اینجا تنها عناوین این اوقات ذکر می شود:

شب قدر، روز جمعه، روز عاشورا، از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز، عصر دوشنبه، عصر پنجشنبه، شب و روز نیمه شعبان و روز نوروز.

اوقیدمو

از اسماء حضرت ولی عصر (عج)، «اوقیدمو» است. «میرزا محمد نیشابوری» در کتاب «ذخیره الالباب»، معروف به «دوائر العلوم» ذکر کرده که اسم آن حضرت در تورات به لغت ترکوم، «اوقیدمو» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۵۸)

اهداف قیام قائم (عج)

مقصود از «هدف» قیام قائم (عج)، چیزی است که آن حضرت برای دست یافتن به آنها با تحقق آنها حرکتی جدی را آغاز خواهد کرد. فهرستی از اهداف مقدس به این صورت است:

۱- احیای اسلام که بر اثر کجرویها زنگار گرفته است.

۲- تأمین قسط و عدل اجتماعی و اجرای قانون شرع.

۳- اصلاح جامعه و به حرکت در آوردن امت.

۴- حاکم ساختن حق و نیرو بخشیدن به حق پرستان.

۵- احیای سنت نبوی و سیره ی علوی.

۶- از بین بردن بدعتهای جاهلانه.

۷- آزاد سازی اراده ی ملت از محکومیت سلطه و زور.

۸- آگاه ساختن مسلمانان و افشای ماهیت واقعی جبّاران.

۹- از بین بردن سلطه ی استبدادی خودکامگان بر جهان اسلام.

۱۰- تأسیس یک مکتب عالی تربیتی و شخصیت بخشیدن به جامعه.

این هدفها، هم در اندیشه و عمل حضرت قائم (عج) جلوه گر خواهد بود و هم در یاران و سربازانش. (اهداف مذکور همان اهداف عاشورا است، زیرا حسین علیه السلام و مهدی (عج) پیروان یک مکتبند. رک به «فرهنگ عاشورا»، ص ۶۲)

اهل سنت و انتظار

انسان مسلمان که به قرآن کریم معتقد است، و آن را، کتاب خدا می داند، و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معتقد است و او را پیام آور و وحی می داند، و تعالیم او را تعالیم الهی می شناسد، باید به «مهدی (عج)» و «انتظار» معتقد باشد، و به «آداب انتظار» عمل کند و خویشتن را برای چنان ظهور عظیم، آماده سازد.

توجه و تأمل در این همه حدیث نبوی و اقوال صحابه و تابعین و این همه راوی و سند و کتاب و تألیف و قول و تصریح و این همه محتوای غنی و مسلم قرآن کریم، ایجاب می کند، که سراسر جهان تسنن، از وجود این ولیّ بزرگ الهی غافل نمانند، و همه ی آنان، از هر مذهب و در همه کشور دارای این جهان بینی اسلامی، یعنی: اعتقاد به ظهور قائم (عج)، برای نابود کردن ظلم جهان، باشند و مانند شیعه، توجهات و توسّلاتی نیز به ساحت اعلای آن امام، داشته باشند.

علمای بزرگ اهل سنت، در زمینه ی مهدویت کتابهای خاصّ نوشته و منتشر کرده اند و برخی در کتابهایشان، بخشی را به این موضوع عظیم اختصاص داده اند، که این خود بیانگر اهمیت انتظار در بین اهل سنت است. («خورشید مغرب»، ص ۸۵)

در روایتی می خوانیم، هنگامی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آیه ی ۵۴ سوره مائده سؤال کردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست خود را بر شانه ی سلمان فارسی نهاد و فرمود: «منظور از این یاران، هموطنان این شخص هستند».

سپس فرمود:

«لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِّ يَا لَتَنَاوَلَهُ وَجَالٌ مِنْ أِبْنَاءِ الْفَارِسِ

: اگر دین به ستاره ی ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت («نورالثقلین»، ج ۱، ص

۶۴۲)

(در بعضی از روایات بجای دین، «علم» آمده است. («حلیه»، ج ۶، ص ۶۴))

طبق بعضی از روایات آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص حضرت مهدی (عج) از عجم هستند. («اثبأه الهداء»، ج ۷، ص ۹۲)

شگفت نیست که چشمت به این دیار افتد که بهترین رقم انتظار، ایرانی است

ک اصحاب قائم (عج)

ایزدشناس

«ایزدشناس» و «ایزدنشان»، دو نام حضرت ولی عصر (عج) در نزد «مجوس» است. شیخ بهایی، در «کشکول» فرموده که «فارسیان»

آن حضرت را به این نام می خوانند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۸)

آیدی

«آیدی» از القاب حضرت قائم (عج) است. ظاهراً مراد از «آیدی» که جمع «ید» است، در اینجا، به معنی نعمت باشد.

شیخ صدوق در «اکمال الدین» و ابن شهر آشوب در «مناقب»، از امام کاظم علیه السلام روایت کرده اند که حضرت در تفسیر آیه ی شریفه ی:

«وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» (لقمان/۲۰)

: و (خداوند) نعمتهای ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان گردانیده است». فرمود: «نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطنه، امام غایب است و در مواضع بسیاری از قرآن، نعمت به امام عیبه السلام تفسیر شده است (نجم الثاقب، باب دوّم، ص ۶۱)».

ایستاده

«ایستاده»، از اسامی حضرت صاحب الزمان (عج) است. در کتاب «ذخیره الالباب» ذکر شده که، «ایستاده»، نام آن حضرت در کتاب «شاکمونی» («شاکمونی» از بزرگان کفار هند به شمار می رفته و به گمان آنان پیامبر آسمانی بوده است) است. (نجم الثاقب، باب دوّم، ص ۵۸)

ایقان

کتاب «ایقان» از آثار «میرزا حسینعلی نوری»، معروف به «بهاء الله» است.

او این کتاب را در بغداد پیش از تبعید به ترکیه نوشته است و هر کس آن را مطالعه کند، گمان می کند، مؤلف آن یک نفر صوفی عارف مسلک بسیار غلیظ است.

وی همچنین صاحب کتاب «اقدس» است.

ک بهاء الله، اقدس

حضرت مهدی (عج)

طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ

طَرِيقِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ

مُسَاوِقٌ لِانْكَارِنَا

جُستجوی معارف

جُز از راه ما خاندان پیامبر،

برابر با انکار ما خواهد بود.

«دین و فطرف جلد ۱»

سید علی محمد شیرازی معروف به «باب»، فرزند سید محمد رضای بزّاز در سال ۱۲۳۵ هـ. ق در شیراز متولد شد. او چندین بار سرِ درس سید کاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسایی، (که خود در ادعاهای عجیب و غریب مهارتی بسزا داشت و یک دسته از طلاب افراطی در درس وی اجتماع می کردند) حاضر شد و مورد توجه او قرار گرفت. پس از فوت سید کاظم، مورد توجه عدّه ای از شاگردان او گردید. در سن ۲۵ سالگی (۱۲۶۰ هـ. ق) تحوّل در فکر او ایجاد شد و نخست دعوی «بایّت» و سپس دعوی «مهدویّت» کرد. از این به بعد به «علی محمد باب» یا «سید باب» مشهور گشت.

او مردم را پنهانی به ارادت خویش دعوت می نمود و می گفت: «من باب الله هستم

وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا (بقره/۱۸۹)

: و از در خانه ها وارد شوید».

در مدّتی اندک ۱۸ تن به او گرویدند و آنان به «حروف حیّ» («حیّ» به حروف ابجد، معادل عدد است. به این ترتیب که ح = ۸ و ی = ۱۰) موسومند. او به مریدهای خاصّش می گفت: «من آن مهدی صاحب الامر هستم»، سال بعد در مکه معظمه دعوت خود را اظهار نمود و گفت:

«علی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلّم دو کس بودند، اینک آن هر دو منم، لذا نام من علی و محمد است». وی بدعتهای زیادی در دین خدا گذارد، بعد به طرف شیراز آمد.

بعدها دعوت او بالا گرفت و به سبب شورشهای پیاپی در مازنداران، زنجان و نیریز گروه بسیاری از بایبان به قتل رسیدند. به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر و موافقت ناصر الدین شاه، در تبریز مجلس مباحثه ای بین علماء و «باب» و باحضور ولیعهد شاه تشکیل شد و سرانجام علماء حکم به قتل «باب» دادند.

بالاخره او را در روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان المعظم سال ۱۲۶۶ هـ. ق در میدان مشق تبریز به دار آویخته شد و بدنش را هدف گلوله کردند و جسدش را چند روز در میان شهر گردانیدند. آنگاه در بیرون دروازه شهر انداختند و خوراک جانوران ساختند. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۲۲ - «منتخب التواریخ»، باب ۱۴، ص ۱۶۸)

بابی

«بابی» (بابیه) نام فرقه ای است که «سید علی محمد شیرازی» معروف به «سید باب» تشکیل داد.

ک باب

باسط

«باسط» از القاب حضرت ولی عصر (عج) است. «باسط» یعنی فراخ کننده و گستراننده.

فیض آن حضرت، چنانچه خود ایشان فرمودند، مانند آفتاب به همه جا رسیده و هر موجودی از آن بهره دیده و در ایام حضور و ظهور، عدلش چنان منبسط و عام شود که گرگ و گوسفند با هم چرا کنند. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۳)

بئرمعطله

از القاب حضرت مهدی (عج)، «بئرمعطله» است. علی بن ابراهیم در تفسیر خود، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه شریفه ی:

«... وَ بئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ (حج/۴۵)

: و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند، و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع».

فرمود: «که این مثلی جاری برای آل محمد علیه السلام است. «بئرمعطله» چاهی را گویند که از آن، آب کشیده نمی شود و همچنین آن امامی که غایب شده است».

پس، از او تا وقت ظهور، علمی اقتباس نمی شود. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۲)

بتریه

«بتریه» نام یک گروه است که با حضرت مهدی (عج) به مبارزه می پردازند. حضرت قائم (عج) پس از ظهور، از مکه به مدینه آمده و در آنجا همراه دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می شوند.

در کوفه حدود ده هزار نفر که «بتریه» نام دارند، جلوی آن حضرت را می گیرند و به او می گویند، از همانجا که آمده ای برگرد، ما نیازی به فرزندان فاطمه (س) نداریم، امام (عج) با آنها می جنگد و همه ی آنها را به هلاکت می رساند، آنگاه وارد کوفه شده و هر منافق شکاک را می کشد، و کاخ های عظیم ظلم را ویران می سازد، و جنگ افروزان را به قتل می رساند تا خداوند خشنود گردد.

این روایت از امام باقر علیه السلام هم نقل شده است. («اعلام الوری»، ص ۴۳۲)

بحارالانوار

«بحارالانوار فی اخبار الائمه الطهار»، کتاب ارزشمندی از علامه ی مجلسی است. این کتاب به زبان عربی و شامل ۲۶ جلد است.

علامه ی مجلسی درباره ی کتابش می گوید: «من نظر به اینکه این کتاب مشتمل بر انواع علوم و حکمتها و اسرار است، و از مراجعه به تمام کتب بی نیاز کننده می باشد آن را بحارالانوار (دریای نور) جامع گوهرهای اخبار ائمه ی اطهار، نامیدم».

علاّمه، جلد سیزدهم (چاپ جدید «بحارالانوار» در ۱۱۰ جلد منتشر شده که جلد های ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید، همان جلد ۱۳ چاپ قدیم است) کتاب گرانسنگ خود را به «حضرت مهدی (عج)» اختصاص داده است. اکثر قریب به اتفاق کتب مهدویّت، از این اثر مهم اقتباس کرده اند.

بحرالعلوم

«سید محمد مهدی طباطبایی بروجردی» ملقب به «علاّمه ی بحرالعلوم» (دریای دانشها)، در سال ۱۱۵۴ هـ. ق در کربلا متولد شد. بحرالعلوم از علماء بزرگ شیعه است که به دیدار حضرت قائم (عج) در زمان غیبت کبری نائل شد. («بحارالانوار»، ج ۵۳، ص ۳۰۲ و ۲۳۶) وی متوفی سال ۱۲۱۲ هـ. ق در نجف اشرف است.

از او آثاری باقی مانده است. از جمله: «الاثنا عشریات»، «اجتماع الامر و النهی»، «اصالۃ البرائت» و «تاریخ مکّه و مسجدالحرام». («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۲۲۴)

بُرّاق

«بُرّاق»، شتر سواری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است. حضرت صاحب العصر (عج) هنگام ظهور و خروج به عنوان نشانه ای، آن را همراه خود خواهند داشت. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

برهان الله

از اسماء شریفه ی حضرت مهدی (عج)، «برهان الله» است. این نام در کتاب «انکلیون» آمده است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)

البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان (عج)

یکی از شش (پنج کتاب دیگر عبارتست از: ۱- الغیبه اثر نعمانی ۲- الغیبه اثر شیخ طوسی ۳- اکمال الدین و اتمام النعمه اثر شیخ صدوق ۴- الفصول العشره فی الغیبه اثر شیخ مفید ۵- مسأله وجیزه فی الغیبه اثر سیّد مرتضی) کتابی که می توان آن را اساس عقائد بعدی امامیه در موضوع غیبت دانست و یکی از مآخذ اصلی غیبت به شمار می رود، کتاب «البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان (عج)» تألیف «محمد بن علی کراچکی»، (متوفی ۴۴۹ هـ. ق) یکی از شاگردان برجسته ی شیخ مفید است.

او در رساله ی خود همان روش استاد خود را دنبال کرده است، و در آن اسامی بسیاری از افراد را ذکر می کند که سن آنها بالاتر از طول عمر افراد عادی بوده است، هدف او همچون شیخ مفید و شیخ صدوق این بود که ثابت کند، طول عمر امام دوازدهم در دوران غیبت امر خارق العاده نبوده است.

بزوفری

«ابو عبدالله، حسن بن علی بن سفیان بزوفری»، از کسانی است که معلوماتش را مستقیماً یا با واسطه ی نوّاب خاص از خود حضرت قائم (عج) فراگرفته، و از نایبان و وکلاء خاص آن حضرت به شمار می رفته است. («آخرین امید»، ص ۱۱۹)

بشربن سلیمان نخّاس

«بشربن سلیمان نخّاس» (برده فروش)، از فرزندان ابویوب انصاری و از شیعیان خاصّ امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و همسایه ایشان در سامراء بود.

امام علی النقی علیه السلام وی را با دویست و بیست اشرفی همراه با یک نامه به خطّ فرنگی و لغت فرنگی و مهر شریف خود که بر آن زده بود، روانه ی بغداد کرد تا کنیزی (ملیکه) را با فلان صفت خریداری کند. او چنین کرد و ملیکه را به خانه ی امام علیه السلام آورد. او بعدها مادر منجی عالم بشریت امام قائم (عج) شد.

ک ملکیه

از القاب حضرت مهدی (عج)، «بقیة الانبیاء» است.

حکیمه خاتون می گوید: «مولد قائم (عج) شب نیمه ی شعبان بود. آن حضرت را به نزد برادرم، حسن بن علی علیه السلام آوردم. ایشان دستی بر روی فرزندش کشید و فرمود: «سخن بگو! ای «حجة الله» و «بقیة الانبیاء» و «نور الاصفیاء» و «غوث الفقراء» و «خاتم الاوصیاء» و «نور الاتقیاء» و «صاحب کرة البیضاء» و «المصباح الشدید الضیاء» و «خليفة الاتقیاء» و «نور الاوصیاء» و ... («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۴)»

بقیة الله

«بقیة الله» از نامهای حضرت مهدی (عج) است. مردی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد که آیا هنگام سلام به حضرت قائم (عج) به ایشان «یا امیرالمؤمنین» بگوئیم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «نه این اسمی است که خداوند با آن، حضرت علی علیه السلام را نامیده و قبل و بعد از او احدی به این نام نامیده نمی شود مگر آنکه کافر باشد.»

آن شخص گفت: «پس چگونه به آن حضرت سلام کنیم؟»

امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: «بگوئید

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ»

آنگاه آن حضرت آیه ی:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (هود/۸۶)»

: آنچه خدا برای شما باقی می‌گذارد بهتر است، اگر واقعاً به خدا ایمان دارید» را قرائت فرمود». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۱)

«بقیة الله خیراً لکم» که گفته خدای

توئی توئی، به تو ای نازنین امام، سلام

بکمینابدو

در کتب مهدویّت آمده است که «بکمینابدو» یکی از شاهدان حضرت قائم (عج) در هنگام خروج خواهد بود. و او از اصحاب کهف است.

(«نجم الثاقب»، ص ۱۵۸)

ک تمنیحا

بلالی

«ابو طاهر، محمد بن علی بن بلال» معروف به «بلالی» از وکلاء امام زمان (عج) در دوران غیبت صغری است. وی را از جمله کسانی

دانسته اند که شیعیان امامیه به عنوان راوی احادیث شهرت دارد و علاوه بر آن در زمره ی وکلای اصلی بغداد بود و با امام دهم و

یازدهم روابط نزدیکی داشت.

بلالی، نیابت «محمد بن عثمان» را انکار کرد و مدّعی شد که خود، وکیل امام غائب (عج) است، او وجوهات امام را در نزد خود

نگاهداشت و از ارائه آن به «محمد بن عثمان» سرباز زد ادّعی او موجب انشعابی جدّی در میان امامیه شد، زیرا عدّه ای از امامیه

همچون برادرش «ابوطیب» و ابن جرّز» ادّعی او را پذیرفته و از او پیروی می کردند. این انشعاب پس از اندک زمانی از بین رفت.

بَلَدُ الْأَمِينِ

از القاب حضرت مهدی (عج)، «بَلَدُ الْأَمِينِ» است. «بَلَدُ الْأَمِينِ» یعنی قلعه‌ی محکم خداوند که کسی نمی‌تواند بر آن تسلط پیدا کند. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۳)

بَلَدِ مَهْدِي كِ اِقَامَتِگَاهِ قَائِمِ (عج) در غیبت کبری

بنده‌ی یزدان

«بنده‌ی یزدان»، یکی از نامهای شریف حضرت ولی عصر (عج) است. این نام در کتاب «ایستاع» آمده است. (همان مدرک)

بنی اسرائیل

«بنی اسرائیل» (اسراء)، هفدهمین سوره‌ی قرآن کریم است که ۱۱۱ آیه، ۱۵۳۳ کلمه و ۶۴۶۰ حرف دارد. («دانستنیهای قرآن»، ص ۱۹۵)

درباره‌ی فضیلت قرائت سوره بنی اسرائیل، امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در هر شب جمعه، سوره‌ی بنی اسرائیل را بخواند نمی‌میرد تا به خدمت امام قائم (عج) برسد و از اصحاب آن حضرت باشد». («تفسیر برهان»، ج ۲، ص ۳۸۹) (لازم به توضیح نیست که قرائت همراه با درک معانی و مضامین و انجام اعمال نیک و خدا جویانه مثمرتر واقع می‌شود نه قرائت خشک و بی روح)

بودای پنجم ک بوداییان و انتظار

بوداییان و انتظار

چنانکه در پاره‌ای از کتب و مآخذ آمده است، در دین بودایی نیز، مسأله‌ی انتظار مطرح است. گفته‌اند در این آیین نیز انتظار هست و شخص مورد انتظار بوداییان، «بودای پنجم» است.

«بهاء الله»، لقب «میرزا حسینعلی بن میرزا عباس نوری» است. وی در سال ۱۲۶۰ هـ.ق، به واسطه ی «ملاً حسین بشرویه ای» در تهران خبر دعوت «باب» را شنید و به یاری او قیام کرد. در واقعه ی سال ۱۲۶۸ هـ.ق (تیر اندازی به طرف ناصر الدین شاه از طرف بایبان)، بهاء الله با گروهی از بایبان دستگیر و زندانی شد. او پس از چهار ماه به عراق تبعید شد و مدت یازده سال در بغداد به تبلیغ بایبه مشغول بود. بهاء الله در بغداد، خود را «مَنْ يُظْهِرُ اللهُ» و «موعود بیان» («بیان» نام کتابی از «باب» است) خواند. در سال ۱۲۷۹ هـ.ق او را به استانبول و پس از چهار ماه به ادرنه و پس از ۵ سال به عکا (فلسطین) تبعید کردند و او در سرباز خانه ی عکا زندانی بود تا اینکه، در سال ۱۳۰۹ در گذشت.

بهاء الله کتابهایی هم نوشته است. از جمله: ایقان، اقدس، جواهر الاسرار، هفت وادی، کلمات مکنونه. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۴۶۲)

ک بیان

بهایی

«بهایی»، آیینی منشعب از بایبه است. مؤسس آن «بهاء الله»، و جانشینان او را «بهایی» گویند.

ک بهاء الله

بهرام

«بهرام»، از اسماء شریف حضرت مهدی (عج)، در کتاب «مجوس» است. («تجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)

بیان

«بیان»، نام کتاب «سید علی محمد شیرازی» معروف به «باب» است. وی، «بیان» را کتاب آسمانی می دانست و عقیده داشت که این کتاب را خداوند بر او نازل کرده و باید مردم مطابق آنچه در آن است، عمل کنند.

او هر چه به ذهن آشفته اش می رسید، بدون فکر و تأمل و بی درنگ به قلم می آورد و به سرعت می نوشت. به همین جهت آثار او آنچنان آشفته و نامفهوم و در هم و برهم و مغلوط است که خود بهاییان هم از افشاء و نقل آن جداً خود داری می کنند. («مهدی موعود»، مقدمه ص ۱۵۷)

ک باب

بیت الحمد

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: برای صاحب این امر (حضرت مهدی (عج)) خانه ای هست که آن را «بیت الحمد» گویند و در آن چراغی روشن است، از آن روز که متولد شد، تا روزی که با شمشیر خروج کند، خاموش نمی شود («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۴)

بیت المقدّس

«بیت المقدّس» یکی از سرزمینهای مقدّس از نظر اسلام است. «مسجد الاقصی» که دومین معراجگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است، در این شهر قرار داد.

در حدیثی از امام علی علیه السلام، در ضمن خطبه ی طولانی فرمود: «حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدّس می آیند و در آنجا بین آن حضرت، با دجال و ارتش او جنگ واقع شده و دجال و لشکریانش شکست را متحمل می شوند». («اثبابة الهداء»، ج ۷، ص ۱۴۲ و ۱۷۶)

«بَيِّدَاء»، نام سرزمینی ما بین مکه و مدینه است. در زمان ظهور حضرت قائم (عج)، در این سرزمین، لشکر سفیانی که به سیصد هزار نفر می رسند، به امر خداوند در زمین فرو می روند و نابود می شوند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

بیضاویّه ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

بیوح

در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از این امر (قیام حضرت مهدی (عج)) کشتار «بیوح» روی خواهد داد».

راوی گوید، پرسیدم: «بیوح چیست؟»

حضرت فرمود: «جنگ پیوسته ی بدون قطع شدن است (بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۸۲)».

پ

پرچم ارتش قائم (عج)

پرچم در یک سپاه نشانه ی پویایی آن است و مادامیکه در میدان نبرد برافراشته باشد، نشان دهنده ی ادامه ی قیام و باز نایستادن لشکر، از حرکت است.

همانگونه که مرسوم است، روی برخی از پرچم ها جملاتی نوشته می شود که بیان کننده ی دیدگاه و سخن حاملان، و کسانی که تحت آن پرچم می جنگند، می باشد.

در روایات اسلامی آمده که روی پرچم ارتش قائم (عج) این جمله نوشته شده است:

«الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»

: بیعت مخصوص خداست («حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ص ۳۸)

پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

از جمله خصائص حضرت ولی عصر (عج) این است که در هنگام ظهور، پرچم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، همراه ایشان خواهد بود.

آنچه از روایات رسیده این است که این پرچم از برگ بهشتی تهیه شده و جبرئیل در روز جنگ بدر بر پیامبر نازل کرد. پس از جنگ، پیامبر آن را پیچید و به حضرت علی علیه السلام داد. آن حضرت پرچم را در روز بصره باز کرد و آن گاه آن را پیچید و بعد از آن حضرت کس دیگری جزء امام قائم (عج) آن را پس از خروج باز نخواهد کرد. («نجم الثاقب»، باب سوم، ص ۱۷۰)

پرچمهای سیاه

از روزگاران قدیم که سخن از مهدی منتظر (عج) به میان آمده، و در احادیثی که در این زمینه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی طاهرین علیهم السلام رسیده است، از «رایات سود خراسان» (یعنی پرچمهای سیاه که از سوی خراسان (ایران) می آید و مردمی که با آن پرچمها حرکت می کنند) گفتگو شده است.

طبق روایات آنان در شمار یاران مهدی (عج) در می آیند، و او را یاری می کنند، تا حکومت جهانی عدل و داد را پی ریزد و بر سر کار آورد.

در روایتی آمده: «هر گاه دیدید که رایات سود (پرچمهای سیاه) از سوی خراسان (ایران) آمدند، خود را به آن پرچمها برسانید، اگر چه خویشان را به روی برف بکشید، زیرا، مهدی خلیفه الله، در میان آنان است». («عقدالدرر»، ص ۱۲۵)

برخی از اهل سنت گفته اند: «مقصود از این پرچمهای سیاه، پرچمهای اصحاب مهدی (عج) است، نه پرچمهای سیاهی که با «ابومسلم خراسانی» بود». («خورشید مغرب»، ص ۳۱۹)

پرویز

«پرویز» به معنی «مظفر» و «منصور» و از اسماء حضرت مهدی (عج) است. این نام در کتاب «برزین آزر» فارسیان ذکر شده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۳)

پسر انسان

کلمه ی «پسر انسان»، طبق نوشته ی مسترهاکس آمریکایی، در کتاب خود، «قاموس کتاب مقدس» ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق می باشد. ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد و او کسی جز حضرت مهدی (عج) نمی باشد. («آخرین امید»، ص ۱۹۵)

پیشرفت علم و قیام قائم (عج)

در زمان حکومت حضرت ولی عصر (عج)، پیشرفت صنعتی همچنان ادامه می یابد و اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر در آیند، اسلام و حکومت قائم (عج) شدیداً با آن مخالفت می کند.

حکومت صاحب الزمان (عج) مؤید پیشرفتهای همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیت و آسایش و آزادی به کار می رود.

امام صادق علیه السلام در رابطه با اوج پیشرفت در آن زمان، فرمود: «در عصر قائم (عج)، مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که در غرب جهان است می بیند، و به عکس مؤمنی که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است، می بیند.» («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۹۳)

همچنین در جای دیگر می فرمایند: «علم بیست و هفت حرف است، آنچه تا به امروز پیامبران آورده اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تا امروز غیر از این دو حرف بقیه ی آن را نشناخته اند. پس هر گاه قائم ما (عج) خروج کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد و آنها را در میان مردم پراکنده می کند و دو حرف دیگر را به آنها ضمیمه کرده و بدین ترتیب بیست و هفت حرف را منتشر می نماید.» («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۳۸)

تابوت سکینه

«تابوت سکینه»، صندوقی است که حضرت موسی علیه السلام به امر حق تعالی، از چوب شطیم ساخت. طول آن سه قدم و نه قیراط و عرض و ارتفاعش دو قدم و سه قیراط بود.

بیرون و اندرونش را به طلا پوشیده کرد. آن تابوتی بود که به عدد هر پیغمبری خانه ای از زبرجد سبز در آن بود، آخرین خانه ها، خانه ی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم بود.

آن تابوت را، «تابوت شهادت» و «تابوت عهد» هم گفته اند. («لغت نامه ی دهخدا»، چاپ جدید، ج ۴، ص ۵۳۳۵)

در روایات اسلامی ذکر شده که آن تابوت هنگام ظهور قائم (عج) همراه ایشان خواهد بود، که از غاری در «انطاکیه» بیرون آورده است. («المجالس السنیه»، ج ۵، ص ۷۱۰) و به روایتی دیگر، تابوت در «دریاچه ی طبریه» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۶)

تالی

«تالی» در لغت به معنی «تابع و دنباله رو» است، که از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده می شود. (همان مدرک، ص ۶۵)

تأیید

«تأیید»، از القاب حضرت مهدی (عج) ذکر شده و به معنی نیرو و قوت دادن است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۵)

تُراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم

حضرت قائم (عج) هنگام قیام و ظهور در جبهه ی جنگ با دشمن، غرق در اسلحه است. زره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در تن و شمشیر ذوالفقار، در دست و کلاهخود آن حضرت را بر سر دارد. («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۸۹)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «تُراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به قائم (عج) می رسد».

یکی از یاران پرسید: «تُراث چیست؟»

حضرت فرمود: «شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلاق و اسب و زین و آلات جنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است.»
(«بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۲)

تسبیح قائم (عج)

تسبیح حضرت حجّه (عج) از هجدهم، تا آخر هر ماه است، و تسبیح آن حضرت این است:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ

: پاک و منزّه است خداوند به تعداد مخلوقاتش، پاک و منزّه است خداوند تا آنگاه که خشنود گردد، پاک و منزّه است خداوند به شمارش موجوداتش، پاک و منزّه است خداوند به اندازه ی وزن عرش او، و حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند این مقادیر». (صحیفه المهدی، ص ۱۹)

تلفّظ نام مقدّس حضرت قائم (عج)

این سؤال بین جمعی از محدّثان و راویان مطرح است که آیا تلفّظ به نام مقدّس حضرت قائم (عج) جایز است یا خیر؟

مشهور بین جمعی از محدّثان و راویان آن است که تکلم به نام اصلی امام عصر (عج) حرام است. ولی تلفّظ به القاب آن حضرت مانند مهدی، حجّت، قائم و ... حرام نیست.

حال این سؤال مطرح است که آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صغری بوده است یا در هر زمان و مکانی، تا موقعی که آن حضرت ظهور کند، حرام است؟ و یا اینکه حرمت تلفّظ نام مقدّس آن حضرت بستگی به موارد خاصّی مانند تقیّه و ترس دارد که اگر موارد ترس و تقیّه نباشد جایز است؟ و آیا این مسأله اختصاص به حضرت حجّت (عج) دارد یا درباره ی سایر ائمه علیهم السلام نیز جاری است؟

دانشمند معروف شیعه شیخ حرّ عاملی در کتاب «وسائل الشیعه» می گوید: «در مورد تقیّه و خوف، تلفّظ به نام آن حضرت حرام است و در غیر موارد تقیّه و خوف حرام نیست».

روایاتی را که در این موضوع به ما رسیده می توان به ۴ بخش تقسیم کرد:

۱- تلفّظ نام مبارک حضرت ولیّ عصر (عج) به طور مطلق (در هر زمان و مکانی و در هر شرایطی) بی آنکه جای تقیّه باشد، حرام است.

امام صادق علیه السلام در این رابطه، فرمود:

«صاحبُ هذا الأمرِ لا یُسَمَّیهِ بِاسْمِهِ إِلَّا کَافِرًا»

: نام مبارک صاحب این امر (حضرت مهدی (عج)) را هیچ کس جز شخص کافر نمی برد». («وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ص ۴۸۶)

همچنین مرحوم صدوق از «محمد بن عثمان عمری» نقل می کند که گفت: «برایم دستخطی پدیدار شد که با آن دستخط آشنا بودم (که نویسنده اش حضرت ولی عصر (عج) است) به این عبارت:

مَنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَصَلِّ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

: کسی که در میان اجتماع مردم، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد». (همان مدرک، ص ۴۸۹)

۲- نام بردن آن حضرت تا موقعی که قیام کند، ترک شود، امام هادی علیه السلام درباره ی حضرت صاحب الزمان (عج) فرمود: «یاد کردن حضرت قائم (عج) به نام جایز نیست، تا وقتی که قیام کند و زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد نماید». («حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ص ۱۴۲)

۳- پوشاندن نام حضرت مهدی (عج) به خاطر امر تعبّدی خاص نیست، بلکه تنها به ملاک تقیّه (با آن شرایطی که دارد)، می باشد.

هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السلام درباره ی امام عصر (عج) سؤال شد، ایشان فرمودند:

«اگر آنها را (مردم) به اسم مهدی (عج) آگاه سازید، آن را ظاهر می سازند و اگر مکانش را بشناسند، بر ضدّ او اقدام می کنند». («وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ص ۴۸۷)

شیخ حرّ عاملی پس از نقل این حدیث می گوید: «این حدیث دلالت بر این دارد که نهی ائمه اطهار علیهم السلام از نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد».

۴- خود ائمه ی اطهار علیهم السلام یا اصحابشان در موارد متعدّدی آن حضرت را به نام یاد کرده اند.

در حدیثی می خوانیم که وقتی همسر امام حسن عسکری علیه السلام باردار شد، امام حسن علیه السلام به او فرمود:

«سَتَحْمِلِينَ وِلْدًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي (همان مدرک)

: بزودی پسری را حمل می کنی که نامش «محمد» است و قائم بعد از من اوست».

امام باقر علیه السلام فرمود:

«پدرم از پدرش نقل کرد که امام علی علیه السلام روی منبر فرمود: «در آخر الزمان مردی از فرزندانم خروج و قیام می کند». پس

اوصاف و احوال حضرت قائم (عج) را تشریح کرد و آنگاه فرمود:

«لَهُ اسْمَانِ، اسْمٌ يُخْفَى فَأَحْمَدٌ وَ أَمَّا الَّذِي يَعْلَنُ فَمُحَمَّدٌ ... (همان مدرک)

: او دو نام دارد یک نامش پنهان است که احمد می باشد و اما نامی که آشکار است، محمد است»

این روایت دلالت دارد بر اینکه تصریح به نام حضرت به گفتن «محمد» حتی بالای منبری جایز است.

نتیجه اینکه ممنوعیت نام بردن آن حضرت بستگی به وجود ملاک تقیّه دارد، ولی در غیر تقیّه مانند امثال ما بنابر تحقیق حرام نیست.

(«حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ۱۳۷ الی ۱۶۱)

تمام

«تمام» در کتاب هدایه از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است و معنی آن روشن است چرا که آن حضرت در صفات حمیده و کمال و افعال و شرافت نسبت و شوکت و رأفت، تامّ و تمام و بی عیب و نقص است. و شاید مراد از تمام، متمّم و مکمّل باشد، زیرا با آمدن آن حضرت خلافت و ریاست الهی در زمین تمام می شود. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۵)

تمنیحا

«تمنیحا» نام یکی از یاران اصحاب کهف است که طبق روایات، هنگام خروج حضرت قائم (عج) جزو یاران آن حضرت خواهد بود. («نجم الثاقب»، باب سوّم، ص ۱۵۸)

ک بکمینابو

توقیع

«توقیع» در لغت یعنی: نشان گذاشتن، امضاء کردن نامه و فرمان، نوشتن عبارتی در ذیل مراسله و کتاب، امضاء، دستخط. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۱، ص ۱۱۶۹)

حضرت قائم (عج) به مناسبتهای گوناگون برای آگاهی نوّاب اربعه (در زمان غیبت صغری) و به ندرت برای افراد مورد اعتمادشان (در زمان غیبت کبری) (به عنوان نمونه، توقیعاتی که حضرت قائم (عج) برای «شیخ مفید» و «علامه حلی» نگاشته اند) مطالبی را در توقیعاتی بیان می فرمودند. یکی از مهمترین توقیعات حضرت قائم (عج) که سندی است برای ردّ هر گونه ادّعی مهدویّت، توقیعی است که برای «علی بن محمد سیمری» مرقوم فرمودند.

وقتی که وفات «علی بن محمد» نزدیک شد و به او گفتند: بعد از خود چه کسی را وصیّ خود می نمایی؟ توقیعی از مهدی موعود (عج) به خطّ مبارکش در جواب آنان خارج شد که مضمون آن، اینگونه بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سیمُری! خدا اجر برادران تو را درباره ی مصیبت تو بزرگ کند! تو تا مدّت شش روز دیگر رحلت خواهی کرد، خود را برای موت آماده نما! کسی را وصیّ خود نکن که جانشین تو گردد! زیرا غیبت کبری شروع شده، ظهوری در کار نخواهد بود تا آن موقعی که خدای توانا بعد از مدّت طولانی و قساوت قلبها و پر شدن زمین از ظلم و ستم اجازه ی ظهور دهد!

بزودی عدّه ای ادّعا می کنند که مرا مشاهده نموده اند، کسی که قبل از خروج سفیانی و صیحه ی آسمانی ادّعا کند که مرا مشاهده کرده، دروغ می گوید و افترا می زند.

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۸)

تولّد قائم (عج)

حضرت مهدی (عج) در شب جمعه، نزدیک اذان صبح روز پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هـ ق در زمان حکومت معتمد عباسی، به هنگام قرآن اکبر، در برج قوس، به طالع ۲۵ درجه از برج سرطان، در شهر سامراً متولّد شد. («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۱۳۷ - «ینایع المودّة»، ص ۴۵۲)

برخی ولادت حضرت حجّت (عج) را سال ۲۵۶ هـ ق ذکر کرده اند. اقوالی که در سال ولادت آن حضرت ذکر شده، در این بیت آمده است:

مولد نور حق امام زمان (عج) «نور» یا «نهر»، سال آن میدان

(بر اساس «حروف ابجد»، کلمات «نور» و «نهر» به ترتیب بیانگر اعداد ۲۵۶ و ۲۵۵ هستند)

تولّد آن حضرت را جز عدّه ای خاص نمی دانستند و برای نوع دوم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمّه ی امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: «روز پنجشنبه، شب نیمه ی شعبان، به منزل برادرم رفتم. هنگام مراجعت، امام عسکری علیه السلام فرمود: «عمّه جان! امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی متولد می شود که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند». بالاخره ماندم. صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون پدید آمد، او را در بر گرفتم، امام علیه السلام فرمود: سوره ی قدر را بخوان، مشغول خواندن سوره ی قدر شدم، شنیدم که آن کودک در شکم مادر، در خواندن سوره با من همراهی می کند. در این موقع پرده ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم و نزد امام علیه السلام آمدم.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: برگرد، برگرد، برگشتم. در نرجس نوری را مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان (عج) را دیدم، رو به قبله به سجده افتاده، سپس دستش را بلند کرده و می گفت:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ أَبِي امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ»

بعد یکایک امامان را شمرد تا به خودش رسید و فرمود:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدَتِي وَ اَتِّمِّمْ لِي أَمْرِي وَ تَبِّتْ وَ طَاطَيْ وَ اَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا»

: (خداوندا وعده ی نصرت که به من فرموده ای وفا کن و امر خلافت و امامت مرا تمام کن و استیلاء و انتقام را از دشمنان ثابت گردان و زمین را به سبب من از عدل و داد پر کن)

او را نزد پدر بردم، همینکه نظرش بر پدر افتاد سلام کرد. حضرت او را به دست گرفت، و زبان مبارک بر دو دیده اش مالید و در دهان و هر دو گوشش زبان گردانید و او را بر کف دست چپ نشانید و دست چپ نشانید و دست بر سرش کشید و فرمود: ای فرزند! به قدرت الهی سخن بگو.

صاحب الامر (عج) استعاذه کرد و فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (قصص/۶۵)

: اراده ی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم، حکومتشان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم.

امام قائم (عج) هنگامی که متولد شد، پاک بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته بود:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱)

: (و بگو حق آمده و باطل نابود شد، حتماً باطل نابود شدنی است.)

ث

ثائر

«ثائر» از القاب امام قائم (عج) است. «ثائر» اسم فاعل از «ثار» است. «ثار» در لغت به معنای خون، کینه کشی، انتقام و خونخواهی است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۱، ص ۱۱۸۵)

نامگذاری امام عصر (عج) به ثائر به خاطر همین قیام برای کینه خواهی است که تا قصاص ننماید آرام نگیرد. حضرت مهدی (عج) روزی که ظهور کند، مطالبه ی خون جدّ بزرگوار خود، بلکه خون جمیع اصفیاء را خواهد کرد. در دعای ندبه، در اوصاف حضرت منتظر (عج) آمده است:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بَكْرَبَاءِ»

رسل را چو ابناء محزونشان کجا هست آن طالب خونشان

بخون شهید طف کربلا کجا هست آن طالب مه لقا

همچنین در زیارت عاشورا، این آرزو آمده است:

«وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي (ثَارِكُمْ) مَعَ إِمَامٍ هُدَىٰ ظَاهِرٍ ... وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ»

شعار یاران حضرت ولی عصر (عج) هم، «یا لآثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» خواهد بود. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۵)

ک یا لآثَارَاتِ الْحُسَيْنِ

ثقیف

«ثقیف» نام مسجدی است. امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«وقتی که قائم قیام کرد، به کوفه می رود و چهار مسجد را در آنجا ویران می نماید. هر مسجدی که در زمین مشرف (بر خانه های مردم) باشد، ویران می کند و راهها را وسیع می نماید».

گویا منظور چهار مسجدی است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام هر یک از آنها را برای تشویق به نام یکی از دشمنان یا شرکت کنندگان در خون امام حسین علیه السلام ساختند. آنها عبارتند از:

۱- مسجد ثقیف (به نام مغیره بن شعبه ی ثقفی)

۲- مسجد اشعث (به نام اشعث بن قیس، سر کرده ی منافقین)

۳- مسجد جُریر (به نام جریر بن عبدالله، مخالف امام علی علیه السلام)

۴- مسجد سَمّاک (به نام سَمّاک بن مخزومه اسدی، از فرمانروایان جنگ صفین) «تَهذیب»، ج ۲، ص ۲۵۰

جابر

در کتاب هدایه، «جابر»، از القاب حضرت مهدی (عج) ذکر شده است. «جابر» در لغت یعنی: «درست کننده» و «شکسته بند».

این لقب از خصایص آن حضرت است که فرج اعظم و گشایش همه ی کارها و جبر همه ی دل‌های شکسته و خرسندی همه ی قلوب پژمرده و انبساط خاطر همه ی نفوس محزون و شفای همه ی امراض مزمن مخفی، به وجود مبارک او است. («نجم الثاقب»، باب دوم،

ص ۶۷)

جابلسا

«جابلسا» شهری در غربی ترین نقطه ی دنیا و «جابلقا» شهری در شرقی ترین نقطه ی دنیا معرفی شده است.

سهروردی در «حکمة الاشراف» آنها را در اقلیم هشتم جای داده و شهرزوری در شرح آن، «جابلسا» را مظهر و مجلای جمیع حقایق اسماء الهیّه دانسته است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۴۱۶)

گفته اند اهل آن شهرها از انصار حضرت قائم (عج) هستند. پیوسته از خداوند مسألت می کنند که ایشان را از انصار دین خود قرار دهد.

حتی در زمان ائمه ی اطهار علیهم السلام دیگر هم نام این دو شهر بوده است. از جمله کلماتی که حضرت سید الشهداء روز عاشورا در میدان جنگ فرمود، این بود:

«والله ما بین جابلسا و جابلقا، غیر از من پس پیغمبری نیست». («منتخب التواریخ»، باب ۱۴، انتهای فصل ۴)

جابلقا B جابلسا

جارودیّه

«جارودیّه»، شعبه ای از فرقه ی «زیدیّه هستند. آنان در پیرامون امام آینده، حضرت مهدی (عج)، به چند دسته تقسیم می شوند:

۱- گروهی از آنان معتقدند که کسی برای آینده به امامت نامزد نشده است و هر کس از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام به شمشیر قیام کند و مردم را به دین اسلام تبلیغ کند، وی امام خواهد بود.

۲- گروهی عقیده دارند که «محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابیطالب» معروف به «نفس زکیّه» (که به روزگار منصور، خلیفه عباسی خروج کرد و در سال ۱۴۵ هـ. ق در سن ۳۵ سالگی کشته شد)، زنده است و بر زمین سلطنت می کند و مهدی (عج) آینده خواهد بود.

۳- عده ای از آنان منتظر آمدن «محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن حسین بن علی علیه السلام»، فرمانروای طالقان (که در روزگار معتصم، خلیفه ی عباسی در طالقان خراسان خروج کرد و کشته شد)، هستند و او را مهدی موعود (عج) می دانند.

۴- گروهی دیگر چشم به راه «ابوالحسن، یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین علیه السلام»، (که یکبار در زمان حکومت متوکل، خلیفه ی عباسی، و بار دیگر در زمان مستعین بالله، دیگر خلیفه ی عباسی، خروج کرد و این بار توسط «محمد بن عبدالله بن طاهر» کشته شد) هستند و معتقدند که وی در کوفه نمرده و کشته نشده است». («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۲۹۸ و

«جامعه»، نام کتابی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، آنچه تا روز قیامت پدید می آید را در آن ذکر کرده است.

شیخ بهایی در «شرح اربعین» فرموده: «اخبار بسیاری رسیده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو کتاب به املاء امیرالمؤمنین علیه السلام به نام «جَفْر» و «جامعه» باقی گذارده که آنچه تا روز قیامت پدید آید در آن است».

شیخ کلینی در «کافی» روایات بسیاری از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که آن دو کتاب نزد امام زمان (عج) است. آن دو کتاب پیوسته در نزد ائمه بوده و هر امامی آن را از امام پیش از خود به ارث می برده است. («مهدی موعود»، پاورقی ص ۴۸۵)

جبریل

«جبریل» یکی از چهار فرشته ی مقرب اسلام و حامل وحی الهی برای انبیاست. جبریل یک کلمه ی عربی به معنی «مرد خدا» است.

پس از اینکه امام قائم (عج) متولد شد، امام حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت را به جبریل (روح القدس) که به صورت مرغی (پرنده ای) ظاهر شده بود، داد تا از او مواظبت کند و هر چهل روز یکبار به نزد آنها بیاورد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۱)

همچنین در روایات اسلامی است که به هنگام ظهور مهدی موعود (عج) جبریل در پیشاپیش سپاه آن حضرت حرکت خواهد کرد. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۷۱۰)

جُریر B ثقیف

جزایر مبارکه B اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

در کتاب «الغیبه» شیخ نعمانی، دو خبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است که در آنجا «جعفر» از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۶)

جعفر بن احمد

«جعفر بن احمد بن متیل»، از مؤمنین معتمد و از دوستان نزدیک «محمد بن عثمان» (سومین نایب خاصّ امام زمان (عج)) بود. برخی گمان می کردند که «محمد بن عثمان» امر وکالت و سفارت امام قائم (عج) را بعد از خود، به او خواهد داد.

چون هنگام درگذشت «محمد بن عثمان» فرا رسید، «جعفر بن احمد» در بالای سر او و «حسین بن روح» در پایین نشسته بودند. «محمد بن عثمان» در آن حال، به «جعفر بن احمد» رو کرد و گفت:

«من مأمور شدم که حسین بن روح رو وصی گردانم و امور را به او واگذارم».

چون «جعفر بن احمد»، این سخن را شنید، از جای خود برخاست، و دست «حسین بن روح» را گرفت، و او را در بالای سر «محمد بن عثمان» نشانید، و خود در پایین پای او نشست. («خورشید مغرب»، ص ۴۶)

جعفر کذاب

حضرت امام هادی علیه السلام، دارای پنج فرزند به نامهای حسین، محمد، علیّه و امام حسن عسکری علیه السلام بود. در میان این فرزندان، چون جعفر بسیار ناخلف بود، به او لقب کذاب (دروغگو) دادند.

امام هادی علیه السلام درباره ی او فرمود: «از فرزندم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح علیه السلام است».

امام عسکری علیه السلام هم درباره ی جعفر فرمود: «مَثَلُ مَنْ وَ جَعْفَرٍ مِثْلُ هَابِيلَ وَ قَابِيلَ، دُو فِرْزَنَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتِ اِگَرِ كِشْتَنَ مَنْ بَرَاىِ جَعْفَرٍ مُمْكِنٌ بُوَدُ، مَرَا مِى كِشْتِ، اَمَّا خَدَاوَنَدِ جَلُو اُو رَا گَرَفْتِ».

جعفر از افرادی بود که ادّعی امامت داشت و پس از رحلت پدر می گفت: «امام مردم من هستم نه برادرم». (امام حسن عسکری علیه السلام)

کارشکنی های او در عصر امامت برادرش به جایی نرسید. امّا پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادّعی امامت کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم. ولیکن در جریان نماز خواندن بر بدن پاک امام حسن عسکری علیه السلام که حضرت قائم (عج) ظاهر شده و او را کنار زد و خود ایشان نماز را اداء کردند، بار دیگر ادّعی جاهلانّه او آشکار شد. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۹)

جَعْفَرُ B جامعه

جُمعه

شخصی درباره ی این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم که می فرماید:

«لَا تُعَادُوا الْاَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ»

: با روزها دشمنی نکنید که آنها با شما دشمنی خواهند کرد»

از امام علی النقی علیه السلام توضیح خواست. امام علیه السلام در جواب فرمودند:

«مراد از اَيَّام و روزها، ما (اهلبیت علیهم السلام) هستیم تا زمانیکه آسمانها و زمین بر پاست.

شنبه اسم رسول خداست صلی الله علیه و آله و سلم، یکشنبه امیرالمؤمنین علیه السلام، دوشنبه حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، سه شنبه علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام، چهارشنبه موسی بن جعفر علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و منم و پنجشنبه فرزندان حسن علیه السلام و جمعه فرزندان حضرت مهدی (عج) است، که اهل حق به سوی او جمع می شوند. این است معنی ایام، پس با ایشان در دنیا دشمنی نکنید که با شما در آخرت دشمنی نکنند». («مفاتیح الجنان»، باب اول، ابتدای فصل ۵ (با اندکی تلخیص))

زیارت صاحب الزمان (عج) در روز جمعه، در باب اول کتاب مفاتیح الجنان ذکر شده است.

ب اوقات مخصوص قائم (عج)

جَنب

«جَنب» از القاب امام قائم (عج) است. در اخبار متواتره و در تفسیر آیه ی شریفه ی

«يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ (زمر/۵۶)

: افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم»

رسیده که امام قائم (عج) «جَنبِ اللَّهِ» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۷)

جَوَارِ الْكُنَسِ

«جَوَارِ الْكُنَسِ»، از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است. «جَوَارِ الْكُنَسِ» یعنی ستاره های سیاره که در زیر شعاع آفتاب پنهان

می شوند. همانگونه که وحوش به خوابگاههای خود می روند و در آنجا پنهان می شوند. امام باقر علیه السلام در تفسیر دو آیه ی شریفه

ی:

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ * الْجَوَارِ الْكُنَسِ (تکویر/ ۱۵ و ۱۶)

: سوگند به ستارگانی که باز می گردند، حرکت می کنند و از دیده ها پنهان می شوند»

فرمود: «مراد از آن امامی است که در سال ۲۶۰ هـ. ق غایب می شود و آنگاه زمانی مانند شهاب درخشان در شب تاریک ظاهر شود».

(«نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۷)

حارث بن حراث

«حارث بن حراث» از قیام کنندگان قبل از قیام حضرت قائم (عج) است. امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: رسول اکرم صلی

الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«مردی از ماوراء النّهر قیام خواهد کرد که به او «حارث بن حراث» گفته می شود، فرمانده سپاه و پیشرو لشکریان او مردی است که به

وی «منصور» می گویند. و حکومت و سلطنت را برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلّم آماده و مهیا می کند و یا قدرت و سلطه ای

برای ایشان فراهم می سازد هم چنانکه قریش برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم زمینه ی حکومت او را فراهم نمودند. بر هر

فرد مسلمان مؤمن واجب است وی را یاری دهد». («عقد الدرر»، ص ۱۳۰)

حاشر

«حاشر» یکی از نامهای حضرت صاحب الزّمان (عج) در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام است.

حامد

از القاب حضرت قائم (عج)، «حامد» است.

حبه

در لغت نامه ی دهخدا درباره ی «حبه» آمده که: ناحیه ای در راه موصل به بغداد است. در «اختصاص» شیخ مفید، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

«هر گاه قائم (عج) خروج کند، به حبه ی کوفه می آید. پس به پای مبارک خود اشاره می کند و آن جناب به دست خود اشاره به موضعی می کند و آنگاه می فرماید: «این جا را حَفْرُ کنید».

پس حفر می کنند و دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار خُود که برای هر خود دورو است، بیرون می آورند. آنگاه دوازده هزار نفر از موالیان و عجم را می طلبد و آنها را بر ایشان می پوشاند.

آنگاه می فرماید: «هر کس بر او مثل آنچه بر شماست، نباشد او را بکشید». («نجم الثاقب»، ص ۱۸۲)

حجاب

در کتاب هدایه، «حجاب» از القاب حضرت شمرده شده و در زیارت حضرت قائم (عج) نیز هست که:

«السَّلَامُ عَلَى حِجَابِ اللَّهِ الْأَزَلِيِّ الْقَدِيمِ».

حُجَّة

«حُجَّة» لقب امام زمان (عج) است. شخصی از امام علی النقی علیه السلام پرسید که آن حضرت را چگونه ذکر کنیم؟ فرمود: «بگوئید حُجَّة از آل محمد علیهم السلام».

این از القاب شایع آن حضرت است که در بسیاری از ادعیّه و اخبار به همین لقب مذکور شده اند و بیشتر محدّثین آن را ذکر فرموده اند و با آنکه در این لقب سایر ائمّه علیه السلام هم شریکند و همه حجّتهای خداوند بر مردم از طرف خداوند اما چنان این لقب به حضرت مهدی (عج) اختصاص دارد که در اخبار هر جا، بی قرینه و شاهدهی ذکر شود، مراد آن حضرت است.

برخی گفته اند لقب آن حضرت «حجّه الله» است به معنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلائق. و هر دو این ها به واسطه ی آن حضرت به ظهور خواهد رسید و نقش خاتم حضرت قائم (عج) نیز «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» است و به روایتی

«أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَالِصَتِهِ».

و با همین مَهر بر روی زمین حکومت خواهد کرد. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۸)

حُجَّةُ الْغَايِبِ

«حُجَّةُ الْغَايِبِ»، (پیشوای پنهان و مخفی) لقب حضرت ولی عصر (عج) است. («مصلح آخرالزمان»، ص ۹۶)

حُجَّةُ الْقَائِمِ

«حُجَّةُ الْقَائِمِ» لقب امام زمان (عج) است.

حُجَّةُ اللَّهِ كِ حُجَّةً، اسماعیل نوبختی

حجّ کردن و حجّه دادن

یکی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر (عج) حجّ کردن و حجّه دادن به نیابت از آن حضرت است. چنانچه در قدیم میان شیعیان مرسوم بود و آن حضرت نیز تقریر فرمودند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۵)

حِرْزِ قَائِمِ (عج)

«حِرْز» در لغت یعنی: دعایی که بر کاغذی نویسند و با خود دارند، چشم آویز و تعویذ.

حِرْزِ امامِ زمان، حضرت قائم (عج) این است:

«يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَ يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ. سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نُسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْإِجْمَعِينَ»

: ای صاحب اختیار، و ای گریزاننده ی احزاب و ای گشاینده ی درها، ای سبب ساز، برای ما سببی که نتوانیم آن را بجوییم، فراهم کن به حقّ خدایی که جز او نیست و پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله و سلم. («مفاتیح الجنان»، باقیات الصالحات، باب ۵)

حروف حی ک باب

حساب جاری ۳۱۳

مسجد مقدّس جمکران در رابطه با اجرای طرح جامع مسجد و تأمین نیازمندیهای نمازگزارانی که از راههای دور و نزدیک به این مکان مقدّس می آیند، به نیّت تعداد یاران خاص امام قائم (عج) حساب جاری ۳۱۳ بانک ملت شعبه مسجد مقدّس جمکران را افتتاح نموده که باید رسید آن را به آدرس «قم: صندوق پستی ۱۶۱ - مسجد مقدّس جمکران» ارسال نمود.

حسن بطایینی

«حسن بن علی بن حمزه بطائنی» که در عصر امام رضا علیه السلام می زیست، از جمله کسانی بوده که کتابی در پیرامون غیبت نوشته است. («قاموس الرجال»، ج ۳، ص ۱۹۳)

حسن بن محبوب

یکی از محدثین موثق شیعه «حسن بن محبوب زراد» است که کتاب «مشیخه» را که در میان اصول شیعه مشهورتر از بسیاری کتب دیگر است، صد سال پیش از زمان غیبت امام زمان (عج) تصنیف کرده است. «حسن بن محبوب» قسمتی از اخبار غیبت حضرت قائم (عج) را در آن کتاب ذکر کرده و بدون تفاوت همان طور که خبر داده نیز واقع شده است. («مهدی موعود»، ص ۶۹۴)

حسین بن روح

«ابوالقاسم، حسین بن ابی بحر» را مورخان و محدثان گاهی «نوبختی» زمانی «روحی»، گاهی «حسین بن روح بن بنی نوبخت» و بعضاً «قمی» نوشته اند.

روایات چندی وجود دارد که «نوبختی» اهل قم بوده است، گویند در گفتگوی فارسی به لهجه ی اهالی آبه (از حومه قم) سلیس و روان بود. («آخرین امید»، ص ۹۹)

وی سومین نائب خاص حضرت قائم (عج)، (از نواب اربعه) در دوران غیبت صغری بود. او از شیوخ مورد اعتماد «محمد بن عثمان» (دومین نائب خاص) بود. زمانی محمد بن عثمان، بزرگان و مشایخ شیعه را گرد آورد و گفت:

«هر گاه برای من حادثه ای پیش آید و مرگم فرا رسد وکالت (و نیابت از امام دوازدهم) با «ابوالقاسم بن روح» خواهد بود. من مأمور شدم که او را به جای خود معرفی کنم.»

حسین بن روح در هجدهم ماه شعبان سال ۳۲۶ هـ. ق در گذشت. قبر شریفش در بغداد در وسط بازار عطاران، در انتهای کوچه ای است که در آنجا بقعه و صحن مختصری بنا کرده اند.

حسینعلی نوری ک بهاء الله

حضرت شئونیه ک غیبت شائیه

حق

«حق» لقب امام عصر (عج) است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه ی:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱)

: و بگو حق آمد و باطل نابود شد، یقیناً باطل نابود شدنی است»

فرمود: چون قائم (عج) خروج کند دولت باطل برود».

در زیارت آن حضرت نیز آمده که:

«السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۹)

حکیمه

«حکیمه» دختر امام محمد تقی علیه السلام و عمّه ی امام حسن عسکری علیه السلام است. قبر شریفش پایین پا، چسبیده به ضریح

عسکریین علیهم السلام است.

حکیمه هنگام تولد حضرت قائم (عج) در خانه ی امام حسن عسکری علیه السلام بود و در وضع حمل نرجس خاتون او را یاری داد و در حقیقت جزء نخستین کسانی بود که دادگستر جهان را ملاقات کرد.

ک تولد قائم (عج)

حلاج

یکی از مدعیان نیابت و وکالت، «حسین بن منصور حلاج بیضایی» صوفی معروف است. وی در آغاز، خود را رسول امام غائب و وکیل و باب آن حضرت معرفی می کرد، به همین سبب علمای علم رجال شیعه او را از مدعیان بایبیت شمرده اند («آخرین امید»، ص ۱۴۴) او در ابتدا مردم را به سوی مهدی (عج) دعوت می کرد و چنان به مردم القاء می نمود که از طالقان (خراسان) ظهور خواهد کرد، و ظهور وی نزدیک است. (ترجمه «آثارالباقیه»، ص ۲۷۵)

سپس دعوی حلول و اتحاد نمود و گفت: روح القدس در من حلول کرده و خود را به نام خدا معرفی می کرد و می گفت: من خدای شما هستم و در نامه هایی که به اصحاب خود می نوشت، تصریح به خدایی می کرد!

او در کتابهای خود نیز ادعای خدایی می کرد، و با خدا و قرآن و پیامبران معارضه می نمود، گویند او پیروان خود را از ذکر نام خدا باز می داشت و می گفت:

«گفتن لا اله الا الله

ممنوع است و فریاد معروف او

«أنا الحقّ

: من حق هستم»

بود. («مذهب حلاج»، ص ۱۱۸)

مرحوم طبرسی روایت کرده که از طرف صاحب الامر (عج) به دست جناب «حسین بن روح» که از جمله ی سفرای آن حضرت بود، ظاهر شد برای لعن جماعتی که یکی از آنان «حسین بن منصور حلاج» بود. («الاحتجاج»، ج ۲، ص ۲۸۹)

بالاخره او را در عهد وزارت «علی بن عیسی» به بغداد آوردند و مدت ۸ سال در زندان ماند تا این که در ۲۴ ذی القعدة سال ۳۰۹ هـ ق پس از هفت ماه محاکمه به فتوای قضاوت و ائمه دین و امر «مقتدر» خلیفه ی عباسی و وزیر او «حامد بن العباس» به دار آویخته شد و سپس جسد او را سوزانیدند و سرش را بر چوبی بالای جسر (پُل) بغداد زدند. («خاندان نوبختی»، ص ۱۱۴)

حمد

«حمد» لقب امام زمان، مهدی موعود (عج) است.

خاتم الائمه

«خاتم الائمه» در کتاب «جنات الخلود» از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است.

خاتم الاوصیاء

از اسماء و القاب شایع حضرت قائم (عج)، «خاتم الاوصیاء» است. آن حضرت خود را به همین لقب به مردم می شناساند.

ک ابونصر ظریف

خازن

«خازن» در لغت یعنی: «خزانه دار» و «نگهبان گنج». «خازن» در کتاب «هدایه»، از القاب حضرت ولی عصر (عج) شمرده شده است.

ختم وصایت

در پشت حضرت مهدی (عج) علامتی مانند علامت پشت مبارک حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که آن را «ختم نبوت» گویند، و شاید در آن حضرت اشاره به «ختم وصایت» باشد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۱۱)

خجسته

«خجسته»، لقب امام زمان (عج) است. این لقب در کتاب «کندرآل» فرنگیان نوشته شده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۰)

خداشناس

«خداشناس» از نامهای حضرت مهدی (عج) است که همراه با نام «ایستاده» در کتاب شاکمونی هندوان ذکر شده است. (همان مدرک)

خرابات

«خرابات» یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) است. «خرابات»، عبارت از جزیره هایی در مغرب از بحر محیط (اقیانوس اطلس)، است که «جزیره ی خضراء» یکی از آنهاست.

«میرزا محمد استر آبادی» در ضمن نقل داستان تشرّف خود به نزد امام قائم (عج) می گوید:

«در حین ملاقات یک بوته ی گل سرخ که موسم آن نبود به من عنایت فرمودند. من آن را بوئیدم و بوسیدم و عرض نمودم: سید من!

مولای من! این گل از کجاست؟!»

فرمودند: «از خرابات است:». و آنگاه از نظرم ناپدید شدند. («ریحانۃ الادب»، ج ۳، ص ۳۶۴)

خراسانی

یکی از نشانه های ظهور امام قائم (عج) خروج «خراسانی» است.

در حدیثی امام صادق عیه السلام به ابوبصیر فرمود: «ای ابو محمد به درستی که پیش از این امر (ظهور حضرت مهدی (عج)) پنج علامت خواهد بود: نخستین آنها نداء در ماه رمضان است و خروج سفیانی و خروج خراسانی و کشتن نفس زکیه و فرو رفتن در بیداء». («الغیبه» نغمانی، ص ۱۵۶)

از بررسی احادیث مهدویّت معلوم می شود که سپاه جناب «سید خراسانی» برای ظهور حضرت بقیه الله زمینه را فراهم می کنند. («طاووس بهشتیان»، ج ۴، ص ۱۷۷)

خرق عادت

قضیه ی حضرت مهدی (عج)، یک قضیه ی خرق عادت (خرق عادت یعنی «کاری غیر از جریان عادی آن صورت پذیرد») است و ما در این جهان، قضایای خارق عادت فراوان داریم. ما نباید قضیه ی مهدی موعود (عج) را یک جریان طبیعی بدانیم، تا در توجیه و تفسیر آن بکوشیم. قرآن شریف قضایای خارق عادت بسیاری نقل می کند.

قرآن کریم، قضیه ی حضرت عیسی علیه السلام را نقل می کند که او در گهواره با مردم سخن می گفت. (مریم/۳۰)

داستان حضرت یونس علیه السلام را نقل می کند می فرماید: «اگر از تنزیه کنندگان نبود، حتماً تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند».

(صافات/۱۴۳ و ۱۴۴)

جریان اصحاب فیل را نقل کرده که «پرستوها» اصحاب فیل را مثل کاه جویده نمودند. (فیل/۵)

اینها همه برای این است که اگر به قضیه ی مهدی رسیدیم و گفتند که: «او حین تولد، قرآن خواند و خبر از حکومت داد و اینکه او در طفولیت امام بود»، حاشا نکنیم و خاطره ی حضرت عیسی علیه السلام در ذهنمان زنده شود.

از طول عمر حضرت بقیه الله هم متعجب نباشیم، آن خدایی که می تواند حضرت یونس علیه السلام را تا روز قیامت در شکم ماهی نگاه دارد، می تواند ولی خود را در قشر عصمت در این جهان باقی بدارد. و نیز با در نظر داشتن قضیه ی اصحاب فیل بدانیم که حضرت حجت به واسطه ی امدادهای غیبی می تواند به آسانی بر این جهان مسلط شود. («زندگانی چهارده معصوم (ع)»، ص ۱۷۳)

خسرو

«خسرو»، یعنی «سلطانی عظیم الشان» و لقب امام زمان (عج) می باشد که در کتاب جاویدان «خسرو مجوس» ذکر شده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۰)

«خسرو» ملک عدالت صاحب عصر و زمان...آنکه می باشد ز آل پاک یاسین می رسد.

خَسْف

از علائم قیام حضرت مهدی (عج) واقع شدن «خَسْف» است. در حدیث آمده:

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَسْفٌ وَقَذْفٌ وَمَسْخٌ»

: در آخر الزمان خَسْف، قَذْف و مَسْخ واقع خواهد شد.

«خَسْف»: فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیله ی زلزله، سیل، طوفان، موشک، بمباران و بالا آمدن آب دریا و جز آنها گویند.

«قَذْف»: پرتاب چیزی از مکانی به مکان دیگر، (بمباران، سنگباران، موشک‌های زمین به زمین و امثال آنهاست).

«مَسْخُ»: دگرگونی سیرت و صورت چیزی به شکلی جز آنچه هست (مبدل شدن انسان دو پا به حیوان وحشی چهارپا) مثل میمون،

خوک و ...

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همین رابطه می فرماید:

«در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه ای روی نداده است جز اینکه در میان امت من نظیر آن روی خواهد داد، حَتَّى خَسَفَ و قَذْفُ و مَسْخُ».

(«بحارالانوار»، ج ۵۳، ص ۱۳۱ - «طاووس بهشتیان»، ج ۴، ص ۱۶۹)

خسوف ماه ک کسوف آفتاب

خضراء

درباره ی موقعیت «خضراء» اینگونه نوشته اند:

«خضراء، جزیره ای است بزرگ در بلاد زنگ و آن را جزیره ی خضراء نیز گویند.

نام شهری است در اندلس در مغرب اسپانیا که به آب محاط نیست و آن را جزیره ی خضراء نیز می گویند».

«جزیره ی خضراء» را یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) عنوان کرده اند.

یکی از محققین معتقد است:

«برخی از نویسندگان بی توجه به صحت ادله و بدون تحقیق و تفحص لازم و دقت پیرامون مسأله ی خاصّ باعث پخش مجهولاتی چون «جزیره ی خضراء» در جامعه گردیدند و محلّ زندگی امام را تلویحاً با «مثلث برمودا» ی واقع شده در ۲۰۰ کیلومتری کالیفرنیا یکی از ایالات کشور آمریکا تطبیق دادند (در جستجوی قائم (عج)، ص ۱۰)». (والله العالم)

ک مثلث برمودا

خضریه ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

خَلْفِ صَالِح

امام قائم (عج) مکرراً به لقب «خَلْفِ صَالِح» در زبان ائمه علیهم السلام ذکر شده است.

منظور از «خَلْفِ صَالِح»، «جانشین شایسته» است. آن حضرت خَلْفِ همه ی انبیاء و اوصیاء گذشته است و جمیع علوم و صفات و حالات و خصایص آنها و موارث الهیه ای که از آنها به یکدیگر می رسد را، داراست و همه ی آنها در آن حضرت و در نزد او جمع است.

خليفة الاتقياء

«خليفة الاتقياء» (جانشین پرهیزکاران)، لقب حضرت مهدی (عج) است.

ک بقیة الانبياء

خليفة الله

یکی از القاب حضرت قائم (عج)، «خليفة الله» است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«مهدی (عج) درحالی خروج می کند که بر سر او ابریست و در آن منادی است که ندا می کند:

این مهدی خلیفه الله است او را پیروی کنید». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۷۳)

خلیل

«خلیل»، (دوست)، لقب مهدی موعود (عج) است.

خَمَطٌ

یکی از نامهای «نرجس خاتون» مادر گرامی حضرت ولی عصر (عج)، «خَمَطٌ» است. («وفیات الاعیان»، ج ۳، ص ۳۱۶)

«خَمَطٌ»، نام درختی است که میوه ی خوردنی دارد، و به هر چیز تازه و خوشبو و به دریای خروشان گفته می شود («لسان العرب»، ج ۴، ص ۲۲۰). و همه ی این تعبیرات با آن بانوی بی همتا تناسب دارد.

خُنَسٌ

«خُنَسٌ» آن ستاره های سیر کننده است که برای آنها محلّ سیری است. مانند: زُحَل، مریخ، زهره، عطارد و برای خورشید و ماه مسیری برای سیر وجود ندارد.

«امّ هانی» از امام باقر علیه السلام درباره ی آیه ی

«فَإِلَّا أَقْسِمُ بِالْخُنَسِ» (تکویر/۱۵)

: سوگند به ستارگانی که باز می گردند»

پرسید. حضرت علیه السلام فرمود: «آن امامی است که در زمان خود پنهان می شود». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۷۲)

ک جوارالکنس

خورشید ابر آلود

در برخی روایات از امام قائم (عج) در دوران غیبت تعبیر به خورشیدی شده است که در پس ابرها قرار دارد.

مثال خورشید ابرآلود که برای امام غایب آورده اند، به درستی صدق می کند: خورشید، چه آشکار باشد و چه در پس ابر، خورشید است، و همه ی آثار وجود و فعلیتهای تأثیری او بر قرار است. نهایت هنگامی که در پس ابر است، پرتو طلایی رنگ او، به چشمها نمی رسد، اما دیگر اثرها و تأثیرهای او در جریان و مستدام است.

دَابَّةُ الارض

«دَابَّةُ الارض»، لقب امام قائم علیه السلام است. در اخبار بسیاری این لقب برای حضرت علی علیه السلام نیز عنوان شده است. («نجم

الثاقب»، باب دوّم، ص ۷۳)

داعی

«داعی» یعنی «دعوت کننده». «داعی» لقب حضرت مهدی (عج) عنوان شده و در زیارت مأثوره آن حضرت است که:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ»

آن حضرت از جانب خداوند داعی است که بندگان خدا را به سوی خدا دعوت کند و این دعوت را تا آنجا برساند که در دنیا جز دین جدّ بزرگوار خود - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم - دینی باقی نگذارد. (همان مدرک)

دَجّال

در آستانه ی ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه های بسیاری بروز می کند که یکی از آنها، خروج «دَجّال» است. («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۳۹۷)

اصل دَجّال را از اصفهان («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۹۴) یا بجستان («منتخب الاثر»، ص ۴۲۵) و یا خراسان («الملاحم و الفتن»، ص ۱۲۶) نشان داده اند. او یک طاغوت حيله گر مانند سفیانی است.

در روایات آمده که آن ملعون ادّعی الوهیت کرده و به وجود نحس او خونریزی و فتنه در عالم واقع می شود. از اخبار چنین بر می آید که یک چشم او مالیده و ممسوح است و چشم چپ او در میان پیشانی اش واقع شده و مانند ستاره می درخشد و تکه ی خونی در میان چشم او واقع است. بسیار بزرگ و تنومند و دارای شکل عجیب و غریب و بسیار ماهر در سحر است. در پیش او کوه سیاهی قرار دارد که به نظر مردم می آید، کوه نان است و در پشت سرش کوه سفیدی که از سحر به نظر مردم آبهای صاف جاری می آید. او فریاد می کند:

«أولیایی أنا ربُّکمُ الأعلى»

: بندگانم من پروردگار بزرگ و والای شما هستم». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

برای دَجّال خری قرمز رنگ است که طول آن ۶۰ قدم و به اندازه ی دید چشم است و چشم راستش کور است («عقد الدرر»، ص ۲۷۴). از هر موی خر دَجّال، نغمه ای به گوش می رسد و آن نعمات باعث جذب شدن مردم سست و ناپرهیزکار به اوست. («آخرین امید»، ص ۳۲۳)

«دَجّال» از همه جا می گذرد و فقط در مکه و مدینه و بیت المقدّس قدم نمی گذارد. («الزام الناصب»، ص ۷۴)

بیشتر پیروان او افراد یهودی زنازاده عربهای بیابانی هستند که تاج بر سر دارند. («عقد الدرر»، ص ۲۷۴)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی دجال فرمود: «هر مؤمنی که دجال را ببیند آب دهان خود را به روی او بیندازد و سوره ی مبارکه حمد را بخواند برای اینکه سحر آن ملعون را دفع کند». («منتهی الآمان»، باب ۱۴، فصل ۷)

طبق نقل امام صادق علیه السلام، امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن خطبه ی طولانی فرمود: «حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدس می آیند و در آنجا بین آن حضرت و دجال و ارتش دجال جنگ واقع می شود، دجال و ارتش او مفتضحانه شکست می خورند، به طوریکه از اوّل تا آخر آنها به هلاکت می رسند و دنیا آباد می شود». («اثبأ الهداة»، ج ۷، ص ۱۷۶) بالاخره آن ملعون به دست مبارک حجّت علیه السلام با به دست عیسی بن مریم علیه السلام کشته می شود. طبق روایتی، آن حضرت دجال را در کُناسه ی کوفه به دار می زند. و بر روایتی دیگر در فلسطین در کنار دروازه ی «لد» نزدیک بیت المقدس کشته می شود. («خورشید مغرب»، ص ۷۴)

و در جای دیگر ذکر کرده اند که در عقبه ی افیق شام به درک واصل خواهد شد. («نجم الثاقب»، ص ۱۸۹)

خروج دجال در روایات اهل تسنن و در تورات و انجیل نیز آمده است. برخی از نویسندگان اسلامی با توجه به ریشه ی لغت «دجال» آن را منحصر به یک فرد مخصوص نمی دانند بلکه آن را عنوانی کلی برای افراد پرتزویر و حيله گر که برای فریب مردم از هر وسیله ای استفاده می کنند، می دانند. («آخرین امید»، ص ۳۲۴)

درخت بغوطه

در روایات اسلامی آمده که «درخت بغوطه» درخت بلند و پر شاخه ای در دمشق است.

سفیانی که بر علیه امام زمان (عج) خروج کرده است، در زیر آن به هلاکت می رسد. گفته اند در آن هنگام این درخت در «حیره» خواهد بود.

«دریاچه ی طبریّه» در شمال فلسطین واقع شده که شعبه ای از نهر اردن به نام «نهر الشریعه» وارد آن می شود. از قراین پیداست که سابقاً این دریاچه بزرگتر بوده و در آن کشتی های بسیار رفت و آمد می کردند. اما امروزه به استثنای چند قایق ماهیگیری کشتی در آن مشاهده نمی شود. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۰۸۱)

در روایات اسلامی آمده است که حضرت قائم (عج) کتاب زبور را از داخل آن دریاچه بیرون می آورد. («الزام الناصب»، ص ۷۲)

دشت حجاز

از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) در دوران غیبت کبری، دشت حجاز را هم ذکر کرده اند. «ابراهیم بن مهزیار» توسط فرستاده ی حضرت ولی عصر (عج) به پیشگاه آن سرور فرا خوانده می شود، از طائف می گذرد و به «دشت حجاز» که «عوالی» نامیده می شود، هدایت شده در آنجا به دیدار امام قائم (عج) می رسد، در این دیدار آن حضرت به پسر مهزیار می فرماید:

«پدرم با من پیمان بسته است که در مخفی ترین و دورترین سرزمینها مسکن گزینم، تا از تیررس اهل ضلالت در امان باشیم، این پیمان مرا به ریگزارهای عوالی (دشت حجاز از نجد تا تهامه) انداخته است...». («اکمال الدین و...»، ص ۴۴۷)

دعاء افتتاح

یکی از دعاهایی که شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود، دعاء افتتاح است این دعا را حضرت ولی عصر (عج) به «محمد بن عثمان» (دومین نائب خاص) تعلیم داده و او منتشر نموده است.

علامه مجلسی در «زاد المعاد» می گوید: «امام زمان (عج) آن را برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند، فرشتگان می شنوند و برای خواننده ی آن استغفار می کنند».

در این دعای شریف به طور جامع و ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی (عج) که به عنوان «دولت کریمه» خوانده شده، اشاره شده است. (حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۹۳)

دعای امام زمان (عج)

«کفعمی» در «بلد الامین» فرموده: این دعای حضرت صاحب الامر (عج) است که آن را به شخصی که محبوس بود تعلیم فرمود، پس خلاص شد:

«إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ أَنْصِرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ إِلَهِي الطَّاهِرِينَ». («مفاتيح الجنان»، باب اول)

دعای توسل به قائم (عج)

در کتاب ارزشمند «بحار الانوار» دعایی برای توسل به هر یک از ائمه نقل شده، که دعای توسل به امام عصر (عج) این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ أَلَا أَعْنَتِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ امْرِئِي وَ كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَهُ كُلُّ مُؤَدٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ أَعْنَتِي بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي وَ كَفَيْتَنِي كُلُّ عَدُوٍّ وَ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ دَيْنٍ وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي وَ مَنْ يُعِينُنِي أَمْرُهُ وَ خَاصَّتِي آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

همچنین در کتاب «محاسن» از ابوبصیر و او نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر گاه در راهی گم شدی، پس ندا

کن و بگو:

«يا صالح! يا ابا صالح! ارشدنا الى الطريق رحمكم الله».

در حدیثی از امام صادق علیه السلام که به ما رسیده، ایشان چنین می فرمایند: «هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، سپس همانا به درستی که او امام، محمد بن الحسن (عج) را در بیداری یا خواب خواهد دید آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيُّمًا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ حَبْلِهَا عَنِّي وَ عَنِ الْوَالِدِيَّ وَ أَخَوَانِي التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَتِهِ هَذَا الْيَوْمَ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُؤْتَمِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مُقْتَضِيًا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي. اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ أَكْحَلْ بَصْرِي بِنَظَرَةٍ مَنِي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ مَهْلٍ مَخْرَجَهُ.

اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ قُو ظَهْرَهُ وَ طَوَّلْ عُمُرَهُ وَ اعْمُرْ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادِكَ وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادِكَ فَأَنْكَ قُلْتُ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفِسَادَ فِي الْبِرِّ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ، فَظَهَرَ اللَّهُمَّ لَنَاوَلِيِّكَ وَ ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يُظْفَرُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ الْأَمْرُ قَهُ وَ يُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُحَقِّقُهُ.

اللَّهُمَّ اكشَفَ هَذِهِ النِّعْمَةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ أَنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نُرِيَهُ قَرِيبًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ («بحار الانوار»، ج ٤٦، ص

دعاء رجبیه

«دعاء رجبیه» از آداب «مسجد صعصعه» شمرده شده است زیرا که حضرت قائم (عج) در آنجا این دعا را قرائت می فرمودند. و همچنین این دعا از ادعیه ی ماه رجب نیز می باشد. (ر.ک به کتاب «نجم الثاقب»، باب ۷، حکایت ۲۸)

ک مسجد صعصعه

دعاء زمان غیبت و امتحان شیعه

«شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که این دعا را به «زراره» تعلیم فرمود، که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.» (مفاتيح الجنان، «باقیات الصالحات»، باب ۶، مورد ۳۲)

دعاء عبرات

«دعاء عبرات» از ادعیه ای است که از ناحیه ی مقدسه ی حضرت ولی عصر (عج) صادر شده و شرح آن در کتاب «نجم الثاقب» آمده است. («نجم الثاقب»، باب ۷، حکایت ۲۳، ص ۴۶۱)

دعاء عهد

روایت شده که هر کس چهل صبح، دعای عهد (اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...) را بخواند از انصار حضرت ولی عصر (عج) باشد و اگر پیش از آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. («مفاتيح الجنان»، باب سوم)

نکته قابل ذکر اینکه دعاء دیدار با قائم (عج) تا حدودی تلخیص یافته ی دعاء عهد است.

دعاء فرج

مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری در باب هفتم کتاب نجم الثاقب می گوید: «چند دعا معروف به دعای فرج است». و آنها را در کتاب خود ذکر کرده که مبادی آنها اینگونه است:

«یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَ یا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَ ...»

«یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحُ یا ...»

«الهِی طَمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ ...»

«اللَّهُمَّ یا وَدُودُ یا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ...»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا مَنْ عَلَا فَقَهَرُ...»

و در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» هم چندین دعای فرج ذکر شده است. از جمله:

«الهِی عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ...»

ک دعاء امام زمان (عج)

دعاء کمیل

«دعاء کمیل از ادعیّه معروف است و علامّه مجلسی فرموده که آن بهترین دعاهاست.

آن دعای حضرت خضر علیه السلام است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن دعا را به «کمیل بن زیاد نخعی» که از خواصّ حضرت امیر علیه السلام بود تعلیم فرموده است.

این دعا در شبهای نیمه ی شعبان (شب میلاد حضرت قائم (عج)) و در هر شب جمعه خوانده می شود.

و برای راحت بودن از شرّ دشمنان و گشایش روزی و آمرزش گناهان سودمند است. («مفاتیح الجنان»، باب اول)

دعاء ندبه

یکی از تکالیف و آداب شیعیان در عصر غیبت، ناله کردن و ندبه نمودن و تأسّف خوردن به غیبت آن حضرت است، و از جمله دعاهاى ارزنده ای که در این باره نقل شده، دعای مبارک «ندبه» است.

این دعا مشتمل بر عقائد حقّه و تأسّف بر غیبت امام قائم (عج) است که به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل گردیده و به خواندن آن در چهار عید: جمعه، فطر، قربان و غدیر توصیه شده است.

دعاء ندبه به حق، یکی از دعاهاى جالب و پرمعنی است، از نظر فصاحت بسیار فصیح و روان و از نظر محتوا، علمی، عقیدتی، انقلابی و سیاسی و در عین حال بسیار پر احساس و عاطفی است و اگر درست به مفهوم آن توجه شود می تواند منبع الهام بخش برای مبارزات اجتماعی بر ضدّ ظلم بوده باشد.

شایسته است این دعا را شیعیان به طور دسته جمعی در هر روز جمعه با کمال تضرّع و زاری و ناله و سوگواری و با نهایت حزن و اندوه بخوانند و اشک بریزند و بر غیبت آن یوسف زهرا (س) توجه نمایند. («آخرین امید»، ص ۴۰۲ و ۴۰۵)

«علامّه مجلسی»، این دعا را در «بحارالانوار» نقل کرده است. «بحارالانوار»، ج ۱۰۲ و ص ۱۰۴

«ذُذُل» نام استر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است. در روایات اسلامی آمده که مهدی منتظر (عج) هنگام قیام جهانی خود به عنوان نشانه ای از ظهور همراه خواهند داشت. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

دوران زندگی قائم (عج)

دوران زندگی قائم (عج) را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره ی کودکی (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ هـ ق)

۲- دوره ی غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هـ ق)

۳- دوره ی غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هـ ق شروع شده و تا وقتی که فرمان نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر شود، ادامه می یابد).

دولت کریمه

در دعای شریف «افتتاح» به ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج) اشاره شده و آن حکومت را «دولت کریمه» خوانده است.

«دولت کریمه» عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند و در پرتو آن دولت، توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می کند.

دین نوین

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم (عج) خروج می کند، فرمان نو، کتاب نو و روش نو و قضاوت نو می آورد».

برای برخی با توجه به این روایت و روایات دیگر این سؤال پیش می آید که آیا به هنگام ظهور مهدی موعود (عج) دین جدیدی آورده خواهد شد و آیا دین دیگری غیر از اسلام هم وجود دارد؟

در پاسخ می توان گفت: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی (عج) یک دگرگونی اساسی است نه روئایی، از این رو جامعه گمان می کند چیز جدیدی غیر از اسلام است.

به عبارت دیگر: پیرایه هایی که در طول تاریخ اسلام زمامداران ناطق و دیگران به اسلام بسته اند، اسلام را طوری کرده، که اگر امام قائم (عج) آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار سازد، مردم عادی خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است نه اسلام، در صورتی که اسلام واقعی همین است. (حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۱۱)

ذ

ذِکْر

«سید علی محمد شیرازی» معروف به «باب» در آغاز کار، خود را «ذِکْر» نامید تا بعداً آیه ی شریفه ی:

«إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر/۹)

: ما قرآن را نازل کردیم، و به طور قطع نگهدار آن هستیم»

و آیه ی مبارکه ی:

«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل/۴۳)

: اگر نمی دانید از آگاهان پرسید»

را با خود مطابق کند. به همین جهت معروف به «سیدِ ذِکْر» شد. بعدها که از سادگی مردم عوام استفاده کرد، خود را «باب» امام زمان (عج) نامید و گفت: «من واسطه ی میان مردم و حضرت هستم». («مهدی موعود»، مقدمه، ص ۱۵۷)

ذوالفقار

«ذوالفقار» نام شمشیر دو سر حضرت علی علیه السلام است که طبق روایات اینک در محضر ولی عصر (عج) می باشد.

برای فرج آن حضرت نشانه هایی هست که یکی از آنها سخن گفتن «ذوالفقار» است که از غلاف خود خارج می شود و می گوید:

«ای ولیّ خدا! بپاخیز و به وسیله ی من و به نام خدا دشمنان خدا را نابود کن».

این مطلب از زبان «سید محمد شمس الدین» نایب خاصّ حضرت قائم (عج) در دوران غیبت کبری نقل شده است. («جزیره ی خضراء»، ص ۱۷۷)

ذی طوی

«ذی طوی نام مکانی در حدود یک فرسخی مکه، در را «تنعیم» قرار گرفته، است.

در روایات عنوان شده که «هنگام ظهور امام قائم (عج) آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه رود و صدای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در این مکان در انتظار ۳۱۲ نفر از یاران خاصش توقّف می کند، تا اینکه آنها می آیند و به آن حضرت می پیوندند...»

(«بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۷)

راز مخفی داشتن ولادت قائم (عج)

خلفای بنی عباس از طریق روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين عليهم السلام نقل شده بود، دانستند که دوازدهمین امام، همان مهدی (عج) است، که زمین را پر از عدل و داد می کند... و خود میر شرق و غرب جهان می شود.

چون این امر را می دانستند، در صدد بر آمدند تا این نور را خاموش کنند و این امام را به قتل برسانند، از این رو، جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند و حتی قابله هایی را مأمور کردند تا داخل خانه ی امام عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند. لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خدا به اراده ی خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت ...

خداوند درباره ی مهدی (عج)، همان کار را کرد که درباره ی حضرت موسی علیه السلام کرد. چنانکه دشمنان مهدی نیز، همان روش فرعون و سیاست فرعون را دنبال کردند...

در احادیث بسیاری آمده است که مهدی (عج)، شباهتهایی به حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیه السلام دارد. («اعلام الوری»، ص ۴۰۲ - «منتخب الاثر»، ص ۲۸۶)

راضی

«راضی محمد بن المقتدر» بیستمین خلیفه ی بنی عباس که در جمادی الاول سال ۳۲۲ هـ ق به حکومت رسید و در ربیع الاول سال ۳۲۹ هـ ق در گذشت. وی هفت سال حکومت کرد.

در آغاز زمان حکومت راضی، ۶۹ سال از امامت حضرت قائم (عج) گذشته بود. در همان سال مرگ «راضی»، غیبت صغری هم به پایان رسید.

راهنما

«راهنما» از اسماء حضرت ولیّ عصر می باشد که در کتاب «باتنکل» که صاحب آن از عظمای کفره است، ذکر شده است.

همچنین در این کتاب کلماتی درباره ی بشارت به وجود و ظهور آن حضرت داده شده است. («نجم الثاقب»، ص ۷۴)

ربّ الارض

«ربّ الارض» از القاب حضرت مهدی (عج) است. این لقب از قرآن برداشت شده است.

ک ابو تراب

رِجْعَت

«رِجْعَت» از دیدگاه تشیع یعنی اینکه خداوند عدّه ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا بر می گرداند، به گروهی از آنان عزّت داده و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حقّ مظلومان را از ستمگران می گیرد. و این جریان پس از قیام قائم (عج) به وقوع می پیوندد.

زنده شدگان کسانی هستند که در حدّ اعلای ایمان و یا در حدّ اعلای کفر و فسادند، پس از مدّتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان دوباره می میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کاملتر زنده می شوند.

در قرآن کریم آیات متعدّدی بر این مطلب دلالت دارد، از جمله آیه ی ۱۰ سوره ی مؤمن و آیه ی ۲۶۰ سوره ی بقره و ... روایات هم در این باره به حدّ تواتر به ما رسیده است.

همچنین در عصر رجعت، پس از امام قائم (عج)، ائمه ی دیگر به دنیا بر می گردند و یکی پس از دیگری حکومت می کنند، حتی وقتی حضرت قائم (عج) از دنیا رحلت می کنند، امام حسین علیه السلام ایشان را غسل می دهد. («اثبأه الهداء»، ج ۷، ص ۱۰۳)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام که درباره ی رجعت صادر شده، می فرمایند:

«نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده به دنیا بر می گردد، حسین بن علی علیه السلام است، و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنده شده و سر از قبر در آورند) بلکه افراد خاصی به دنیا بر می گردند که یا مؤمن خالص و یا مشترک محض باشند».

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام به دنیا رجعت می کنند».

(«مهدی موعود»، ص ۱۱۸۶)

رَجُلٌ

«رَجُلٌ» (مرد) از القاب رمزی حضرت مهدی (عج) در هنگام تقیّه ایشان است که شیعیان، آن حضرت را به این اسم می خوانند.

رشیق

«رشیق» از فرماندهان «معتمد»، خلیفه ی عباسی بود. او به دستور معتمد همراه با صد مأمور دیگر برای دستگیری امام زمان (عج) وارد خانه ی امام عسکری علیه السلام شدند و همه ی حجره ها را گشتند تا به حجره ای رسیدند که در آن پرده ی سفید آویزان بوده پرده را کنار زده، دریایی در آنجا دیدند که در وسط آن، کودکی سجّاده انداخته و نماز می خواند.

«رشیق» به یکی از مأمورانش دستور داد که برود و آن کودک را بگیرد. آن مأمور تا به سراغ کودک آمد. در میان آب غرق شد.

«رشیق» به دیگری دستور داد، او نیز در آب غرق شده اما نجاتش دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی شده بودند. اصلاً نتوانستند کوچکترین آسیبی به کودک که حضرت حجّت (عج) بود برسانند.

همین موقع بود که حضرت مهدی (عج) غایب شد و غیبت صغری به وقوع پیوست. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۳۳)

ک غیبت صغری

رفقاء

«رُفُقاء» عنوانی برای یاران حضرت مهدی (عج) است که از کوفه خود را هنگام ظهور حضرت قائم (عج) به مکه رسانده و با آن حضرت بیعت می کنند و همچون پاره های ابر پاییزی به سوی مکه روانه می شوند. («المجالس السنیه»، ج ۵، ص ۷۰۹)

با توجه به اینکه ۵۰ نفر از ۳۱۳ نفر، اهل کوفه هستند («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۶) و با توجه به معنی رفیق و رفاقت که نشانگر صفا و صمیمیت و پیوند محکم آنهاست به ویژگی دیگر یاران مخلص، حضرت مهدی (عج) پی می بریم.

رقعه نویسی

مرحوم محدث قمی در کتاب «منتهی الآمال» به نقل از «تحفه الزائر علامه مجلسی» و «مفاتیح النجاه سبزواری» می نویسد:

«هر کس حاجتی دارد، آنچه که ذکر می شود (متن رقعه در اینجا ذکر نشده است. ر.ک به «منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف

۸) در رقعه ای بنویسد و در (ضریح) یکی از قبور ائمه علیهم السلام بیندازد، یا رقعه را ببیند و مهر کند و خاک پاکی را گل سازد، و آن را میان گل گذارد و در نهر یا چاهی عمیق یا غدیر (برکه) آبی اندازد، که به حضرت صاحب الزمان (عج) می رسد و آن بزرگوار عهده دار بر آوردن حاجت می شود.

آنگاه در کنار آن نهر یا چاه یا غدیر بایستد و بر یکی از وکلای آن حضرت اعتماد نموده و او را در نظر آورد (یا عثمان بن سعید، یا محمد بن عثمان، یا حسین بن روح یا علی بن محمد سیمری) و آنها را بر زبان آورده و صدا نماید و بگوید:

«یا ... سَلامٌ عَلَیْكَ أَشْهَدُ أَنَّ وَ فَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرزُوقٌ وَ قَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هَذِهِ وَفَعْتِي وَ حَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ وَ أَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ»

سپس نوشته را در نهر یا در چاه، یا در غدیر اندازد که ان شاء الله حاجت او بر آورده خواهد شد.

ز

زاهره ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

زبور

«زبور» نام کتاب حضرت داوود علیه السلام است. در این کتاب که تحت عنوان (مزامیر) در لابلای (عهد عتیق) آمده، نویدهایی درباره ی ظهور مهدی (عج) داده شده است و می توان گفت، در هر بخش از «زبور» اشاره ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروی صالحان بر شریبان و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آئین مستقیم وجود دارد.

نوید های حضرت مهدی (عج) در زبور فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه نوید ظهور آن حضرت موجود است. (آخرین امید»، ص ۱۹۳)

زردشتیان و انتظار

در دین «زردشت»، موعودهایی معرفی شده اند که آنان را «سوشیانت» («سوشیانت» به معنی «رهاننده» یا «نجات دهنده» است) می نامند.

این موعودها سه تن بوده اند که مهمترین آنان آخرین ایشان است. و او «سوشیانت پیروزگر» خوانده شده است. و این «سوشیانت» همان موعود است، چنانکه گفته اند:

«سوشیانتِ مَزْدِیَسَنان، به منزله ی کریشنای بَرَهْمَنان، بودای پنجم بودائیان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان، و مهدی (عج) مسلمانان است.» («خورشید مغرب»، ص ۵۳ - «دایرة المعارف فارسی»، ج ۱، ص ۱۳۷۳)

زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم

در روایات اسلامی آمده است که هنگام ظهور حضرت قائم (عج) زره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم با ایشان است و بر بدن هیچکس اندازه نیست مگر بر قدّ شریف حضرت مهدی (عج) همانگونه که تنها بر بدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اندازه بود. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۳۱)

زنان در قیام قائم (عج)

به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثر و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور را در دامان پاک خود می پروراندند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان محکم و خوب برای مردان می شوند.

روایاتی که به ما رسیده، نشان دهنده این است که در قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام هم زنان حضور خواهند داشت.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«سوگند به خدا، سیصد و اندی نفر مردمی آیند، در میانشان ۵۰ نفر زن هستند، و در مکه اجتماع می کنند، بی آنکه قبلاً وعده داده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پاییزی است (که با حرکات تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند)». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۲۳)

زنان باید شخصیت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب صاحب الامر (عج) گردند، و در جبهه های سیاسی و نظامی، شرکت و تلاش فعال نمایند و به پانسمان زخمی ها پردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.

«مفضل» می گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه مهدی (عج) سیزده زن هست». عرض کردم: این بانوان برای چه در کنار مهدی (عج) هستند؟

فرمود: «اینها مجروحان را مداوا می کنند و از بیماران جنگی پرستاری می نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همراه آن حضرت در جنگها این کارها را بر عهده می گرفتند». («اثبأ الهداة»، ج ۷، ص ۱۵۰ و ۱۷۱ - «حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۳۲)

زند افریس

در کتاب «ذخیره الالباب» گفته شده که اسم حضرت مهدی (عج) در کتاب «ماریاقین»، «زند افریس» است و عین عبارت آن کتاب، این است: «و فی کتاب ماریاقین زند افریس» پس احتمال می رود که اصل اسم همان «افریس» باشد و مراد از زند همان کتاب منسوب به زردشت یا صحف حضرت ابراهیم علیه السلام یا فصلی از آن باشد. (والله العالم) («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۴)

زندگی شخصی قائم (عج)

زندگی حضرت مهدی (عج) همچون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است. امام رضا علیه السلام فرمود:

«لباس قائم (عج) جز پارچه ی زبر و خشن، و غذای او جز غذای ساده نیست» («منتخب الاثر»، ص ۳۰۷)

او در بر خورد با مستضعفان آنچنان است که به فرموده ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

«هنگام حکومت مهدی (عج) نیازمندیانی به حضورش می آیند و درخواست نیازمندیهای خود می کنند، آن حضرت مقداری که درخواست کنندگان بتوانند حمل کنند بدون شماره به آنها می دهد» («اثبأ الهداة»، ج ۷، ص ۱۹۹)

امام صادق علیه السلام به «مفضل» فرمود: «کار امام قائم (عج) سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است. همچون زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۵۹)

زندیق

«زندیق» نام شخصی است که قبل از قیام حضرت العصر (عج) از شهر قزوین خروج می کند. مردم مشرک و مؤمن در اطاعت از او سرعت می گیرند و او کوهها را پر از خوف می کند. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۱۲)

شاید مراد از «زندیق» در این حدیث همان معنی لغوی «کافر» باشد.

زوراء

از جمله مکانهایی که در احادیث مربوط به قائم (عج) از آن سخن به میان آمده، شهر «زوراء» است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف شهر زوراء فرمود: «شهری است در مشرق که در بین رودها واقع شده که در این شهر شرورترین انسانها ساکن می شوند و عدّه ای از ستمکاران امت من هم در آنجا سکنی می گزینند». («عقدالدرر»، ص ۸۱)

همچنین امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه فرمود:

«در حوالی روی کوه سیاهی است که در پایین آن کوه شهری بنا می شود که آن را «طهران» می نامند و آن «دار الزوراء» است و ...»

اهل شهر زوراء دچار قحطی و فتنه و بلا می شوند. («جهان در آینده»، ص ۱۰۶)

اما صادق علیه السلام در ضمن حدیثی به علائم قیام حضرت مهدی (عج) اشاره کرد و فرمود:

«خروج مردمی از فرزندان عمویم زید در یمن و به غارت رفتن پرده ی کعبه، و هر چه مشیت الهی است همان خواهد شد.» (جهان در آینده»، ص ۴۰)

زیارت امام حسین علیه السلام

در روایات اسلامی سفارش شده که در شب تولد امام قائم (عج)، زیارت امام حسین علیه السلام خوانده شود.

با توجه به محتوای این زیارت و خواندن آن در شب نیمه ی شعبان و ارتباط این دو، نتیجه می گیریم که مسأله راحت طلبی در کار نیست، بلکه مسأله ی قیام و انقلاب و شهادت طلبی و جهاد تا سر حد شهادت و نفرت شدید از دشمن است و باید با چنین روشی خود را به امام زمان (عج) نزدیک کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی که قائم (عج) ماقیام کند، تقیه برداشته شود و شمشیر کشیده گردد و با مردم (متمرد) در داد و ستد، جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد.» (اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۱۲۸ - «حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۸۹)

زیارت جامعه ی کبیره

«زیارت جامعه ی کبیره»، از ادعیه ای است که مورد عنایت حضرت مهدی (عج) می باشد، و شیعه باید هر روز صبح به صورت مدّاحی با این زیارت، عرض ادب به ساحت مقدّس آن بزرگوار بنماید.

علامه ی مجلسی اوّل، در «شرح من لایحضر الفقیه» در ذیل این زیارت می گوید:

«چون به نجف مشرف شدم، برای اینکه لیاقت تشرّف حرم علوم را بیابم، تصمیم گرفتم که چند روزی عبادت کنم. روزها در مقام مقائم و شبها در رواق مطهر مشغول بودم. شبی در عالم مکاشفه حضرت بقیه الله (عج) را در حرم پدر بزرگوارش دیدم. فردا به سامراء مشرف شدم، و چون وارد حرم شدم، مهدی (عج) آن پاره ی ماه، آنجا بود. ایستادم و از دور به طور مدّاحی و در حالی که با انگشت، اشاره به او

می کردم، زیارت جامعه را خواندم. حضرت فرمودند: بیا جلو! ابهت و عظمت او مانع می شد تا بالاخره جلو رفتم. به من تَلَطَّف کرد و فرمود:

«نِعْمَ الزِّيَارَةُ هَذِهِ»

: خوب زیارتی است این زیارت».

گفتم: از جدتان می باشد؟ و اشاره به قبر مطهر امام هادی علیه السلام کردم. فرمودند: بلی از جدّم صادر شده است».

از این جهت، علامه مجلسی دوّم درباره ی این زیارت می فرماید:

«صحیحترین زیارات از نظر متن و سند، زیارت جامعه ی کبیره است». (زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۹۳)

زیدیه

«زیدیه» گروهی از سپاه سیّد حسنی هستند که پس از ظهور امام زمان (عج) با ایشان بیعت نمی کنند و تعداد آنان را چهار صد هزار نفر ذکر کرده اند.

مصحف ها و قرآن در گردن آنان حمایل است و آنچه مشاهده می کنند از دلائل و معجزات، آن را حمل بر سِحْر می کنند و می گویند این سخنان بزرگی است و اینها همه سِحْر است که به ما نموده اند.

پس امام قائم (عج) آنچه آنان را نصیحت و موعظه کند و آنچه از معجزات بیاورد در آنها تأثیر نخواهد کرد. تا سه روز ایشان را مهلت می دهد و چون موعظه ی آن حضرت را که حق است قبول ننمایند امر می فرمایند که گردنهای آنها را بزنند.

حال آنان، شبیه به حال خوارج نهروان که در لشکر امام علی علیه السلام در جنگ صفین بودند، است. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل

(۷)

ساعه

«ساعه» از القاب حضرت مهدی (عج) است. در روایات آمده که مراد از «ساعه» در بسیاری از آیات قرآن، قائم (عج) است. آیاتی نظیر:

محمد/۱۸، زخرف/۶۶ و ۸۵، نازعات/۴۲، اعراف/۱۸۷، شوری/۱۷ و ۱۸. «نجم الثاقب»، ص ۷۵)

سامراء

شهر «سامراء» یا (سامره) یا (سُرْمَن رَآی) در کشور عراق واقع است. این شهر یکی از شهرهای مذهبی عراق به شمار می رود، زیرا مدفن امام حسن عسکری علیه السلام و امام علی النقی علیه السلام در آنجا قرار دارد.

حضرت مهدی (عج) در این شهر متولد شد. به هنگام تولد امام قائم (عج)، حدود ۳۵ سال از ساختن شهر سامراء (که در کنار ویرانه های شهر قدیم بنا شده بود) می گذشت. و با اینکه به عنوان پایتخت دوم برای خلافت بغداد ساخته شده بود، از همان آغاز، مقر خلفای عباسی شد.

معتصم عباسی، هشتمین خلیفه ی بنی عباس، که خلافت او از سال ۲۱۸ آغاز شد، به ساختن این شهر فرمان داد، سپس خود به آنجا انتقال یافت، و بدینگونه سامراء مرکز خلافت گشت. («خورشید مغرب»، ص ۲۱)

سایه انداختن ابر سفید

از خصائص حضرت مهدی (عج) این است که ابر سفیدی پیوسته به سر آن حضرت سایه می اندازد و منادی در آن ابر به نحوی که آن را جن و انس در مشرق و مغرب بشنوند، ندا می کند که او مهدی آل محمد علیه السلام است. او زمین را از عدل پر می کند، چنانکه از جور و ستم پر شده است. «منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۱۷)

ک ابر مخصوص قائم (عج)

سبائیه

«سبائیه» نام فرقه ای است که گمان می کنند حضرت علی علیه السلام همان مهدی موعود (عج) و نجات بخش آینده است.

«سبائیه» پیروان «عبدالله بن سباء» هستند. عبدالله به نبوت و الوهیت امام علی علیه السلام هم معتقد بوده است. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۳۵۹)

سبیکه

«سبیکه» از نامهای «نرجس خاتون»، مادر گرامی امام زمان (عج) است.

«سبیکه» طلای ناب و نقره ی خالص را گویند که پس از گداخته شدن، ناخالصی های آن جدا گردد و طلای ناب و نقره ی خالص به صورت شمش در قالبها ریخته شود. («لسان العرب»، ج ۶، ص ۶۲)

او در پایتخت بیزانس در عشق امام حسن عسکری علیه السلام گداخته شده و همه ی ناخالصی های امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا (س) از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد. («او خواهد آمد»، ص ۲۳)

سبیل

«سبیل»، لقب امام قائم (عج) است.

سحاب

«سحاب»، نام عمّامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است که مهدی موعود (عج) هنگام خروج همراه خویش خواهند داشت. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

سدره المنتهی

«سدره المنتهی» نام درختی در آسمان هفتم است که در آیه ی ۱۴ سوره ی نجم هم ذکر شده است. «سدره المنتهی»، لقب امام قائم (عج) است.

سرداب مقدّس

«سرداب مقدّس» داخل خانه ی امام حسن عسکری علیه السلام قرار دارد. گفته اند امام زمان (عج) از این مکان غیبت کبری را شروع کرده است. راه دخول به آن، سرداب قدیمی از پشت سر نزدیک به قبر «نرجس خاتون» بوده (و شاید حالا در رواق باشد) از آنجا پایین می رفتند و دالان دراز و تاریکی داشت چون از آنجا می گذشتند به در سرداب غیبت می رسیدند که حالا آیینه کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکریین علیه السلام باز می شود.

«احمد خان دُنبلی»، زمانی مبلغی هزینه کرد و صحن و بارگاه دو امام بزرگوار را از «سرداب مقدّس» مجزاً ساخت. («مفاتیح الجنان»، باب سوّم)

علّت اینکه شیعیان «سرداب مقدّس» در سامرا را زیارت می کنند این است که، چون مهدی موعود (عج) پس از اینکه غائب شده محلّ و مکان معلومی ندارد تا شیعه بتواند خود آن حضرت را زیارت کند، لذا بهترین مکان برای زیارت و اظهار علاقه به آن حضرت خانه ی آن بزرگوار است. و شاعر چه زیبا گفته:

یعنی: من در میان خانه ها به خانه های لیلی مرور می کنم. این دیوار و آن دیوار (آنها) را می بوسم، دوستی و محبت خانه ها دل مرا نبرده، بلکه دوستی آن افرادی که در آن خانه ها ساکن بوده است، دل مرا برده است. («ستارگان درخشان»، ج ۱۴، قسمت اول، ص ۱۰۵)

سردابیه

«سردابیه» طایفه ای از غلّات («غلات» کسانی هستند که درباره ی رهبران و پیشوایان خود غلّو کرده، آنان را از مرتبه ی بشریت به مقام خدایی رسانند یا آنان را به خدا و خدا را به خلق تشبیه کنند) دوازده امامیان است که منتظر خروج حضرت مهدی (عج) از سردابی که در ری قرار دارد هستند. و هر بامداد جمعه پس از نماز صبح، اسبی را لگام کرده به آنجا می برند و سه بار می گویند: «یا امام بسم الله». («لغت نامه دهخدا»، ج ۸ (چاپ جدید)، ص ۱۱۹۷۶)

سرزمینهای دوردست

آنگونه که از احادیث بر می آید، یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) «سرزمینهای دور دست» است.

لازم به توضیح نیست که سرزمینهای دور دست نام مکان مشخص و اسم خاص نمی باشد.

در توقیع شریفی که در سال ۴۱۰ هـ ق از ناحیه ی مقدّسه ی آن حضرت به افتخار «شیخ مفید» صادر شده است و با خطّ شریف حضرت حجت (عج) شرف تحریر یافته، چنین آمده است:

«اگر چه ما در سرزمین دوردستی سکنی گزیده ایم که از جایگاه ستمگران به دور هستیم، زیرا که خداوند مصلحت ما و شیعیان مؤمن ما را در این دیده که تا حکومت دنیا در دست تبهکاران است در این نقطه ی دوردست مسکن نمائیم، ولی از اخبار شما آگاهیم. و هرگز چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست». («الاحتجاج»، ص ۴۹۷)

«سروش ایزد»، نام امام مهدی (عج) در کتاب زمزم زردشت است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۴)

سعد بن عبدالله قمی

«سعد بن عبدالله قمی» از کسانی است که به محضر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رسیده و سعادت دیدار حضرت بقیة الله (عج) را پیدا کرده و معجزاتی از آن حضرت مشاهده نموده است. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۸۹)

سفارت

در قرون اولیة ی غیبت به جای کلمه ی «نیابت» امام زمان (عج)، بیشتر از کلمه ی «سفارت»، و همینطور از عنوان «سفراء» به جای «نواب» استفاده می شد. و شاید میان «سفارت» و «نیابت» تفاوتی نیز بوده است. («خورشید مغرب»، ص ۴۴)

سُفراء ک سفارت

سَفَط

«سَفَط» در لغت یعنی: جامه دان که به شکل جوال یا مانند کدوی خشک میان تهی باشد، سید جامه. («لغت نامه ی دهخدا»، ج ۸، چاپ جدید، ص ۱۲۰۵۲)

در حدیث طولانی مفضل است که، امام صادق علیه السلام فرمود:

«تَرَکَہ ی جمیع پیغمبران، حتّی عصای آدم علیه السلام و آلت نجاری نوح علیه السلام و ترکه هود علیه السلام و صالح علیه السلام و مجموعه ی ابراهیم علیه السلام و صاع یوسف علیه السلام و مکیال شعیب علیه السلام و آینده ی او و عصای موسی علیه السلام و

تابوتی که در اوست، بقیه ی آنچه ماند از آل موسی علیه السلام و آل هارون که ملائکه بر می دارند و زره داوود علیه السلام و انگشتری سلیمان علیه السلام و تاج او و رحل عیسی علیه السلام و میراث جمیع پیغمبران و مرسلان در یک «سَفَط» است.»

«علاوه بر اینها عصا، انگشتر، بُرد، زره، عمّامه، اسب، ناقه، استر، الاغ و شتر سواری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام هم در این «سَفَط» قرار دارد.» («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۲۵)

سَفِیانی

از جمله نشانه های ظهور امام زمان (عج) خروج «سفیانی» است. (همانگونه که خود آن حضرت بیان فرمودند).

در وصف سفیانی آمده است که او مردی بدصورت و آبله رو و چهارشانه و ارزق چشم و اسم او «عثمان بن عنبسه» و از اولاد یزید بن معاویه است. در ظاهر مقدّس مآبی می کند و ذکرش اینست: یارب، یارب، یارب.

سفیانی آنقدر پلید است که کنیزش را که از او بچه دار شده زنده به گور می کند. («اثبابة الهداء»، ج ۷، ص ۳۹۸)

آن ملعون پنج شهر بزرگ «دمشق»، «حمص»، «فلسطین»، «اردن» و «قنسرین» را متصرّف می شود، پس از آن لشکر بسیار به اطراف می فرستد.

سفیانی پلید با دارودسته اش بر ضدّ حضرت مهدی (عج) قیام می کند. مهدی (عج) به مردم فرمان می دهد به جنگ با این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزید.

ارتشی که سفیانی برای جنگ با مهدی (عج) آماده کرده است، در سرزمین بیداء، میان مکه و مدینه، در ذی الحلیفه، در زمین فرو می رود و نابود می گردد، به طوری که فقط دو تن از آن ارتش که از طایفه ی «جهنیه» هستند موفق می شوند، بگریزند. (همان مدرک، ص ۲۳۹) و آن دو نفر یکی به سوی حضرت صاحب الامر (عج) رفته و ایشان را به هلاکت سفیانی خبر می دهد و دیگری روانه شام می شود تا خبر شکست سپاهش را به او بدهد.

سفیانی پس از شنیدن خبر به کوفه می آید و هنگامی که امام عصر (عج) به کوفه می رسد، آن ملعون فرار کرده و به شام بر می گردد. پس حضرت لشکری از عقب او می فرستد که او را در صخره ی بیت المقدّس دستگیر کرده و سرنحس او را بریده و روح پلیدش را وارد جهنّم می کنند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

در برخی از روایات آمده که سفیانی زیر درخت بغوطه ی دمشق به هلاکت می رسد. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۷۲۳)

در مورد سفیانی هم مانند دجال یک نظر وجود دارد و آن اینکه سفیانی یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنمی است که با ویژگیهای خاص با انقلاب جهانی مهدی (عج) مخالفت می کند و شکست می خورد. («بحارالانوار»، ج ۵۳، ص ۱۰)

ک توفیع

السُّلْطَانُ الْمَأْمُولُ

«السُّلْطَانُ الْمَأْمُولُ» (فرمانفرمای آرزو شده)، لقب حضرت مهدی (عج) است.

ک امیر الامرّه

سلمان فارسی

در روایات اسلامی آمده که، هنگام خروج حضرت قائم (عج) و پس از رجعت، «سلمان فارسی» در شمار یاران آن امام خواهد بود. («الارشاد»، ص ۳۹۹)

وی از صحابه خاصّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و نام اصلی اش «روزبه» بود. مقام بسیار شریفی در نزد خاندان نبوت داشت، تا آنجا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم درباره ی او فرمود:

«سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ

: سلمان از ما اهل بیت است».

همچنین حضرت علی علیه السلام درباره ی وی فرموده است: «علم اوّلین و آخرین را فرا گرفت. او دریایی است که هر چند از آن استفاده شود کم نمی گردد، او از ما اهل بیت است».

نامه ی ۶۸ نهج البلاغه، از نامه هایی است که حضرت علی علیه السلام پیش از خلافتش خطاب به سلمان فارسی نوشته است.

او در سال ۳۵ هجری در اواخر خلافت عثمان و یا در سال ۳۶ هـ ق از جهان رخت بربست طبق مطالبی که از تاریخ رسیده امیرالمؤمنین علی علیه السلام، شخصاً با طیّ طریق غیر عادی برای غسل، کفن، نماز و دفن او از مدینه به مدائن رفت. عمر و حداقل که همه با آن موافقت دارند ۲۵۰ سال بوده است. («دانستنیهای نهج البلاغه»، ص ۱۷۲)

سَمّاک ک ثقیف

سناء

«سناء» لقب امام زمان (عج) است. «سناء» در لغت یعنی: روشنایی، فروغ، بلندی و رفعت.

سنگ حضرت موسی علیه السلام

از جمله خصائص امام قائم (عج)، حمل سنگ حضرت موسی علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت مهدی (عج) خروج کند و بخواهد از جانب مکه به کوفه برود، منادی آن حضرت ندا کند که: آگاه باشید که کسی طعام و آب حمل نکند. و حضرت قائم (عج)، سنگ حضرت موسی علیه السلام را که از آن دوازده چشمه ی آب جاری شده بود، حمل می کنند.

پس در هر منزلی که فرود می آیند، حضرت آن سنگ را نصب می فرمایند و آن چشمه ها جاری می شوند و هر که گرسنه باشد سیر می شود و هر که تشنه باشد سیراب می شود. پس آن سنگ توشه ی آنهاست تا هنگامی که وارد نجف، که در پشت کوفه قرار دارد می شوند.

پس هنگامی که در پشت کوفه فرود آمدند و مستقر شدند از آن سنگ پیوسته آب و شیر جاری می شود تا گرسنگان سیر و تشنگان سیراب شوند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۴۱)

سوشیانت ک زردشتیان و انتظار

سید

در اخبار و روایات، «سید» لقب امام زمان (عج) شمرده شده است.

سید بن طاووس

«سید بن طاووس» از علمای بزرگوار تشیع و صاب کتب «الملاحم و الفتن» و «جمال الاسبوع» است.

او در زمان غیبت کبری به دیدار حضرت قائم (عج) نائل شده است. «سید بن طاووس» در سال ۶۶۴ هـ ق در گذشت.

سید حسنی

از جمله علائمی که در آستانه ی ظهور امام قائم (عج) رخ خواهد داد، خروج «سید حسنی» با یارانش برای یاری آن حضرت است.

«سید حسنی» جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم (یکی از بلاد گیلان) و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زند که به فریاد قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برسد که از شما یاری طلبد و این سید حسنی ظاهراً از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام باشد. مردم او را اطلاعات می کنند. خصوصاً مردان شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل که بر اسبهای اشهب سوار باشند (گنجهای طالقان). او از مکان خود تا کوفه زمین را از لوٹ وجود ظالمین و کافران پاک می کند. و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجه الله مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است.

پس «سید حسنی»، با اصحاب خود خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه ی دلائل امامت و مواریث انبیاء را می نمایند. او می داند که مهدی (عج) بر حق است، ولیکن مقصودش این است که حقیقت امام (عج) را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نمایند.

پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می نماید. وقتی «سید حسنی» یقین به صدق امام پیدا می کند، می گوید: «الله اکبر! دستت را بده تا با تو بیعت کنم»، و با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاه او (جز زیدیه که چهارصد هزار نفرند) نیز بیعت می کنند. (منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۶ - «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۵)

ک زیدیه

سید شمس الدین

«سید شمس الدین محمد عالم» نایب خاص امام عصر (عج) و نوه ی پنجم ایشان است. این مطالب را «علی بن فاضل مازندرانی» هنگامی که به «جزیره ی خضراء» رفت، دریافته بود. («جزیره ی خضراء»، ص ۵۲)

سید مرتضی

«سید مرتضی بن داعی حسنی» (یا حسینی) مکنی به ابوتراب و ملقب به «صفی الدین» و «علم الهدی» (پرچم هدایت)، از علمای بزرگ شیعه در قرن ۶۵ هجری قمری است. از آثار او می توان «تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام»، در شرح مذاهب مختلف به پارسی و «فصول تامه» (به عربی) نام برد. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۱۹۲)

او از جمله افرادی است که مورد توجه حضرت قائم (عج) بوده است. «علی بن فاضل مازندرانی» پس از بازگشت از «جزیره ی خضراء» نقل کرده که در آنجا فقط نام ۵ تن از علمای شیعه مطرح بود:

«سید مرتضی» (علم الهدی)، «شیخ طوسی»، «محمد بن یعقوب کلینی»، «ابن بابویه»، «شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلّی». («جزیره ی خضراء»، ص ۱۸۱)

سیصد و سیزده نفر

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان (عج) نوشته شده که هنگام ظهور آن حضرت، ۳۱۳ نفر یاران مخصوص ایشان به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام (عج) هستند. اصل حدیث متواتر است و نباید شکی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین علیهم السلام نمود.

و اما چند نکته:

۱- آنان در «ذی طوبی» به امام زمان (عج) می پیوندند. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴)

۲- آنان از اطراف جهان و دورترین نقاط جمع شده و به امام قائم (عج) پیوسته اند. در این باره امام باقر علیه السلام فرموده است: «خداوند برای حضرت قائم (عج) - از دورترین شهرها، به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می کند». (همان مدرک، ص

۳- هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم (عج) بیعت می کنند، همین ۳۱۳ نفرند، چنانکه این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۲۳)

۴- این افراد در روایات شبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند. به علاوه، اینان پرچمداران روی زمین، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می باشد. (همان مدرک. ص ۲۲۴) و ...

طبق فرموده ی «سید شمس الدین محمد»، ۳۰۰ نفر آنها در حال حاضر در جزیره ی خضراء به سر می برند و فقط ۱۳ نفر مانده است که تعداد یاران حضرت ولی عصر (عج) کامل شود. («جزیره ی خضراء»، ص ۱۷۷)

در کتاب «المَحَجَّة...» در ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام نام تمام سیصد و سیزده نفر و قبیله و شهر آنان ذکر شده است.

شروسی

یکی از علائم قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج)، خروج «شروسی» خواهد بود.

امام حسن علیه السلام فرمود: «شروسی از بلاد ارمنیه به سمت آذربایجان که آن را تبریز می نامند، به قصد پشت شهر ری، به طرف کوه سرخ که نزدیک و متصل به کوه سیاه است، (در کنار کوههای طالقان) حرکت می کند. سپس در آنجا بین «شروسی» و «مروزی» جنگ بسیار سختی روی می دهد که کودکان را پیرو بزرگسالان را فرسوده می کند. پس در آن موقع، منتظر خروج او (حضرت مهدی (عج)) باشید». («مجمع النورین»، ص ۲۹۷)

شرید

امام قائم (عج) مکرر به لقب «شرید» در زبان ائمه علیهم السلام به خصوص، حضرت علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام، ذکر شده است.

«شريد» به معنی رانده شده است. یعنی رانده شده از مردمی که آن حضرت را شناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شکر گزاري و مقام حقّش برنيامدند، بلکه پس از اینکه از دست يافتن بر او نااميد شدند، به قتل و قمع ذريه ی طاهره ی ایشان پرداختند و به کمک زبان و قلم سعی بر بیرون راندن نام و یاد او از قلوب و اذهان مردم نمودند. («نجم الثاقب»، ص ۷۸)

شریعی

«ابومحمّد، حسن شریعی»، نخستین کسی است که بعد از شهادت امام یازدهم، به دروغ و افترا ادّعی بایّت و سفارت از جانب امام زمان (عج) کرد. از این رو شیعیان او را لعن کرده و از او دوری جستند و توقیعی از سوی امام (عج) درباره ی لعن و برائت از او صادر گردید. («آخرین امید»، ص ۱۲۴)

شریعیّه

پیروان «ابومحمّد، حسن شریعی» را «شریعیّه» گویند. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۶۵۲)

ک شریعی

شعیب بن صالح

در روایات اسلامی آمده که، «شعیب بن صالح» یکی از پرچمداران لشکر حضرت مهدی (عج) در هنگام خروج خواهد بود.

وی مردی کوسه، گندم گون و متوسط القامتی است که دوستدار بنی تمیم می باشد و با چهار هزار نفر که لباسهایشان سفید و پرچمهایشان سیاه است از شهر روی خروج می کند. او مقدّمه ی خروج حضرت مهدی (عج) است. با کسی ملاقات نمی کند مگر اینکه او را خواهد کشت.

و در جای دیگر آمده که وی از سرقند خروج خواهد کرد. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۱۳)

شَلْمَغَانِي

از جمله کسانی که به مخالفت با «حسین بن روح» (سومین نایب خاص قائم (عج)) برخاست و از راه حسد دست به تأسیس مذهب جدیدی زد، «ابوجعفر، محمد بن علی شلمغانی» بود. او را «ابن ابی العزاقیر» و پیروانش را به همین مناسبت «عزاقریه» و نیز «شلمغانیه» می خوانده اند.

«حسین بن روح» هنگامی که به دستور «حامد بن عباس» به زندان افتاد، «شلمغانی» را به نیابت خود نصب کرد و او واسطه ای بین وی و شیعیان شده اما او از حدود سال ۳۰۴ تا ۳۱۱ هـ ق مدعی نیابت خاص و باییت از برای حضرت حجت (عج) شد.

«حسین بن روح» صریحاً در خصوص لعن و تبری از او و از کسی که به سخن او راضی شود، مکتوبی نوشت. بدین ترتیب باطنش آشکار شد و شیعیان از او کناره گرفتند و راضی بالله خلیفه ی عباسی دستور قتل وی را صادر کرد و وی را روز سه شنبه ۲۹ ذی القعدة سال ۳۲۲ هـ ق گردن زدند و جسدش را به دار آویختند و در آخر کار سوزانده و خاکستر آن را به آب دجله دادند. («آخرین امید»، ص ۱۰۲ و ۱۴۴)

وی احکام دین خود را در کتاب به نام «الحاسه السادسه» تدوین کرده بود. («لغت نامه دهخدا»، ج ۹، چاپ جدید، ص ۱۲۷۳۵)

شماطیل

در کتاب «ذخیره الالباب» گفته شده که، «شماطیل» اسم حضرت مهدی (عج) در کتاب «ارماتش» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۷)

شمایل قائم (عج)

محدثان معتبر از شیعه و سنی، بنابر احادیث بسیار از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیه السلام، شمایل و اوصاف امام مهدی (عج) را در کتابهای خویش آورده اند:

«چهره اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذاب، شانه اش پهن، دندانهایش برآق و گشاده، بینی اش کشیده و زیبا، پیشانی‌ش بلند و تابنده، استخوان بندی اش استوار و صخره سان، دستان و انگشتانش درشت، گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی که از بیداری شب عارض شده، خالی مشکین بر گونه ی راستش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله ی گوش ریخته و به قولی به دوشش ریخته، اندامش متناسب و زیبا و نگاهش دگرگون کننده، خروشش دریا سان فریادش همه گیر و ...» (خورشید مغرب»، ص ۲۸)

شمشیر

در روایات اسلامی، مکرر از شمشیر امام قائم (عج) سخن به میان آمده است. و اینکه مثلاً حتی مانع زکات، اعدام می شود.

این به آن معنی نیست که حکومت، زوری است بلکه این شمشیر به عنوان قصاص و مقابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه گران است، همانگونه که در قرآن کریم آمده است:

«و آهن (شمشیر و اسلحه ی عدالت) را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است». (حدید/۲۵)

و یا در جای دیگر می فرماید: «برای شما در قصاص، زندگی است ای اندیشمندان». (بقره/۱۷۹)

بنابر این، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۸۷)

روزگار حضرت مهدی (عج)، روزگار خوار ساختن زورداران است. دیگر روز موعظه و خواهش تمام می شود. مهدی (عج) آنقدر بکشد که مردم بگویند: «این مرد از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیست. اگر از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود، این اندازه خون نمی ریخت».

اما او از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است یعنی آل حق، آل عدالت، آل عصمت و آل انسانیت.

شمشیر مهدی (عج)، «سیف الله» است، سیف الله المنتقم. شمشیر مهدی (عج)، شمشیر انتقام از همه ی جهانیان در طول تاریخ است. («خورشید مغرب»، ص ۳۷)

شمشیرهای آسمانی

از خصائص حضرت قائم (عج)، آوردن شمشیرهای آسمانی برای انصار و اصحاب آن حضرت است.

ک حبه

شیخ مرتضی انصاری

«شیخ مرتضی بن محمد امیر شوشتری انصاری» از مجتهدان بنام شیعه است. وی در سال ۱۲۱۴ هـ ق در دزفول متولد شد و در سال ۱۲۸۱ هـ ق در نجف اشرف درگذشت «شیخ مرتضی» از سال ۱۲۶۶ هـ ق که «صاحب جواهر» درگذشت، مرجع مطلق شیعه گردید.

تحقیقات «انصاری» در فقه استدلالی و اصول و قواعد کلیه ی حقوق شیعه بی سابقه است.

از آثار وی «رسائل» در اصول و «مکاسب» در فقه دقیق ترین تحقیقات حقوقی را دربر دارد. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۸۶)

«شیخ انصاری» از جمله کسانی است که در زمان غیبت کبری به دیدار حضرت قائم (عج) نائل آمد.

«محمد بن محمد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید» از علمای برجسته ی شیعه و مورد قبول شیعه و اهل سنت بود و مرجع خاص و عام به شمار می رفت. وی بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و در همه ی رشته های علوم اسلامی نابغه به شمار می آمد.

«شیخ مفید» در سن ۸۵ سالگی در سوّم رمضان سال ۴۱۳ هـ ق از دنیا رفت و در حرم کاظمین به خاک سپرده شد.

چندین بار از جانب امام قائم (عج) برای این مرد بزرگوار نوشته ای به خط شریف آن حضرت صادر شد حتی هنگامی که از دنیا رفت، بر روی قبرش مطالبی با خط مبارک آن حضرت مشاهده شده بود. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۴۹)

شیصبانی

از نشانه های قیام قائم (عج)، خروج «شیصبانی» است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «کجاست برای شما سفیانی تا اینکه پیش از او «شیصبانی» از سرزمین کوفان خروج کند، بجوشد چنانکه آب از چشمه می جوشد و جمع شما و سران شما را بکشد. پس از آن، متوقع سفیانی باشد و اینکه حضرت قائم (عج) خروج کند.» («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۵۰)

شیعیان و انتظار

در میان همه ی آیین ها و کسانی که در انتظار موعود (به معنای عام) به سر می برند، نام شیعه چون قطعه ای فروزان که در آتش عشق به مهدی (عج) می سوزد، نمایان است.

در حقیقت همین شیعیان هستند که باید در این امر بزرگ و خطیر پیشگام شده و مقدمات ظهورش را فراهم سازند و امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر یک از شما برای قیام قائم (عج)» - هر چند با تهیه یک تیر - باید آماده گردد». (همان مدرک، ص

(۳۶۶)

در روایات اسلامی به این موضوع که شیعیان نقش مهمی در قیام قائم (عج) خواهند داشت، اشاره شده اشاره شده است:

«هنگامی که قائم قیام کند، خداوند شیعیان را از همه شهرها نزد او گرد می آورد». («تفسیرالعیاشی»، ج ۱، ص ۶۶)

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند هر عیب و نقص را از شیعیان برطرف می کند، و دل‌های آنان را چنان پاره های پولاد می گرداند. قدرت هر مرد از آنان را، به اندازه قدرت چهل مرد قرار می دهد. و آنگاه آنان حاکمان و فرمانروایان زمین و سران بزرگوار جهان خواهند بود). («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۱۷)

این بیانات همه می توانند تاکید بر این امر باشد که، شیعه باید همواره حضور اعتقادی و اجتماعی خویش را، و تشکیلات سیاسی و نظامی - یعنی در واقع، «حضور شیعی» خود را در صحنه تاریخ نگاه دارد، تا سرانجام به هنگام ظهور، در محل جریان اصلی و به حق خود قرار گیرد. («خورشید مغرب»، ص ۲۹۴)

شیلو

یکی از نام‌های مصلح جهانی در کتب مقدس، «شیلو» است. «شیلو» یعنی کسی که دارای حق است و صلح و سلامتی می آورد.

در کتاب تورات در سفر پیدایش، شماره ۴۹-۱۰ آمده است:

«عصای قدرت و سلطنت از یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروایی از میان پاهای وی، تا «شیلو» بیاید و او را اطاعت امته خواهد بود».

(«مصلح آخرالزمان»، ص ۷۷)

صائد بن صید

«صائد بن صید» در برخی از روایات «دجال» نامیده شده است. («بشارة الاسلام»، ص ۴۳) وی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می زیسته است. پیامبر او را یکی از مصادیق دجال به اصحاب خویش معرفی کرده است و چون بعداً از خروج دجال در آخرالزمان نیز خبر داده، برخی گمان کرده اند «دجال» موعود که قبل از ظهور امام قائم (عج) خروج خواهد کرد، همان «صائد بن صید» است و در نتیجه به زنده ماندن و طول عمر او قائل شدند.

اگر دجال نام شخص معینی نباشد و به هر شخص دروغگو، پر تزویر و گمراه کننده اطلاق شود، دیگر نمی توان گفت که «صائد بن صید» همان دجال است. («آخرین امید»، ص ۳۲۶)

صاحب

«صاحب» از القاب معروف حضرت مهدی (عج) است و علمای رجال به این امر تصریح کرده اند که، این نام آن حضرت در صحف ابراهیم علیه السلام است.

صاحب الامر

یکی از لقبهای شایع حضرت قائم (عج)، «صاحب الامر» است.

زمین را می شوی وارث در آخر به نص حکم قرآن صاحب الامر!

صاحب الدار

علمای رجال تصریح کرده اند که «صاحب الدار» از القاب خاصّه حضرت مهدی (عج) است. آن حضرت در حکایتی خود را «انا صاحب الدار» معرفی کرده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۹)

صاحب الدولة الزهراء

در کتاب هدایه از لقب «صاحب الدولة الزهراء» برای حضرت قائم (عج) یاد شده است.

صاحب الرجعة

«صاحب الرجعة» لقب امام زمان علیه السلام است.

صاحب الزمان

«صاحب الزمان» از القاب مشهور مهدی موعود (عج) است و مراد از آن فرمانفرما و حکمران زمان از جانب خداوند است.

ک اسماعیل نوبختی

صاحب الزمان

نخستین کتابی که از علمای اهل تسنن درباره حضرت مهدی (عج) نوشته شد، کتاب «صاحب الزمان» تألیف «ابوالعباس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی» قاضی صمره (متوفی ۲۷۵ ه.ق) است که شاید تاریخ نگارش آن پیش از تولد امام قائم (عج) باشد. («آخرین

امید»، ص ۲۲۶)

«صاحب السیف» لقب قطب عالم امکان امام مهدی (عج) است. امام صادق علیه السلام راجع به امام عصر (عج) فرمود:

«كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يُجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبَ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ

:همه ما قائم به امر خدائیم، یکی پس از دیگری تا زمانی که، صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده می آورد». («اصول

کافی»، ج ۱، ص ۵۳۶)

صاحب الغیبه

«صاحب الغیبه»، لقب امام عصر (عج) است.

صاحب الكرة البيضاء

در کتاب هدایه، «صاحب الكرة البيضاء» از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است.

ک بقیه الانبیاء

صاحب الناحیه

اطلاق لقب «صاحب الناحیه» به مهدی موعود (عج) در اخبار فراوان است ولیکن علمای رجال فرموده اند که بر امام حسن عسکری

علیه السلام بلکه بر امام علی النقی علیه السلام نیز اطلاق می شود.

کفعمی در حاشیه «مصباح» خود گفته که، صاحب الامر (عج) در غیبت صغری در آنجا بود. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۰)

صافیہ ک اقامتگاہ قائم (عج) در غیبت کبری

صالح

«صالح» لقب مهدی موعود (عج) است.

صالحیہ ک اقامتگاہ قائم (عج) در غیبت کبری

صبح ازل ک یحیی نوری

صبح مُسْفَر

«صُبُّ ح مُسْفَر» از القاب خاصّه حضرت مهدی (عج) است که احتمال دارد آن را از آیه شریفه

«وَالصُّبْحَ إِذَا أَسْفَرَ (مدثر / ۳۴)

: و سوگند به صبح هنگامی که چهره بگشاید»

استنباط کرده باشند و مناسبت آن به حضرت قائم (عج) چون صبح صادق، روشن و هویداست. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۰)

صِدْق

«صدق» لقب امام غائب (عج) است.

صدقه دادن

یکی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر (عج) صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک آن امام عزیز، در هر وقت است. چرا که هیچ نفسی عزیز و گرامی تر از وجود امام قائم (عج) نمی باشد، حتی نفس خود آدمی. اگر چنین نباشد در ایمان نقصان و در اعتقاد خلل و سستی است. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۴)

صراط

«صراط» لقب امام زمان (عج) است.

صقیل

«صقیل» از نامهای مادر گرامی امام عصر (عج) است. هر شیء نورانی، صیقیلی و جلا داده شده را، «صیقل» می گویند.

علامه مجلسی می فرماید: «نرجس خاتون پس از آنکه به آن وجود نورانی حامله شد، هاله ای از نور و ضیاء او را فرا گرفت، آنگاه به جهت این نورانیّت فوق العاده، او را «صیقل» نام نهادند.» («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵)

صلوات بر قائم (عج)

شخصی خدمت امام حسن عسکری (عج) رسید و از آن حضرت خواست تا کیفیت صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت را، بیان کند. امام عسکری علیه السلام برای هر سک از چهارده معصوم علیهم السلام صلوات جداگانه ای قرائت فرمودند.

صلوات بر قائم (عج) اینگونه آغاز می شود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ...» («مفاتيح الجنان»، باب سوّم، (بخش صلوات بر حجج طاهره (ع)))

صمصامُ الاكبر

«صمصامُ الاكبر» (شمشیر تیز بزرگ)، نام امام دوازدهم (عج) در کتاب «کندرال» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۰)

صیحه آسمانی

از علائم حتمیه امام زمان (عج)، «صیحه آسمانی» است. «صیحه آسمانی» یهنی شنیده شدن فریادی از فضا.

امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت قائم (عج) در مکه داخل شود و در جانب خانه کعبه ظاهر گردد و چون آفتاب بلند شود از پیش قرص آفتاب منادس ندا کند (که همه اهل زمین و آسمان بشنوند): ای گروه خلائق آگاه باشید که این مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. او را به نام و کنیه جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یاد کنید» («منتهی الامال»، باب ۱۴، فصل ۷)

ض

ضحی

«ضحی» لقب حضرت قائم (عج) است. در «تأویل الآیات» شیخ شرف الدین نجفی، در تفسیر آیه مبارکه

«وَالشَّمْسُ وَ ضُحِيهَا (شمس / ۱)

: به خورشید و گسترش نور آن سوگند»

روایت شده که «شمس» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و «ضُحی» قائم (عج) است. و در بعضی نسخ، خروج آن حضرت است. (نجم الثاقب، باب ۲، ص ۸۰)

ضیاء

«ضیاء» (نور و روشنایی)، لقب حضرت مهدی (عج) است.

ط

طاعون سفید و سرخ

از جمله علائم قیام قائم (عج) شیوع «طاعون» (کنایه از مرگ) است. ابا بصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم؛ «فدایت شوم خروج قائم (عج) کی خواهد بود؟» حضرت فرمود: «... ای ابا محمد به ناچار باید پیش از این کار دو طاعون روی دهد، طاعون سفید و طاعون سرخ»، عرض کردم: فدایت شوم، طاعون سفید چیست؟ و طاعون سرخ کدام است؟

حضرت در پاسخ فرمودند: «اما طاعون سفید، مرگ همگانی خواهد بود و اما طاعون سرخ عبارت از مُردن به وسیله شمشیر است». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹)

طالب التّراث

«طالب التّراث» در کتاب «هدایه» از القاب مهدی موعود (عج) شمرده شده است.

ک تراث رسول خدا ۶

طالقان

در احادیث مربوط به امام زمان (عج) نامی از طالقان هم به میان آمده است که عنوان شده، تعدادی - به روایتی ۲۴ نفر- از یاران امام زمان (عج) از این دیار خواهند بود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنج‌هایی نهاده که از طلا و نقره نیست بلکه مردان مؤمنی هستند که به طور شایسته خدا را شناخته اند و در آخر الزمان یاوران امام قائم (عج) خواهند بود.» («المجانس السنیه»، ج ۵، ص ۶۹۷)

با اینکه در جغرافیای قدیم اسلام، دو سه طالقان نام برده شده است، به احتمال قوی مراد از آن، همین طالقان معروف و آبادیهای مربوط به آن است، که در ناحیه مرکزی ایران قرار دارد. («خورشید مغرب»، ص ۳۲۱)

طاهرک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

طَرید

حضرت قائم (عج) به طور مکرر در اخبار به لقب «طَرید» خوانده شده و معنی آن شبیه به لقب «شرید» است.

ک شرید

طلوع خورشید از مغرب

در علائم ظهور امام قائم (عج)، سخن از طلوع خورشید از مغرب رفته است. در برخی احادیث این امر، اینگونه بیان شده است:

خورشید به هنگام ظهر، در آسمان راکد شود (آسمان به سختی تیره گردد، و خورشید ناپدید شود، چنانکه گویی غروب کرده است) و ساعتی چند تا به هنگام عصر، پیدا نباشد، آنگاه (که به جانب مغرب رسیده باشد)، از مغرب ظاهر گردد. («الارشاد»، ص ۳۵۷)

در برخی از روایات این مطلب نیز آمده است که: «آیت و نشانه ای و سیمایی در خورشید پدیدار گردد». و در برخی آثار رسیده است که «مهدی، خود، همان خورشیدی است که از مغرب (محل غروب کردن) خویش طلوع خواهد کرد

(وَ هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا) («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۹۵)

طول عمر قائم (عج)

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم شیخ صدوق به بعد مطرح بوده که، چگونه ممکن است، حضرت مهدی آنقدر یا بیشتر عمر کند؟

از نظر علمی، برخی زیست شناسان می گویند: «انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند، اینکه انسان ۷۰ یا ۸۰ سال عمر می کند، برای آن است که عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهای دیگر سرایت می کند».

و از آزمایشاتی که دانشمندان، روی حشرات و سلولها و گیاهان کرده اند نشان می دهد که گاهی عمر آنها را به صدها و بلکه به هزارها برابر رسانده اند.

اما از نظر دین، در روایات مذهبی می خوانیم که حضرت ادريس عليه السلام، حضرت الیاس عليه السلام، حضرت خضر عليه السلام و حضرت عیسی عليه السلام هنوز زنده اند و در قرآن می خوانیم که: نوح در میان قوم ۹۵۰ سال درنگ کرد.

بنابراین چه مانعی دارد که خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و با بکار گرفتن آن، عمر را بسیار کند.

(«حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۸۲ به بعد)

طول عمر یاران قائم (عج)

از جمله خصائص قیام قائم (عج) طول عمر یاران آن حضرت است. در روایات اسلامی وارد شده که هر مرد در مُلک و حکومت آن جناب آنقدر عمر کند تا اینکه برای او هزار پسر متولد می شود. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۲۶)

ظ

ظلوم

«ظلوم» از جزایری است که یکی از فرزندان حضرت مهدی (عج) بر آن حکومت می کند.

کاقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

عاشورا و قیام قائم (عج)

طبق برخی از روایات، امام قائم (عج) در روز عاشورا قیام می فرمایند. («کشف الغمّه»، ج ۳، ص ۴۶۰)

ارتباط بین روز عاشورا و روز قیام قائم (عج)، یک رابطه ملموس و قابل درک برای هر انسان عاقلی است. چرا که راه و هدف مهدی (عج) همان هدف امام حسین علیه السلام در ابعاد وسیع و گسترده جهانی است.

در روز عاشورا شمشیر حکم می کرد و در قیام ولی عصر (عج) هم شمشیر پاسخگوی بسیاری از نارسائیهها خواهد بود.

عاشورا دغدغه ای نهفته در وجود انسانهای مسلمان است و انتظار فرج و قیام مهدی (عج) هم چیزی است که با سرشت آنان عجین شده است.

اگر واقعه عاشورا با مقدماتی تلخ و کار شکنیهای یاران یزید به وقوع پیوست، قیام قائم هم با خروج سفیانی ها و دجالها که موانع اجرای احکام الهی هستند، به منصه ظهور خواهد رسید... عاشورای حسینی نمونه بزرگی برای قیام بزرگتر مهدی موعود (عج) خواهد بود.

عاقبة الدار

«عاقبة الدار»، لقب امام زمان (عج) است.

عالم

در کتاب «ذخیره الالباب»، «عالم» از القاب حضرت مهدی (عج) نامیده شده است.

عباس بن هشام ناشری

«ابو الفضل، عباس بن هشام ناشری»، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفی سال ۲۲۰ ه.ق است. وی کتابی به نام «غیبت» دارد.

(«رجال» شیخ طوسی، ص ۳۸۴)

عبد الرحمن ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

عبدالله

«عبدالله» از اسامی مبارک امام فصر (عج) است.

ک احمد

عبدالله

«عبدالله»، نام شش نفر از «أبدال» است. آنان نخستین افراد از ۳۱۳ نفر یاران مخصوص قائم (عج) هستند که به ایشان می پیوندند.
(«الاول»، ص ۳۳)

ک ابدال

عبدالله سوری

«عبدالله سوری»، کسانی است که در دوران کودکی حضرت حجّت (عج)، او را در بستان بنی عامر دیده است. («اکمال الدّین و...»، ص ۴۴۱)

عبیدالله بن محمّد

«عبیدالله بن محمّد» از شیعیان امامی بود که در سال ۲۵۹ ه.ق متولّد و در سال ۳۲۲ ه.ق در گذشت. وی مؤسس دولت فاطمیان در مغرب بود که دعوی مهدویّت کرد و شهر «مهدیه» را در سال ۳۰۳ ه.ق بنیاد گذارد. («آخرین امید»، ص ۲۱۲)

عثمان بن سعید

«ابو عمر، عثمان بن سعید اسدی عمروی (عمری)» از یاران و شاگردان مورد وثوق امام هادی علیه السّلام و امام حسن عسکری علیه السّلام بود. او را «سمّان» و «زیّات» یعنی «روغن فروش» هم می گفتند. این شغل بخاطر بعضی از مصالح و تقیّه و اختفاء امر نیابت بود. شیعیان اموالی را که برای امام حسن عسکری علیه السّلام می آوردند و به او تسلیم می کردند، او آنها را در داخل خیک روغن می گذاشت و به خدمت آن بزرگوار می فرستاد. امام حسن عسکری علیه السّلام چون نام طولانی او را شنید، فرمودند: «کنیه (ابن عثمان) و (ابو عمرو) در یک مرد جمع نمی شود» و لذا دستور داد که کنیه او را که «ابو عمرو» باشد بر هم بزنند و وی را «عمری» نامیدند.
(«بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۴۴)

پس از درگذشت امام حسن عسکری علیه السّلام، «عثمان بن سعید» امام را غسل داد و کفن کرد و حنوط نمود و به خاک سپرد.
(همان مدرک، ص ۳۴۶)

در این زمان که امر غیبت صغری هم آغاز گردید، «عثمان بن سعید» از سوی حضرت مهدی (عج) به عنوان نخستین نائب خاص آن حضرت، منصوب گشت و واسطه میان امام و شیعیان شد. رحلت او را بعد از سال ۲۶۰ ه.ق ذکر کرده اند. هنگامی که وی درگذشت، جسدش را در جانب غربی بغداد در «شارع الميدان»، که نزدیک دروازه قبلی قرار داشت، به خاک سپردند و قبر در خود قبله مسجد است.
(«آخرین امید»، ص ۸۰)

عدل

«عدل» لقب امام زمان (عج) است.

عزّة

«عزّة» از القاب حضرت حجّت (عج) است.

عسکریه

«عسکریه»، نام فرقه ای است که امام حسن عسکری علیه السّلام را امام قائم می دانند و قائلند که او نمرده و برخی گفته اند که وفات کرده و بعد از آن زنده شده است. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۶)

عصائب

طبق برخی روایات، «عصائب» یاران حضرت مهدی (عج) در عراق هستند که هنگام ظهور آن حضرت خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۶۹۹)

با توجه به معنی «عصائب» که جمع عصبه و به معنی «جوانمردان رشید و نیرومند» است، به این نتیجه می‌رسیم که یاران مهدی (عج) باید چنین باشند.

عصای حضرت موسی علیه السلام

از جمله خصائص و ویژگیهای حضرت قائم (عج) در هنگام ظهور این است که «عصای حضرت موسی علیه السلام» همراه آن حضرت می‌باشد.

در «الغیبه» نعمانی روایتی است از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند: «عصای حضرت موسی از شاخه درخت آس بود که در بهشت کاشته شده بود و هنگامی که به سمت مدین رفت، جبرئیل آن را برای او آورد و آن عصا و تابوت حضرت آدم علیه السلام در دیباچه طبریه است و کهنه و متغیر نمی‌شود تا اینکه آنها را قائم (عج) هنگام خروج، بیرون آورد.» («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۶)

در روایتی دیگر عنوان شده که آن عصا در غاری در انطاکیه است.

ک انطاکیه

عصر

«عصر» لقب مهدی موعود است. این نام در قرآن مجید هم مذکور است، آنجا که می‌فرماید:

«وَالْعَصْرُ (عصر / ۱)

سوگند به عصر».

مفسرین یکی از وجوه تفسیری این آیه را، عصر حضرت بقیة الله (عج) عنوان کرده اند. («نورالثقلین»، ج ۵، ص ۶۶۶)

عقبه افیق شام ک دجال

عقید

«عقید»، خادم امام حسن عسکری علیه السلام بود که مکرر به دیدار حضرت مهدی (عج) نائل شده و او اوصاف مبارکش را بازگو کرده است. و هنگامی که امام علیه السلام می خواست فرزند بزرگوارش را به حضور بطلبد به او دستور می داد که داخل خانه شده، آن حضرت را به محضر پدر بزرگوار بیاورد. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۶)

عقیقه

«گوسفندی را که به عنوان حفظ جان نوزاد و طفل از گزند حوادث قربانی می کنند، «عقیقه» می گویند». («وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ص ۴۸۹)

پس از نولد مهدی موعود (عج)، امام حسن عسکری علیه السلام دو گوسفند برای «ابراهیم بن ادريس» می فرستد و می نویسد:

«این گوسفندها را ذبح کرده، به عنوان عقیقه مولایت (حضرت قائم «عج») بخور و برادرانت را دعوت کرده اطعام بده»

آن امام بزرگوار همین عمل را به چندین نفر دیگر هم توصیه می کنند تا انجام دهند. («الغیبه»، شیخ طوسی، ص ۱۴۸)

علائم حتمیه

عالماتی که بیانگر ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) می باشد، دو قسم است:

یکی علامات حتمیه و دیگری علامات غیر حتمیه. برخی از علامات حتمیه بدین ترتیب است:

خروج دجال، صیحه و نداء آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیداء، قتل نفس زکیه، خروج سید حسنی، ظاهر شدن کف دستی در آسمان، کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر آن، آیات و علاماتی که در ماه رجب ظاهر می شود و اختلاف بنی عباس و انقراض دولت ایشان.

قسمی دیگر از علائم ظهور، علائم حتمیه است. (این علائم بسیار است که بعضی از آنها ظاهر شده و برخی هنوز واقع نشده است).

«حاج شیخ عباس قمی» در کتاب «منتهی الآمال»، باب چهاردهم، فصل هفتم، علاوه بر ذکر علائم حتمیه، به ذکر ۲۱ مورد از علائم غیر حتمیه پرداخته است که چند نمونه آن در ذیل می آید:

«خراب شدن مسجد کوفه»، جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه های کوفه، ظاهر شدن ستاره دنباله دار در نزدیکی ستاره جُدی، خراب شدن مسجد براتنا، مسخ شدن طایفه ای به صورت میمون و خوکها و ...»

علائم غیر حتمیهک علائم حتمیه

علامه حلّی

«جمال الدین، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی» معروف به «علامه حلّی»، از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ ه.ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. او در تمام علوم اسلامی استاد ماهری بود و تألیفات او را بیش از ۵۰۰ جلد تخمین زده اند. وی «سلطان محمد خدابنده» پادشاه مغول را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بزرگی به مذهب جعفری نمود.

«علامه حلّی» از کسانی است که به دیدار آقا امام زمان (عج) نائل آمده و از وجود این خورشید فروزان بهره ها برده است. («حضرت

مهدی (عج)، فروغ ...»، ص ۲۴۹)

علقمیه کافمتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

علی اعرج کوفی

«ابوالحسن، علی بن عمر اعرج کوفی» از یاران امام کاظم علیه السلام بود. وی کتابی به نام «الغیبة» درباره مهدی صاحب الزمان (عج) نوشته است. («رجال» نجاشی، ص ۱۹۴)

علی بن بلال

«علی بن بلال»، از شخصیت‌های بزرگ و مورد اعتماد شیعه است که شهادت داده، امام حسن عسکری علیه السلام، فرزندش مهدی (عج) را به چهل نفر از شیعیان نشان داده و خود او یکی از آنها بوده است. («ینابیع المودة»، ج ۳، ص ۱۲۳)

علی بن حسن طائی

«ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری) معاصر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بود. وی کتابی به نام «الغیبة» درباره حضرت قائم (عج) نوشته است. («فهرست شیخ طوسی»، ص ۱۱۸)

علی بن فاضل مازندرانی

«شیخ زین الدین، علی بن فاضل» اهل مازندران و از شهرکی به نام «إبریم» بود. («نجم الثاقب»، ص ۲۹۶)

وی یکی از شیوخ صالح باور و ساکن نجف اشرف بود که در حدود سال ۶۹۰ ه. ق طی یک ماجرائی که خودش نقل کرده است وارد «جزیره خضراء» شده و در آنجا با یاران خاص آن حضرت به گفتگو نشست است.

«علی بن فاضل»، داستان خود را به طور مفصل همراه با مسائلی در کتابی به نام «الفوائد الشمسیة» آورده است.

خلاصه ماجرا از زبان علی بن فاضل مازندرانی:

«وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم، مرکبهای از بلاد امام عصر (عج) وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیر مردی بود که چون مرا دید گفت: نام تو چیست؟ گمان می کنم علی باشد.

گفتم آری،

گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد.

گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می شناسی.

گفت: بدان که نام واصل و وصف و خصوصیات تو را برای من بیان کرده اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.

بسیار خوشحال شدم. مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست؟

گفت: بحر ایض است و آن، جزیره خضراء است، که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتیها و وسائل نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می شوند و به آن حضرت دست نیابند.

سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی به نام «سید شمس الدین» را دیدم که می گفت: من از نوه های امام عصر (عج) هستم. (نوه پنجم). پس از گفتگوئی به او گفتم: هرگز امام را دیده ای؟

گفت: «نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده ام و خودش را ندیده ام و اما جدم، هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است.»

آنگاه با آن سید از شهر بسرون رفتیم و به پیر مردی رسیدیم، از سید احوال آن پیر مرد را پرسیدم، گفت: «این کوه را می بینی، در وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه ای است و کنار چشمه، قبه ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبه است، من هر صبح جمعه می روم آنجا خدمت امام عصر (عج) (البته با توجه به آغاز ماجرا خود امام را نمی بیند و صدایش را نمی شنود) و در قبه دو رکعت نماز می خوانم و کاغذی می یابم که در آن حکم مرافعه ای را که در هفته به من رجوع می کنند در آن نوشته، کاغذ را برمی دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می کنم.»

علی بن فاضل می گوید: از خادمها خواهش کردم مرا به حضور امام (عج) ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن رفیقم به من گفت: «دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت روا نیست.» (حضرت مهدی (عج)، فروغ...، ص ۶۸ به نقل از «اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۳۷۱)

علی بن محمد سیمری

«شیخ ابوالحسن، علی بن محمد سیمری»، چهارمین و آخرین نائب امام عصر (عج) در دوران غیبت صغری بود. او در بغداد در خیابان خلنجی جنب «ربع المحول» نزدیک نهر ابو عتاب و نزدیک آرامگاه «شیخ کلینی» به خاک سپرده شد.

او پس از درگذشت «حسین بن روح» که در شعبان سال ۳۲۶ ه.ق واقع شد به نیابت مولای خویش برگزیده شد. و قبل از مرگش، از جانب امام زمان (عج) مأمور گشت تا به کسی وصیت نکند، و کسی را به عنوان «نائب خاص» معرفی ننمایند، و آغاز «غیبت کبری» را اعلام دارد.

علی بن مهزیار

«علی بن مهزیار» یکی از زیارت کنندگان جمال عالم آرای یوسف زهراء (س)، حضرت حجت (عج) است. او می گوید:

«بیست حج به قصد اینکه حضرت صاحب الامر را ببینم انجام دادم اما میسر نشد. شبی در رختخواب خود خوابیده بودم، صدائی شنیدم که کسی گفت: ای فرزند مهزیار! امسال به خدمت امام زمان خود خواهی رسید...»

و او به آرزویش رسید. (شرح داستان در کتاب «منتهی الامال»، باب ۱۴، فصل ۳، مطالعه کنید.)

در کتب حدیث از سه تن به نام «ابن مهزیار» نام برده شده است که هر کدام روایات و حکایات جداگانه ای دارند. علامه نوری در «نجم الثاقب»، باب هفتم، می گوید: «به نظر حقیر اشتباهی در اسم شده و حکایت «علی» را گاهی به او نسبت می دهند و گاهی به «ابراهیم» و گاهی به «محمد» و واقعه های گوناگون نقل می کنند، و ظاهراً یک واقعه باشد والله العالم». (برای آگاهی بیشتر ر.ک به پا ورقی ص ۷۷۹ کتاب مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحار الانوار))

عمر بن یزید

«عمر بن یزید» برده فروشی بود که ملیکه (مادر امام زمان (عج)) را به فرستاده امام علی النقی علیه السلام (بشر بن سلیمان) فروخت. (منتهی الامال باب ۱۴، فصل اول.)

ک بشر بن سلیمان نخاس

عمرو اهوازی

«عمرو اهوازی» از کسانی است که امام قائم (عج) را در دوران حیات امام عسکری علیه السلام زیارت کرده است.

او می گوید: «حضرت عسکری علیه السلام، فرزند بزرگوارش را به من نشان داد و فرمود: «این صاحب شماس است». (الغیبه شیخ طوسی ص ۱۴۰)

عوالیک دشت حجاز

عوف سلمی

یکی از کسانی که قبل از آمدن حضرت قائم (عج) از «تکریت» خروج خواهد کرد و در دمشق به قتل خواهد رسید، «عوف سلمی» است.

این مطلب در حدیثی از امام سجّاد علیه السّلام بیان شده است. (بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۱۳)

عَین

«عین» لقب امام عصر (عج) است. لفظ «عین الله» در زیارت آن حضرت هم وجود دارد و اطلاق آن بر همه ائمه علیهم السّلام شایع است.

غارت پرده کعبه

یکی از علائم قیام حضرت قائم (عج)، «به غارت بردن پرده خانه کعبه» است.

غائب

«غائب» لقب حضرت مهدی (عج) است.

غایة الطّالبین

از القاب امام زمان (عج) می توان به «غایة الطالین» اشاره کرد.

غایة القصوی

«غایة القصوی» یعنی مقصود نهائی و از القاب امام دوازدهم شیعیان (عج)، که در کتاب هدایه ذکر شده است.

غریم

«غریم» از القاب خاصه امام قائم (عج) است و در اخبار اطلاق آن بر حضرت شایع است. «غریم» هم به معنی طلبکار و هم به معنی اول است و این لقب مثل «غلام» در تعبیر آن حضرت از روی تقیه بوده است.

هنگامی که شیعیان می خواستند مالی نزد آن حضرت یا وکلایش بفرستد یا وصیت کنند یا از ایشان مطالبه کنند به این لقب می خواندند و از آن حضرت غالب ارباب زرع و تجارت و حرفه و صنعت طلبکار بود.

علامه مجلسی فرموده است: «ممکن است غریم به معنی بدهکار باشد و نام بردن از آن حضرت به این اسم از جهت تشبیه آن جناب به شخص مدیون باشد که خود را از مردم به علت قرضهای خود مخفی می کند، یا آنکه چون مردم آن حضرت را طلب می کنند تا علوم و شرایع را از ایشان یاد بگیرند، آن جناب از آنان به جهت تقیه می گریزد. پس آن حضرت غریم مستتر است.» («منتهی الامال»، باب ۱۴، فصل اول.)

غَضَاء

«غضباء» نام ناقه رسول خداست که حضرت صاحب الزمان (عج) هنگام ظهور و خروج همراه خود خواهند آورد. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۵)

غلام

لقب «غلام» در زبان روایات و اصحاب، مکرر به حضرت صاحب الامر اطلاق شده است.

غلام احمد ک احمدیّه

غَوْثُ

«غَوْثُ» از القاب خاصّه حضرت مهدی (عج) است که در زیارت معتبره وارد شده و معنی آن «فریاد رس» است.

غَوْثُ الْفُقَرَاءِ

«غَوْثُ الْفُقَرَاءِ» لقب حضرت ولی عصر (عج) است.

ک بقیّه الانبیاء

غیب

در کتاب «ذخیره‌الالباب»، «غیب» از نامهای حضرت قائم (عج) شمرده شده که در قرآن هم مذکور است و امام صادق علیه السلام در

تفسیر آیه شریفه:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (بقره/۳۲)

: آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است * (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می

آورند».

فرمود: متّقین شیعیان علی بن ابی طالب هستند و اما غیب، پس او غائب است و شاهد بر این قول خداوند که می فرماید:

«وَيَقُولُونَ لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ (يونس/ ۲۰)

:«و می گویند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگارش. پس بگو نیست غیب مگر خدای را پس منتظر باشد به درستی که من با شما از منتظرانم»

یعنی برای آمدن آن غیب، از آیات خداوندی است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۸۲)

«الغیبه» طوسی

کتاب «الغیبه» تألیف «شیخ الطائفه ابی محمد بن الحسن طوسی» (متوفی ۴۶۰ هجری قمری) است.

«شیخ طوسی» در این کتاب جدیدترین استدلالات، هم از نظر روایتی و هم از لحاظ کلامی را در توجیه غیبت کبرای امام دوازدهم (عج) به کار می برد و با استفاده از احادیث و استدلال عقلی ثابت می کند که امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) است که باید در پرده غیبت به سر برد.

«شیخ طوسی» اطلاعات تاریخ موثقی را در مورد فعالیت های مخفی چهار نایب خاص امام دوازدهم به نقل از کتاب مفقود شده ای تحت عنوان «الاکخبار الوکلاء الاربعه» نوشته «احمد بن نوح بصری» ارائه می دهد. («آخرین امید»، ص ۱۷۱)

ک البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان

«الغیبه» نعمانی

در کتاب «الغیبه» اثر «محمد بن ابراهیم بن جعفر» معروف به «نعمانی» است. «نعمانی» چون پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام دید جوامع شیعه را هاله ای از حیرت و شگفتی فرا گرفته است، کتاب «الغیبه» را نوشت، وی کوشید تا ضرورت غیبت امام دوازدهم را با نقل احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام که غیبت آن بزرگوار را پیش بینی کرده اند، اثبات کند. («آخرین امید»، ص ۱۶۷)

ک البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان.

غیبت شأنیه

با توجه به شئون و تصرفات گوناگون امام در جهان، به این نتیجه می رسیم که غیبت حجت خدا غیبت کلی نیست، بلکه این غیبت و عدم حضور، غیبت جزئی است، یعنی: غیبت و عدم حضور در شأنی از شئون ولایت. و آن شأن، معاشرت با مردم و هدایت مستقیم اجتماع بشری و تشکیل حکومت حق است.

امام عصر (عج) در عصر غیبت، در همین یک شأن از شئون ولایت و مقامات و تصرفات خویش غائب است و در دیگر شئون، حاضر، نافذ و فعال است.

این یک واقعیّت شناختی بزرگ است که از آن در ابواب معرفت به «غیبت شأنیه» تعبیر می شود. امام در عصر غیبت، دارای «غیبت شأنیه» و «حضرت (حاضر بودن) شئونیّه» است. آن حضرت در یک شأن و امر غائب و در بقیّه حاضر است، زیرا که این شئون و حضور، در ارتباط مستقیم با بقاء و امتداد تکون کائنات است. («خورشید مغرب»، ص ۱۸۴)

غیبت صغری

پس از هجوم مأموران خلیفه عباسی، به خانه امام حسن عسکری علیه السلام و جستجوی فرزند و جانشین آن امام، روشن گشت، خطری که جان امام آینده را تهدید می کند، خطری بس سهمگین است. این هجوم و پیگیری، در پیدا کردن مهدی (عج) ایجاب می کرد تا برای نگهداری جان باقی مانده سلسله امامت. سلاله نبوت و مصلح بزرگ بشریت، اقدامی بس جدی به عمل آید.

و همین زمان بود که به توجّه به احوالاتی، به فرمان الهی، و به قدرت و حکمت خدائی، آن حضرت از نظرها پنهان گردید و امر عظیم «غیبت» پدیدار شد.

این غیبت به دو مرحله تقسیم گشت: مرحله کوتاه مدّت (غیبت صغری) و مرحله دراز مدّت (مرحله کبری).

غیبت صغری امام زمان (عج) از دو جهت محدود بود: از جهت زمانی و از جهت شعاعی. از نظر زمانی، بیش از هفتاد سال به طول نینجامید، یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری. از نظر شعاعی نیز، این غیبت، غیبتی همه جانبه نبود، و شعاع و دامنه آن محدود بود. یعنی در طول این مدّت، اگر چه امام از نظرها پنهان بود، ولیکن این غیبت پنهانی نسبت به همه کس نبود، بلکه کسانی بودند که به صورت پنهانی با امام در تماس بودند. اینان نائبان خاصّ امام بودند، کارهای مردم را می گذرانیدند، نامه ها و سوّالات مردم را به نزد امام می بردند- یا می فرستادند - و پاسخ امام را به مردم می رساندند. («همان مدرک»، ص ۴۲)

ک رشیق، نوّاب اربعه

غیبت کبری

پس از گذشتن غیبت صغری، دوره غیبت کبری و دراز مدّت آغاز گردید. و این غیبت تا کنون ادامه یافته است.

در این مدّت طولانی است که بزرگترین مرحله آزمایش و امتحان، در دار طبیعت و سنجش ایمان و عمل خلق وجود دارد، تا معلوم گردد در خلال این روزگاران، در هر نقطه از جهان، چگونه استفاده می برند و چه نتیجه ای می گیرند و افراد در برابر احساس وظیفه چه می کنند و علّت به وجود آمدن چه اعمال و حوادثی و آثار و افکار و رفتاری می شوند... («همان مدرک»، ص ۴۳)

«فاضل» نام زره رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که حضرت قائم (عج) هنگام ظهور همراه خود دارند. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

فایده غیبت طولانی قائم (عج)

امام قائم (عج) به خاطر عدم پذیرش جامعه از نظرها پنهان است، اگر او همچون امامان معصوم علیهم السلام دیگر آشکار بود، مردم همان که با امامان کردند با او می کردند، اما او غائب است تا مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان پیدا کنند.

از جمله فوائد غیبت امام قائم (عج) می توان به این مورد اشاره کرد:

۱- غیبت او به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که دارای چنین رهبری هستند، با توجه به این که امید، سازنده است.

۲- غیبت آن حضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.

۳- گفتگو درباره قیام مهدی (عج) در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدفداری و ... می شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آن حضرت مهیا می گردد.

۴- شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و بر اندازی آن موانع، نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم (عج) می باشد.

۵- طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه ها شده و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرّقه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه، رنج ظلم و فساد را نبرند، آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد.

۶- غیبت امتحانی است که خداوند شیعیان را در معرض آزمایش قرار داده تا معلوم شود چه کسی ثابت قدم و استوار در امامت امام دوازدهم باقی خواهد ماند.

۷- غیبت دلائلی دارد که به امامان اجازه افشای آن داده نشده است و ... («آخرین امید»، ص ۱۷۲-۱۸۰)

فتح

«فتح» لقب مهدی موعود (عج) است. در روایات آمده که در آیه شریفه

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (نصر/۱)»

: هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد»،

مراد از فتح، مهدی (عج) است.

در تفسیر علی بن ابراهیم، در تفسیر آیه مبارکه

«نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ (صف/۱۳)»

: یاری خداوند و پیروزی نزدیک است»

آمده که به فتح حضرت مهدی (عج) اشاره دارد. («نجم الثاقب»، ص ۸۴)

فتوریسم

«فتوریسم» (fotorism) یعنی اعتقاد به دوره آخر الزمان، و انتظار ظهور منجی، عقیده ای که در کیشهای آسمانی یهودیت (جودائیسیم)، و زردشتی (زوراستریانیسم)، و مسیحیت (در سه مذهب عمده آن: کاتولیک، پروتستان، و ارتدوکس) و مدعیان نبوت عموماً، و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده است. و درباره آن در مباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکال، کاملاً شرح و بسط داده شده است. («خورشید مغرب»، ص ۵۲)

فجر

«فجر» لقبی برای حضرت صاحب الزمان (عج) است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر کلام خداوند که می فرماید:

«وَالْفَجْرُ (فجر/۱)»

قسم به فجر»

فرمود: «مراد از فجر، قائم (عج) است».

همچنین آن حضرت در تفسیر سوره مبارکه قدر و آیه آخر این سوره: «... حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ،

.. تا هنگام طلوع فجر»

«تا آنکه قائم ما برخیزد و ظاهر شود» («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۴ و ۱۱۷)

فرائد

«فرائد» نام کتاب «میرزا ابوالفضل گلپایگانی» است. به قول خود وی این کتاب را در استدلال به صحت دعوی باب و بهاء نوشته و مشتمل بر سه فصل: استدلال به آیات قرآنی و استدلال به احادیث و به اخبار و تقریر است.

اساس سایر نوشته های بهائیگری در نقل آیات و روایات و شواهد تاریخی و تأویل هر مطلبی به نفع دعوی باب و بهاء، دو کتاب «فرائد» و «ایقان» است.

ک ایقان

فرج الاعظم

در کتاب «هدایه»، «فرج الاعظم»، لقب مهدی موعود (عج) عنوان شده است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «هر گاه عالم شما از میان شما غائب شد پس منتظر «فرج الاعظم» باشید. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۴ و ۱۱۷)

فرج المؤمنین

«فرج المؤمنین» لقب امام عصر (عج) است. در اخبار ولادت مهدی موعود آمده که،

«حکیمه خاتون» به «نرجس» گفت: خداوند امشب به تو غلامی می بخشد که

در دنیا و آخرت سیّد (آقا) و او «فرج المؤمنین» است. (همان مدرک)

فرخنده

«فرخنده» نام حضرت ولی عصر (عج) در کتاب اشعیای پیامبر علیه السّلام است.

(همان مدرک)

فردوس الاکبر

در کتاب «ذخیره الالباب» ذکر شده که «فردوس الاکبر» نامی است که در کتاب قبرس

رومیان به امام زمان (عج) اطلاق شده است.

فرزندان قائم (عج) ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

الفصول العشرة فی الغیبة

کتاب «الفصول العشرة فی الغیبة» تألیف «محمد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید» (متوفی ۴۱۳ هجری قمری) است.

وی مرجع تقلید شیعیان امامیه بود، در زمان او بود که تعمّق در مباحث کلامی غیبت آ آغاز شد. او در این کتاب می کوشد تا وجود

امام غائب را بر اساس دو اصل ضرورت وجود امام در هر دوره از زمان و عصمت آن حضرت، اثبات کند.

ک البرهان علی صحه طول عمر امام صاحب الزمان (عج)

فضل بن شاذان

«ابو محمد، فضل بن شاذان اُزدی» از اصحاب امام رضا علیه السلام بود. وی عمر طولانی و با برکتی داشته است. «فضل بن شاذان»، ۱۸۰ جلد کتاب در دفاع از حریم تشیع نوشته، که یکی از آنها کتاب «الغیبه» پیرامون امام قائم (عج) است.

وی در سال ۲۶۰ هجری قمری در گذشت. («رجال»، شیخ طوسی، ص ۴۲۰)

فضل بن یحیی

«فضل بن یحیی طیبی» نویسنده قرن هفتم است. وی اهل کوفه و مقیم «واسط» بود و به شغل کتابت اشتغال داشت. و جزء دوازده نفری است که «کشف الغمه» را در حضور مؤلفش (علی بن عیسی اربلی) فرا گرفتند.

او در تاریخ ۱۱ شوال ۶۶۹ هجری قمری، مشروح داستان «علی بن فاضل مازندرانی» که در جزیره خضراء به خدمت امام قائم (عج) مشرف شده است را از زبان خودش (علی بن فاضل) در حله شنیده و آن را در کتابی به نام «الجزیره الخضراء» گردآوری کرده است.

این کتاب مورد توجه علمای شیعه واقع شده و آن را در کتابهای خود درج کرده یا به آن استناد نموده اند. تاریخ وفات «فضل» در دست نیست، فقط مشخص است که وی تا سال ۶۹۹ هجری قمری زنده بوده است. («جزیره الخضراء»، ص ۵۳ و ۱۹۳)

ک علی بن فاضل

فطحیه

«فتحیه» نام فرقه ای است که اعتقاد به امامت «عبد الله افطح» دارند و او را مهدی موعود (عج) می دانند. («مهدی موعود»، ص ۴۳۱)

«عبد الله افطح» پسر امام جعفر صادق علیه السلام بود. چون سر یا دو پای عبد الله پهن بود، از این رو «افطح» و پیروانش را «افطحیه» یا «فطحیه» نامیدند. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۶۰۱)

فقیه

«فقیه» لقب امام زمان علیه السلام است.

الفوائد الشمسیه

«الفوائد الشمسیه» نام کتابی مشتمل بر بیش از ۹۰ مسأله که «علی بن فاضل مازندرانی» آنچه را که از محضر جناب «سید شمس الدین» در جزیره خضراء استفاده کرده، در این کتاب جمع آوری نموده است

ک سید شمس الدین

فیذموا

«فیذموا» لقب امام قائم (عج) در کتاب «تورات» است.

فیروز

در کتاب «نجم الثاقب» در باره این لقب امام عصر چنین نوشته شده است: «در کتاب «ذخیره الالباب» گفته که فیروزه اسم آن جناب است در نزد آمان، به لغت «ماچار» و در تذکره گفته که در کتاب فرنگان ماچار الامان است». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۳)

۱- «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» (بقره/۱۴۸)

: هر کجا که باشید خداوند شما را حاضر می کند»

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: «منظور یاران قَتْمِ هستند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از اَمّت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند، به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد.» («نور الثقلین»، ج ۱، ص ۱۳۹، «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۴۲)

۲- «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (هود/۸۰) گفت

: (افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می دانستم که به شما پست فطرتان چه کنم)

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از «قوه» همان قائم (عج) است و منظور از «رکن شدید» (پشتیبان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند. («اثبأه الهداة»، ج ۷، ص ۱۰۰)

۳- «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ» (طه/۱۳۰)

: به آنچه مخالفان می گویند استقامت کن.»

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش فرمود: تفسیر این آیه این است که: ای محمد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من به دست مردی از نسل تو که او را به خون ستمگران مسلط کنم از آنها انتقام می گیرم» («اثبأه الهداة»، ج ۷، ص ۱۲۸)

۴- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵)

: «ما در زبور (داوود)، از پس تورات نوشته ایم که سر انجام، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند، اصحاب مهدی (عج) در آخر الزمان هستند» (مجمع البیان ج ۷، ص ۶۶)

۵- «إِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (حدید/۱۷)

: بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند»

امام صادق علیه السلام این آیه را با ظهور امام قائم (عج) تطبیق نمودند و فرمودند:

«خداوند زمین را به عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران ستمگر زنده می گرداند (اثبأه الهداء»، ج ۷، ص ۶۳) «

قرقیسا

«قرقیسا» نام شهری در کنار فرات و آوردگاه سفیانی در زمان قیام قائم (عج) است.

امام علی علیه السلام می فرماید: «سفیانی بر دشمنان در شام پیروز می شود بعد از آن بین او و دشمنان دیگرش در «قرقیسا» جنگی روی می دهد که پرندگان آسمان و درندگان زمین از باقی مانده های کشته ها سیر می شوند. («عقد الدار»، ص ۸۷)

قسط

«قسط» لقب امام زمان (عج) است. قسط یعنی عدل و داد و از آنجا که حضرت قائم (عج) بر پا کننده عدل و داد در گستره جهان خواهند بود، پس چنین لقبی شایسته آن حضرت است.

«قسطنطنیه» منطقه ای واقع در کشور ترکیه است. طبق روایات اسلامی، آنجا از فتوحات حضرت مهدی موعود (عج) خواهد بود. (اعلام الوری، ص ۴۳۲)

در این رابطه رسول اکرم صلی الله فرمود:

«پیش از آنکه قیامت شود، مردی از اهل بیت من به سلطنت رسد و قسطنطنیه و کوههای دیلم (کوههای دیلم نواحی قزوین رو به طرف شمال و منطقه گیلان است) را فتح کند، اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا آنجا را فتح کنند (آخرین امید، ص ۲۴۷)»

در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) متواتر آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می کند، آنچنانکه پر از ظلم و جور شده است. («اثبأ الهداة»، ج ۷، ص ۵۱)

واژه «قسط» بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می رود، که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد که در مقابل جور قرار گرفته است. اما «عدل» یک معنی عامی دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقائد و فرهنگ و سیاست و ... خواهد شد، که در مقابل ظلم است.

«قسط» و «عدل»، هر دو بسیار مهم هستند، ولی رعایت «قسط» به خصوص در حکومت اسلامی جای خاصی دارد. مثلاً در اسلام باید بیت المال به طور مساوی در بین مستحقین، توزیع گردد. شیوه امام علی علیه السلام همین بوده است، داستان آهن گداخته در رابطه با

برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده، شاهد گویائی بر این مطلب است. این همان «قسط» است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۲۴)

قضاوت قائم (عج)

از خصائص حکومت امام قائم (عج) قضاوت کردن او، مانند حضرت داوود علیه السلام است. شیخ مفید می گوید: «چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام کند، مانند حضرت داوود علیه السلام، یعنی بر حسب باطن، قضاوت کند، و بی هیچ نیازی به شاهد حکم کند. مهدی (عج) نقشه های پنهانی هر گروه را بداند و به آنان آن نقشه ها را بگوید. مهدی (عج)، دوست و دشمن خود را، با نگاه بشناسد. («الارشاد»، ص ۳۶۵)»

چگونگی قضاوت حضرت داوود علیه السلام و ماجرای آن در سوره انبیاء، آیه ۷۸ آمده است. (ر.ک. به «تفسیر نمونه»، ج ۱۳، ص ۴۶۵)

قطب

«قطب» از القاب شایعه حضرت ولی عصر (عج) در نزد عرفا و صوفیان است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۹۱)

«در اصطلاح تصوف، (قطب) کسی است که منظور نظر خدای تعالی است در همه زمانها و طلسم اعظم به او داده شده است، و او در کون و اعیان ظاهر و باطن ساریست چون سریان جان در کالبد، قسطاس فیض در کف او و افاضه روح حیات بر کون اعلی و اسفل در دست اوست. وی تنها انسان کاملی است که به نظر صوفیان احاطه اش به جمیع آدمیان محقق است و همه مقامات و حالات تصوف را می دانند. او عقل عالم امکان است و تصرف وی در عقول برای صوفیان مسلم است.» («فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۶۹۰)

قم

یکی از شئون یک حکومت جهانی، و یا فراهم آوردن مقدمات آن، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف، به خصوص از نظر معنوی است. این مراکز همچون پایگاه و هسته های اصلی هستند که می توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار، استفاده کرد.

در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) سه مرکز مکه، کوفه، و قم به خصوص اسم برده شده است. در مورد قم و فضیلت این سرزمین مطالب بسیاری گفته شده است.

امام صادق علیه السلام در باره قم فرمود: «مردم قم یاور قائم (عج) و خواهان حق ما هستند.» آنگاه آن حضرت سر مبارک را به سوی آسمان بلند کرد و عرض نمود: «خدایا! این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده.» («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۳۱۰)

همچنین آن حضرت علیه السلام فرمود: «پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها در شرق و غرب، علم و دانش منتشر می شود، و حجت خداوند بر همه مردم تمام می گردد و کسی نمی ماند که از این سرزمین بهره مند نشده باشد.» («سفینه البحار»، ج ۲، ص ۴۴۶)

«قم چندین نام دارد که از جمله نامهای آن:

«مجمع انصار القائم (عج)» یعنی محلّ تجمّع یاران امام زمان (عج).

«ماوی للفاطمیین» یعنی پناهگاه منسوبین به فاطمه زهرا سلام الله علیها است. (در این باره ر.ک. به «بحار الانوار»، ج ۶۰، ص ۲۱۰ به بعد)

«قم» آشیانه اهل بیت و مرکز نشر اسلام است. اهمیّت قم به اموری مانند وجود بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (کریمه اهل بیت)، وجود حوزه علمیه مقدّسه آن، که توسط آن اسلام به جهان منتشر می شود، و وجود مسجد مقدّس جمکران (مسجد صاحب الزّمان) می باشد. («حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ص ۲۹۳ به بعد)

«قوة»، لقب حضرت مهدی (عج) است.

در کتاب هدایه، «قیامت» از القاب حضرت حجّة بن الحسن العسکری علیه السّلام عنوان شده است.

امام قائم (عج) همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخست اعلان دعوت می کند و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می رساند، در این میان عدّه ای دعوتش را می پذیرند ولی عدّه ای دیگر کار شکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت بر می خیزند، امام (عج) در برابر اینها قیام مسلّحانه می کند.

امام جواد علیه السّلام در ضمن حدیثی می فرماید:

«وقتی که ۳۱۳ نفر یاران خاصّ امام قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد (یعنی ظهور می کند) و وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلّحانه می کند (خروج می نماید).» («بحار الانوار»، ج

از القاب امام قائم (عج)، «قیّم الزّمان» است.

قائم

«قائم» از القاب بارز حضرت مهدی (عج) است. «قائم» یعنی «قیام کننده»، نظر به اینکه قیام و نهضت حضرت صاحب العصر (عج) جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.

اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفّظ به این کلمه بر می خیزند و می ایستند، این کار یک نوع عمل مستحبّی است و احترام و اظهار پیوند و انتظار آن حضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی (عج) می اندازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع پرداخت. این کار در زمان امام صادق علیه السّلام نیز در میان شیعیان معمول بود. حتّی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا علیه السّلام کلمه «قائم» ذکر شد، امام رضا علیه السّلام برخاست و دستش را بر سر مبارک نهاد و فرمود:

«اللهمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ» («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۰)

: خداوندا در فرجش شتاب کن، و راه ظهورش را آسان گردان.

همچنین از امام باقر علیه السّلام سؤال شد: چرا قائم (عج) را «قائم» خواندند؟

حضرت فرمودند: «زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به امامت آن حضرت راه ناصحیح می روند». («حضرت مهدی

(عج)، فروغ...»، ص ۶۶)

«ابو حمزه ثمالی» در ضمن روایتی از امام باقر علیه السّلام پرسید: یابن رسول الله مگر شما ائمه، همه قائم به حق نیستید؟ فرمودند: بلی! عرض کرد: پس چرا فقط امام زمان (عج) قائم نامیده شده است؟

امام باقر علیه السّلام پاسخ فرمودند: «چون جدّم امام حسین علیه السّلام شهید شد، فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا قاتلین بهترین بندگان، و زاده اشراف برگزیدگان را به حال خود وا می گذاری؟

خداوند به آنها وحی فرستاد که: «ای فرشتگان من آرام گیرید. به عزّت و جلالم سوگند، از آنها انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از گذشت زمانها باشد. آنگاه پروردگار عالم امامان اولاد امام حسین علیه السّلام را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور گشتند. یکی از آنها ایستاده بود و نماز می گذارد.

خداوند فرمود:

«بِذَلِكَ الْقَائِمِ إِنْتَقِمُ مِنْهُمْ»

: به آن قائم از آنها انتقام می گیرم. («مهدی موعود»، ابتدای باب دوم، ص ۲۲۸)

به بشر ناب ترین هدیه سرمد آمد قائم و منتقم آل محمّد آمد

به بشر ناب ترین هدیه سرمد آمد قائم و منتقم آل محمّد آمد

قائم آل محمّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

«قائم آل محمّد» لقب مهدی موعود (عج) است.

قائم الزّمان

«قائم الزمان» لقب امام دوازدهم شیعیان حضرت مهدی (عج) است.

شخصی ازدی در مسجد الحرام خدمت حضرت ولی عصر (عج) رسید و حضرت سنگی را برای او طلا کرد و در حق او دعا نمود و سپس فرمود: مرا می شناسی؟ گفت: نه!

آن حضرت فرمود: «منم مهدی، منم قائم الزمان، منم آنکه زمین را پر از عدل و داد و همانگونه که از جور و ظلم پر شده است». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۹۱)

قائم المنتظر

«قائم المنتظر»، (قائمی که انتظار او را می کشند) لقب مهدی موعود (عج) است.

قائم (عج) در شعر فارسی

ادبیات فارسی غنی ایران زمین سرشار از مضامین بسیار زیبایی پیرامون ائمه اطهار و پیامبران علیهم السلام گذشته الهی است. ذکر نام خجسته امام زمان (عج) هم در شعر فارسی، سابقه ای بس قدیم دارد.

«اسدی طوسی» شاعر حماسه سرای معروف قرن پنجم هجری، در آغاز گرشاسب نامه ضمن اشاره به حکمت دین و لزوم دینداری، و تأکید بر حقانیت دین اسلام، ذکر فرخنده امام غائب، حضرت مهدی (عج) را این چنین ادا کرده است:

تو را نزی پی بازی آورده اند

جهان را نه بر بیهده کرده اند

که گیتی بدین ایستادست راست

ره دین بیاب از خرد، چون سزاست

از این پس نباشد پیمبر دگر

کند دین پیغمبری آشکار

بدارد جهان بر یکی دین پاک

بر آرد ز دجال و خیلش هلاک

رسد زآسمان هر پیمبر فراز

شوند از پس مهدی اندر نماز

«شیخ فرید الدین عطار نیشابوری» شاعر قرن ۷ هجری قمری و متوفی سال ۶۱۸ هجری قمری چنین می گوید:

صد هزاران اولیاء روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی مهدیم، از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار

«مهدی» هادیست تاج اتقیاء

بهترین خلق، برج اولیاء

ای ولای تو معین آمده

بر دل و جانها همه روشن شده

ای تو ختم اولیای این زمان

وز همه معنی نهانی جان جان

ای تو هم پیدا و پنهان آمده

بنده «عطارت» ثناخوان آمده

«خواجه حافظ شیرازی»، شاعر عارف قرن هشتم نام آن بزرگوار را در شعر خویش ذکر کرده است:

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسید

شب وصل است و طی شد نامه هجر

سَلَامٌ فِيهِ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

دلا در عاشقی ثابت قدم باش

که در این ره نباشد کار بی اجر

بر آ ای صبح روشندل خدا را

که بس تاریک می بینم شب هجر

دلم رفت و ندیدم روی دلدار

فغان از این تطاول، آه از این زجر

و شعری دارد با مطلع:

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

«شیخ محمود شبستری» دیگر شاعر نامدار ایران (در گذشته به سال ۷۲۰ هجری قمری) گفته است:

بسی گفتند از عیسی و مهدی
مجرد شو، تو هم عیسیای عهدی

ز مهدی، گرچه روزی چند، پیشی
بکش دجال خود مهدی خویشی

حکیم و عارف بزرگ قرن یازدهم هجری، «ملاً محسن فیض کاشانی» که تعداد ابیات او را شش تا هفت هزار بیت نوشته اند، این گونه فریاد رس را می خواند:

ای تو ما را راحت جان الغیث
دردها را جمله درمان الغیث

قائم آل پیامبر (ص) دستگیر
بی توأم افتان و خیزان الغیث

کار شرع از دست شد بیرون خرام
تازه کن آئین ایمان الغیث

عالمی گردید مالامال شرّ
از جفا و جور و طغیان الغیث

خون ما خوردند این دجالیان
مهدی و هادی دوران الغیث

در میان شاعران معاصر هم دلسوختگان حریم یار، زمزمه هایشان را بعضاً به چاپ سپرده اند:

ای نهان ساخته از دیده ما صورت خویش

بدر از پرده غیب آی و نما طلعت خویش

نه همین چشم به راه تو مسلمانانند

عالمی را نگران کرده ای از غیبت خویش («مهدی موعود»، ص ۱۲۸۳) (شاعر: محمد علی

فتی تبریزی))

قابض

«قابض» لقب مهدی موعود (عج) است. قابض در لغت به معنی: در مشت گیرنده، درآورنده، بیرون کشنده و میراننده است.

قاتل الکفره

«قاتل الکفره» (کشنده کافران)، لقب امام عصر (عج) است.

ک امیر الأمره

قادیانی ک احمدیه

قاسم ک اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

قاسم بن علاء

«قاسم بن علاء» از اهالی آذربایجان و از زمان امام هادی علیه السلام وکیل این ناحیه بود، ابن طاووس می گوید: «او از نائبان با واسطه حضرت قائم بودهو مکنی به «ابی محمد» است. وی ۱۱۷ سال عمر کرده و ۸۰ سال از سلامتی چشم برخوردار بود، و امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام را زیارت کرده است.»

امام قائم (عج) با «قاسم بن علاء» در تماس بود و نامه های آن حضرت به وسیله «محمد بن عثمان» و بعد از او به وسیله «حسین بن روح» مرتب به او می رسید. («آخرین امید»، ص ۱۱۸)

«قاطع» لقب حضرت مهدی (عج) در کتاب «قنطره» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۹۲)

«قاهر» نوزدهمین خلیفه عباسی است که از سال ۳۲۰ تا ۳۲۲ هجری قمری به مدّت دو سال حکومت کرد.

هنگام مرگ وی، حضرت قائم (عج) ۶۲ سال از مدّت امامتشان می گذشت.

«قدر» نود و هفتمین سوره قرآن کریم است. این سوره ۵ آیه، ۳۰ کلمه، ۱۱۲ حرف دارد.

آنچه از احادیثی که در تفسیر این سوره و تفسیر آیات آغازین سوره «دَحَّان» و جز آن رسیده است، فهمیده می شود که فرشتگان در شب قدر، مقدرات یکساله را به نزد «ولی مطلق زمان» می آورند، و بر او عرضه می دارند. این واقعیت همواره بوده و خواهد بود.

در روزگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم محل نزول فرشتگان شب قدر، آستان مصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم بوده است.

این امر مورد قبول همگان است. (برای آگاهی بیشتر ر.ک. به «خورشید مغرب»، ص ۱۲۵ تا ۱۴۸)

در قرآن کریم درباره مسائل آینده دوران، حوادث آخر الزمان، و استیلاهی خوبی و خوبان بر جهان، و حکومت یافتن صالحان گاه به اشاره و گاه به تصریح سخن گفته شده است. اینگونه آیات را مفسران اسلامی، طبق مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به مهدی (عج) و ظهور آخر الزمان دانسته اند. آیات دیگری در همان قرآن کریم هست، که به جنبه حضور ولایتی مهدی (عج) اشاره بلکه در این باره صراحت دارد.

در شرح و تفسیر آیات، به احادیث نبوی، و سخنان امام علی علیه السلام و دیگر ائمه طاهرین علیهم السلام، و سایر علماء و محدثان و بزرگان اسلام، استناد گشته است. شاید کتاب تفسیری، از تفاسیر عالمان شیعه یافت نشود که در آن، به مناسبت آیات یاد شده، سخنی از مهدی (عج) و مسائل آن امام به میان نیامده باشد.

در کتاب حاضر گاهی به تناسب موضوع، برای تثبیت ادعا و غنی ساختن مطالب، از آیات قرآن استفاده شده است.

برای آگاهی بیشتر در زمینه آیات قرآنی مربوط به موضوع مهدویت می توانید به کتاب

«الْمُحَجَّهٗ، فِيمَا نَزَلَ فِي الْقَائِمِ الْحُجَّةَ»

تألیف عالم بزرگ، «سی، د هاشم بحرانی»، مؤلف تفسیر عظیم، «البرهان» مراجعه کنید، در این کتاب به بررسی ۱۲۰ آیه از قرآن کریم که درباره این موضوع می باشد، پرداخته شده است وی در سال ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۸ هجری قمری درگذشت.

در ذیل به چند نمونه از آیات قرآن که در رابطه این موضوع است اشاره می شود:

در کتاب «ذخیره الالباب» آمده است که «لسان الصدق»، از نامه‌های امام قائم (عج) در «صحیفه» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۹۳)

لندیطارا

در کتاب «هزار نامه هند» از امام زمان (عج) با عنوان و نام «لندیطارا» یاد شده است. (همان مدرک)

لواء اعظم

در کتاب «هدایه»، «لواء اعظم» (پرچم بزرگ)، از القاب مهدی منتظر (عج) شمرده شده است. (همان مدرک)

ماء معین

«ماء معین» یعنی آب ظاهر جاری بر روی زمین، و از القاب مهدی موعود (عج) است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ (ملک/۳۰)»

: بگو به من خبر دهید که اگر آب های سرزمین شما در زمین فرو رود، پس چه کسی می تواند برای شما آب روان بیاورد.»

فرمود: «این آیه درباره قائم (عج) نازل شده است. خداوند می فرماید: اگر امامتان از شما غائب شد، که نمی دانید او در کجاست، پس

کیست که برای شما امام ظاهری بیاورد که برای شما اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند عز و جل را بیان کند.»

آنگاه فرمود: «تأویل این آیه نیامده است، و به ناچار خواهد آمد» («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۰۸)

ماریه

«ماریه» از زنانی است که در دودمان امامت خدمت می کرد و در روز ولادت حضرت ولی عصر (عج) او را دیده که با انگشت سبّابه به سوی آسمان اشاره کرده و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...». («كشف الغمّة»، ج ۲، ص ۴۳۱)

ماشع

نام امام زمان (عج) در تورات عبریه، «ماشع» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۹۳)

مالک اشتر

یکی از کسانی که در روایات اسلامی از او به عنوان یار امام قائم (عج) در هنگام خروج نام برده شده است، «مالک اشتر» است.

مالک اشتر مردی شجاع، رئیس قبیله، و از بزرگان شیعه و سخت دوستدار امیر مؤمنان و یاور او بود. مالک پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نبرد با سپاه رومیان که به مبارزه با اسلام برخاسته بودند وارد سپاه اسلام شد و همراه با آنها در یکی از نواحی شام به نام «یرموک» با دشمن به نبرد پرداخت، در آنجا بود که شایستگی خود را آشکار ساخت.

پس از به خلافت رسیدن حضرت علی علیه السلام نخستین کسی که با حضرت بیعت کرد، «مالک اشتر» بود. امام علی علیه السلام درباره او می فرماید:

«او از شمشیرهای خداست، نه کند می شود و نه ضربتش بی اثر می ماند»

و در جای دیگر می فرماید: «مالک اشتر برای من همانگونه بود که من برای رسول خدا بودم.»

مالک اشتر از طرف امام علی به عنوان فرماندار مصر به آن سرزمین روانه شد. اما قبل از اینکه به مصر برسد، در میانه راه به وسیله مأموران معاویه که از رسیدن او به مصر وحشت داشتند، مسموم شد و به شهادت رسید. («دانستنیهای نهج البلاغه»، ص ۱۶۸)

ک ابو دجانه انصاری

مأمور

«مأمور» از القاب امام دوازدهم شیعیان، مهدی موعود (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۱۶)

مأمول

«مأمول» همانند «مؤمل» یعنی آن کسی که آرزو و امید دیدار او را دارند و از القاب حضرت مهدی (عج) است. در زیارت مأثور آن حضرت است که:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُولُ ...»

ک مؤمل

مؤمل

«مؤمل» از نامهای صاحب الزمان است. «مؤمل» در لغت یعنی کسی که مردم آرزوی دیدن او را دارند و در دعای ندبه اشاره به این مضمون شده است:

«بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أُمْنِيَّةٍ شَائِقِي يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرَ أَفْحَانًا

: جانم قربان تو که آرزوی هر زن و مرد مؤمنه هستی که صدایش بزنند و بنالند».

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «در آن وقت که حجّت (عج) متولد شد، ظالمان گمان کردند که ایشان مرا می کشند تا اینکه نسل مرا قطع کنند، پس چگونه قدرت خداوند را دیدند و او را (حضرت مهدی (عج)) را مؤمل نامیدند». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص

(۱۰۷)

فدای تو ای حجه بن الحسن(ع) سرا پای من جسم و هم جان من

تو مطلوب آن عاشقی کارزو ز مرد و زنش دارد ای نیکخو

که یاد تو بنماید و سر دهد ز دل ناله ها ای ولیّ احد

ک مأمول

مبارکه که اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

مبارکیّه

«مبارکیّه» نام فرقه ای از اسماعیلیّه خالصه است. آنان می گویند: «بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفت امام را بیشتر قبول

نداریم، امیر المؤمنین که امام و پیغمبر است و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن علی

علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام و محمد بن اسماعیل بن جعفر (نوه امام صادق علیه السلام) که امام عالم و امام مهدی (عج)

است». آنان معتقدند معنی قائم این است که او به رسالت و شریعت تازه ای مبعوث می شود که به وسیله آن شریعت محمد صلی الله علیه و آله را نسخ می کنند. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

ک اسماعیلیه خالصه

مُبدئی الآیات

«مُبدئی الآیات»، لقب مهدی موعود (عج) است. «مُبدئی الآیات» یعنی ظاهر کننده آیات خداوندی یا محل بروز و ظهور آیات الهی». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۱۱)

مُبلی السرائر

یکی دیگر از اسماء و القاب امام منتظر (عج)، «مُبلی السرائر» است. (همان مدرک)

متقی

«متقی» بیست و یکمین خلیفه بنی عباس و برادر «راضی محمد بن المقتدر» است که از سال ۳۲۹ ه.ق پس از مرگ برادرش به خلافت رسید.

وی نخستین خلیفه بنی عباس در دوران غیبت کبری محسوب می شود. «متقی» پس از چهار سال حکومت در سال ۳۳۳ ه.ق در گذشت.

مُتمهدی

در اصطلاح لغت «مُتِمَّهْدِي» کسی را گویند که ادعای ممه‌دویت کند. در دوره غیبت صغری و غیبت کبری کسانی بوده اند که با توجه به شرایط خاص خود را مهدی موعود (عج) معرفی کرده و آنها را «مُتِمَّهْدِي» خوانده اند.

مثلث برمودا

«مثلث برمودا» مکانی در غرب اقیانوس اطلس و در شرق فلوریدا و در شمال جزائر آنتیل و در جنوب جزائر برمودا قرار دارد. رأس این مثلث: «برمودا»، «میامی» و «سن خوان» می باشد.

این مثلث به نام رأس آن که «جزائر برمودا» می باشد به نام «مثلث برمودا» شهرت یافته است. این نام را برای نخستین بار، آقای «وینست گادیس» مؤلف کتاب «افق نامرئی» بر این منطقه اطلاق کرده و سپس به همین نام مشهور شده است.

قسمت اعظم مثلث برمودا، بر دریای «سارگاسو» قرار دارد.

در روایات مربوط به حضرت قائم (عج)، در مورد اقامتگاه آن حضرت به نام «جزیره خضراء» برمی خوریم که برخی از نویسندگان احتمال داده اند، آن جزیره (با توجه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان «علی بن فاضل مازندرانی» آمده است) همین مثلث برمودا، که از مرموزترین مکانهای روی زمین است، باشد. (برای آگاهی بیشتر به کتبی که درباره جزیره خضراء و مثلث برمودا است مراجعه کنید).

(و الله اعلم)

ک علی بن فاضل مازندرانی

مجازی بالأعمال

«مجازی بالأعمال» یعنی کسی که با توجه به اعمال جزای نیک و بد را می دهد و آن لقب امام زمان (عج) است. («نجم الثاقب»، باب

دوم، ص ۱۱۲)

«محسن» لقب حضرت ولی عصر (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۰)

محلّ زندگی قائم (عج) در دوران کودکی

امام قائم (عج) از هنگام تولّد تا زمانی که پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السّلام به شهادت رسید (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ ه.ق) مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می دیدند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند آن حضرت هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت.

به هر حال در روایات آمده، محلّ زندگی قائم (عج) در دوران کودکی همچون محلّ زندگی حضرت موسی علیه السّلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد. («احتجاج»، ج ۲، ص ۲۶۸)

نام اصلی و اسم اولی امام عصر (عج)، «محمد» است. چنانچه در اخبار متواتره خاص و عام است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «مهدی، همانام من است.» («منتهی الآمال»، باب ۱۴)

ک تلفظ نام مقدّس حضرت قائم (عج)

محمد بن اسماعیل جعفر علیه السّلام ک مبارکیّه

«محمد بن ایوب بن نوح» از کسانی است که امام قائم (عج) را ملاقات کرده است. او و «معاویة بن حکیم» و «محمد بن عثمان عمری» می گویند:

«ما چهل نفر از شیعیان در محضر امام حسن عسکری علیه السلام گرد آمده بودیم که فرزند بزرگوارش حضرت مهدی (عج) را بر ما عرضه نمود و فرمود: «این بعد از من امام شما و جانشین من در میانتان است، از او فمان ببرید و در دینتان اختلاف نکنید که هلاک می شوید» سپس فرمود: «شما دیگر او را نخواهید دید». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶- «اکمال الدین و...»، ص ۴۳۵)

محمد بن جعفر اسدی

«ابو الحسن، محمد بن جعفر بن محمد بن عون اسدی رازی»، از وکلای مورد اعتماد امام قائم (عج) بوده است.

«صالح بن ابی صالح» می گوید: «در سال ۲۹۰ هجری، عده‌های از من خواستند وجوهات آنها را بگیرم. ولی من نپذیرفتم و به حضرت مهدی (عج) نامه نوشتم و از او کسب تکلیف نمودم، حضرت در پاسخ من نوشت: «در ری به محمد بن جعفر اسدی داده شود که او مورد اطمینان ماست.» (آخرین امید، ص ۱۱۵)

محمد بن حنفیه

نخستین کسی که در اسلام مهدی موعود (عج) معرفی شد، «محمد بن حنفیه» فرزند امیر المؤمنین علی علیه السلام بود.

بعد از شهادت حضرت سید الشهداء فرقه ای قائل شدند به این که، «محمد بن حنفیه»، حضرت قائم (عج) و وصی علی بن ابیطالب علیه السلام است و اینکه هر کس با ایشان مخالفت کند، کافر و مشرک است، هم‌چنین معتقد بودند که وی مختار را بر عراقین، کوفه و بصره، بعد از کشته شدن امام حسین علیه السلام والی نمود و به دستور خونخواهی حسین علیه السلام و کشتن قاتل او و جستجوی آنها در هر کجا باشند، مذهب وی شناخته شد، «مختاریه» نامیده و «کیسانیه» خوانده شد.

عاقبت «محمد بن حنفیه» در محرم سال ۸۱ هجری در مدینه وفات یافت. پس از مرگ او اصحابش سه فرقه شدند و هر کدام ایده ای جداگانه داشتند:

۱- فرقه ای می گفتند که وی، مهدی موعود (عج) است و او نمرده و به زودی رجعت می کند.

۲- دسته ای دیگر قائل به الوهیت او شده و اینکه وی زنده و در کوه رضوی مقیم است.

۳- فرقه ای دیگر قائل به مرگ او شد و پسرش «ابو هاشم بن محمد» را مهدی موعود می دانند و با او بیعت کردند که این فرقه از شیعه را «هاشمیه» نامیده اند. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۱۹۸- «فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۹۱۵)

محمد بن شاذان

«ابن طاووس، محمد بن شاذان بن نعیم نعیمی نیشابوری» را جزء نائبان با واسطه حضرت قائم دانسته و از کسانی محسوب داشته اند که از معجزات حضرت آگاهی پیدا کرده و آن حضرت را زیارت کرده است. («جامع الرواة»، ج ۲، ص ۱۳۰)

محمد بن عبد الله ک مغیریّه

محمد بن عثمان

دومین سفیر و نایب از نوآب اربعه، «ابو جعفر، محمد بن عثمان بن سعید اسدی عمروی» بود.

وی فرزند نایب اول، «عثمان بن سعید» بود. او از جانب امام یازدهم نیز مورد تمجید قرا گرفته بود. پدرش، به هنگام مرگ خود، امر نیابت را به فرمان امام زمان (عج) به فرزند خویش، محمد سپرد، و او واسطه میان امام و شیعیان گردید. مدت نیابت «محمد بن عثمان» و سفارت او، ۵۰ سال به طول انجامید.

وی در آخر جمادی الاول سال ۳۰۵ ه.ق در گذشت. او را در بغداد نزدیک قبر مادرش و «شیخ عبد القادر» دفن کردند و در آنجا بقعه و صحنی دارد که به «شیخ خلائى» معروف است.

محمد بن قاسم ک جارودیّه

محمد بن نصیر نُمیری

از جمله مدعیان بابیت، «محمد بن نصیر نُمیری» است. وی در ابتداء از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. زمانی که آن حضرت وفات یافت، مدعی مقام و منصب «محمد بن عثمان» شد و گفت: «من وکیل و نائب امام زمان (عج) می باشم» و سخنان کفر آمیزی که از او صادر شد، جهالتش بر همگان روشن گردید. خداوند او را رسوا ساخت و «محمد بن عثمان» او را لعن کرده و از او بیزارى جست.

وی ادعا می کرد که پیغمبر است و امام علی النقی علیه السلام او را فرستاده است، و عقیده به تناسخ داشت و معتقد به خدائی امام دهم شیعیان بود و نیز ازدواج با محارم را جائز می دانست. و عمل شنیع (لواط) را حلال می شمرد.

محمد بن نصیر با حمایت «محمد بن موسی بن فرات» وزیر «المقتدر بالله» خلیفه عباسی، قادر شده بود تا ادعای خود را در میان امامیه نشر دهد و چون دو نفر از ایشان در این امر شرکت داشتند، فرقه ایشان به «نُمیریّه الفُراتیّه» معروف شد.

اکثر وسیعی از پیروانشان از مدائن بودند و پس از رهبرشان «اسحاق بن محمد احمر»، به «اسحاقیه» معروف شدند. («آخرین امید»، ص

(۱۲۵)

محمدیه

«محمّدیه»، نام فرقه ای است که بعد از حضرت امام علی النّقی علیه السّلام، پسرش «محمّد» را که در حیات آن حضرت وفات یافت، امام می دانند و می گویند او نمرده، بلکه زنده است و مهدی موعود (عج) اوست.

مزار سیّد محمّد در هشت فرسنگی سامرا، نزدیک قریه بلد است. («نجم الثّاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۶)

مُخْبِرٌ بِمَا يُعْلَنُ

«مُخْبِرٌ بِمَا يُعْلَنُ»

: یعنی آگاه کننده به آنچه شکار می شود.

و این لقب قائم (عج) است. (همان مدرک، باب دوّم، ص ۱۱۰)

مختاریّه ک محمّد بن حنفیه

مدبّر

«مدبّر»، از القاب حضرت مهدی (عج) است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۶)

مدّت حکومت قائم (عج)

شیخ مفید از ابی بصیر و او از امام باقر علیه السّلام در حدیثی طولانی در سیر و سلوک حضرت قائم (عج) حدیثی نقل کرده تا آنکه فرمود: «پس درنگ می کند بر این سلطنت هفت سال، مقدار هر سالی ده سال از این سالهای شما، آنگاه احیاء می کند خداوند آنچه را که می خواهد.»

یانکه در روایت آمده: امام عصر (عج) پنج یا هفت سال و یا نخ سال و یا بیست سال و یا چهل سال و یا سیصد و نه سال به مقدار خواب اول اصحاب کهف در غار، حکومت می کند شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشکّل و پایه ریزی حکومت در پنج و هفت و نه سال اول صورت می گیرد و پس از گذشت چهل سال به حدّ کمال می رسد و بیش از سیصد سال ادامه می یابد. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۸۶)

مدینه طیبه

در روایات اسلامی آمده است که «مدینه طیبه» از اقامتگاههای حضرت مهدی (عج) و از مراکزی است که در رابطه با حکومت ایشان نقش به سزائی دارد.

هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السلام می پرسند، اگر حادثه ای برای شما روی دهد، کجا از فرزند بزرگوار شما سراغ بگیریم؟ فرمود: «در مدینه» («الغیبه»، شیخ طوسی، ص ۱۳۹)

امام صادق علیه السلام نیز هنگامی که از غیبت کبری بحث می کند، می فرماید: «مدینه چه جایگاه خوبی است». («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۷)

حضرت مهدی (عج) با یاران خود از مکه به مدینه آمده و در آنجا جمعیتهای زیادی ده آن حضرت می پیوندند و عدّه ای از مخالفان سرکوب می شوند.

مربوع

«مربوع» نام اسب پیامبر خدا است، که حضرت صاحب الأمر (عج) هنگام ظهور همراه خویش خواهند داشت. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

مرگ جاهلی

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم انحراف گرایان از خطّ عقیده به امامت را که از شناخت امام راستین عصر خود سر باز می زنند، جاهلیت گرا و به عنوان کسی که به دوران جاهلیت عقب گرد نماید، تعبیر کرده و می فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» («اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۷۵)

: کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیت است.

این حدیث نشانگر صدور یک فرمان قطعی اسلامی از ناحیه پیامبر است، و با صراحت و تأکید توجّه عموم را به دو امر مهم جلب می نماید:

۱- پیامبر اسلام با اضافه کردن کلمه «امام» به کلمه «زمان» ضرورت وجود امام جامع الشرائط و قابل شناخت را در هر عصر و زمانی (هر چند تنها یک نفر مسلمان وجود داشته باشد) جهت پیروی از او اعلام فرموده، و چنین امامی جز با امامان معصوم علیه السلام شیعه که آخرین آنها حضرت مهدی، حجتّ بن الحسن العسکری (عج) است، نمی تواند با کسی منطبق گردد.

۲- از اینکه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم با اضافه کردن «مَيِّتَةً» به کلمه «جاهلیت» مرگ فاقد چنین شناختی را مرگ جاهلی توصیف کرده، معلوم می شود که این امام همانند پیامبر، رابطه بین خلق و خالق است، که شناختن آن عیناً بسان شناختن پیامبر، موجب گمراهی خواهد بود.

بدین ترتیب و بر اساس نظریه شیعه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ایراد این حدیث شریف، امامت افراد غیر معصوم و جائز الخطاء در تبلیغ و اجرا احکام اسلام را، نفی و غیر قابل و در آخر جاهلیت گرائی خوانده، و این بیان چیزی است که شیعه در طول قرن‌ها به آن معتقد بوده است. («مهدی منتظر در نهج البلاغه»، ص ۹)

احمد که جهان را ز تباهی پرداخت دین را به ولایت علی محکم ساخت

فرموده به مرگ جاهلیت مرده است آن کس که امام عصر خود را شناخت

«مروانی» از جمله کسانی است که قبل از قیام قائم (عج)، خروج خواهد کرد. این مطلب در روایتی از امام رضا علیه السلام ذکر شده است. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۳۲)

مروزی ک شروسی

مُسَبِّحَات

«مُسَبِّحَات»، عنوان دسته ای از سوره های قرآن کریم است که با تسبیح و حمد خداوند تبارک و تعالی و با الفاظی چون «سُبْحَانَ»، «سَبِّحْ» و «يُسَبِّحُ» آغاز می شود. این سوره ها عبارتند از: بنی اسرائیل، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی.

امام باقر علیه السلام در باره فضیلت این سوره ها فرمود:

«هر کس که همه مسَبِّحَات را پیش از آن که بخوابد، تلاوت نماید، نمیرد تا حضرت قائم (عج) را درک کند و چنانچه مُرد در پناه و همسایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم خواهد بود.» («ثواب الاعمال»، ص ۱۴۸)

مسجد الحرام

«مسجد الحرام»، مسجدی محیط به کعبه است. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حصار و بارو نداشت. در زمان عمر وسعت یافت و باروی آن را ساختند. پس از زمان عمر چندین بار بنای آن تجدید شد، به خصوص در عهد «سلطان سلیم دوّم» وسعت بیشتری یافت. این مسجد دارای ابواب متعدّد و هفت مناره است و در سالهای اخیر بر وسعت آن بسیار افزوده اند. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص

در احادیث مربوط به امام زمان (عج) آمده است که آن حضرت «مسجد الحرام» را خراب کرده و به اصل خود بر می گرداند. در این مورد امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کند، مسجد الحرام را ویران نماید تا به جای اصلی خود برگردد، دستهای کلید داران (خائن...) را قطع کرده و در کعبه آویزان می نماید و بر آنها می نویسد: «اینها دزدان کعبه هستند.» («اثبأ الهداء»، ج ۷، ص ۱۱۸)

مسجد جمکران

مسجد جمکران، در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم به طرف جاده کاشان واقع شده است. این مکان با عظمت، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیه الله (عج) قرار دارد و خود آن حضرت از شیعیانشان خواسته اند که به این مکان شریف روی آورند.

درباره تاریخچه مسجد جمکران، شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ ه.ق در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی (عج) را اجابت کن که تو را می خواند.

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است، آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود.

پس آن پیر مرا بنشانند.

حضرت مهدی (عج) مرا به نام خود خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم، که در این زمین کشاورزی می کرد بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند.»

گفتم: «لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و آلا مردم حرف مرا قبول نمی کنند» آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه هائی برای آن قرار می دهیم و پیش سید ابو الحسن برو و به او بگو حسن مُسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند.»

همچنین آقا دستور نماز مسجد را هم دادند و فرمودند: «و به مردم بگو: بدین مکان رغبت کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گذارند. دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت

«قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ»

خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. دو رکعت دوم نیز به نیت نماز صاحب الزمان (عج) خوانده می شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع می کنیم و چون به آیه

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

می رسیم این آیه شریفه را صد مرتبه تکرار می کنیم و بعد از آن بقیه سوره حمد را می خوانیم، بعد از پایان حمد سوره

«قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ»

را فقط یک بار می خوانیم و به رکوع می رویم و ذکر

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»

را هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می کنیم و ذکر هر کدام از سجده ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود یک بار گفته می شود:

و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

آنگاه امام مهدی (عج) فرمودند: «هر کس این دو رکعت نماز (نماز صاحب الزمان (عج)) را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.»

چون من پاره ای راه آمدم، دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: «بزی در گله «جعفر کاشانی» است، آن را خریداری کن و بدین موضع آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد.»

من سپس به خانه باز گشتم و تمام شب را در اندیشه بودم تا اینکه نماز صبح خوانده و سپس به سراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان موضع شب گذشته رفتم. وقتی که رسیدیم، زنجیرهائی را نزد «سید ابو الحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادمان او گفتند که سید از سحر در انتظار توست و تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی، به درون خانه رفتم و سید مرا گرمی داشت و گفت: «ای حسن بن مثله، من در خواب بودم که شخصی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آید، هر چه گوید تصدیق کن و بر قول او اعتماد کن که سخن او سخن ماست، و قول او را رد نکن» و از هنگام بیدار شدن از خواب تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه ماجرای شب گذشته را برای او تعریف کردم.

سید بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهداند و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم گله گوسفند «جعفر کاشانی» نمایان شد، من به میان گله رفتم و آن بز که از پس همه گوسفندان می آمد پیش من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تا کنون آن را ندیده ام. آن بز را به مسجد آوردم و ذبح کردم. هر بیماری که از آن گوشت خورد شفا یافت.

«حسن مسلم» را احضار کردیم و منافع زمین را از او گرفتیم و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پشانیدیم. سید زنجیرهها و میخ ها را (که به عنوان نشانه بود) به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیر می مالید شفا می یافت.

اما پس از فوت «سید ابو الحسن»، آن زنجیرها پنهان گشته و دیگر کسی آنها را ندید. («مسجد مقدس جمکران»، تجلیگاه صاحب الزمان (عج)، ص ۲۸-۳۱)

مسجد حله ک وادی السلام

مسجد سهله

«مسجد سهله»، مهمترین مسجد پس از مسجد کوفه است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه (در کشور عراق) قرار دارد.

در «مسجد سهله» بقعه ای معروف به مقام مهدی (عج) وجود دارد. و زیارت آن حضرت در آن محل شریف مناسب است و از بعضی کتب مزاریه نقل شده که شایسته است حضرت ولی عصر (عج) را در این محل در حالیکه ایستاده باشند با این استغاثه زیارت کنند:

«سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ...»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«گویا حضرت قائم (عج) را در «مسجد سهله» همراه خانواده خود می بینم» سپس فرمود: «هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آنکه در این مسجد نماز خواند»

یکی از یاران به نام ابو بصیر عرض کرد: «آیا امام قائم (عج) همواره در این مسجد خواهد بود؟»

فرمود: «آری مسجد سهله خانه امام قائم (عج) است.»

عرض کرد: «امامان بعد از قائم (عج) چطور؟»

حضرت پاسخ فرمودند: «آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت خواهند کرد.»

از این حدیث اینگونه استفاده می شود که در دوران رجعت، پس از حضرت قائم (عج) سایر امامان نیز همان مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می دهند. (برای آگاهی بیشتر از فضیلت و اعمال مسجد سهله ر.ک. به مفاتیح الجنان، باب ۳)

ک مسجد کوفه

مسجد صعصعه

«مسجد صعصعه» («صعصعة بن صوحان»، از اصحاب امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام بوده است.) از مساجد شریف کوفه است. جماعتی امام زمان (عج) را در ماه رجب در آن مسجد مبارک مشاهده کرده اند که دو رکعت نماز کرده و این دعا را خوانده است:

(اللَّهُمَّ يَا ذَا لِمَنْ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ ...)

ظاهر عمل آن است که این دعاء مخصوص این مسجد شریف و از اعمال آن است، نظیر دعاهای مسجد «سهله» و «زید». ولیکن چون در ماه رجب بوده که آن حضرت این دعا را خوانده اند، احتمال داده شده که شاید این دعا از دعاهای ایام رجب باشد و لهذا در کتب علماء در اعمال ماه رجب نیز ذکر شده است. («مفاتیح الجنان»، انتهای فصل ۶)

مسجد کوفه

از فضائل «مسجد کوفه» این سزاوار است که به خاطر درک فیوضات آن، بار و بنه را بست و آماده سفر شد. آنجا از مکانهایی است که مسافر مخیر در خواندن نماز کامل یا شکسته است. نماز خواندن در مسجد کوفه معادل حج و برابر با هزار نمازی است که در جای دیگر خوانده شود. همچنین گفته اند از مسجد الاقصی (در بیت المقدس) با فضیلت تر است.

در روایات اسلامی وارد شده که مسجد کوفه مکان نماز پیغمبران است و روزی محلّ نماز حضرت مهدی (عج) خواهد شد.

شیوه صالحین از علماء و غیر علماء بر این بوده و هست که تشرّف مه دیدار حضرت قائم (عج) را از قدیم الایّام در خواست می کرده اند، به طوری که بعضی از آنان چهل شب جمعه از «مسجد کوفه» به «مسجد سهله» رفته و یا چهل شب چهارشنبه در «مسجد سهله» بیتوته کرده و تضرّع و زاری و عبادت می نمودند تا به این فیض عظیم نائل شوند. («مفاتیح الجنان»، باب ۳- آخرین امید»، ص ۳۹۱)

ک مسجد سهله

مَسْخُ كِ خَسْفٍ

مسیح الزّمان

«مسیح الزّمان»، اسم امام قائم (عج) در کتاب فرنگیان است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۳)

مسیحیان و انتظار

در آئین مسیحیت، و کتابهای مقدّس این آئین بشارتهای بیشتر و روشنتری درباره موعود آخر الزّمان نسبت به آئین های دیگر، رسیده است. و علّت آن، یکی نزدیکی زمان است که با ظهور حضرت مسیح علیه السّلام زمان در مقیاس کلیّ به ظهور حضرت مهدی (عج) نزدیکتر شده است. علّت دیگر تحریف کمتری است که در این آثار پدید آمده است. و این نیز از جهتی به زمان مربوط می شود، زیرا از دوره نزول و صدور آثار مقدّس یهود، زمان بسیار بیشتری می گذرد، تا دوره نزول و صدور آثار مقدّس مسیحیت این امر باعث شده است، تا دست تحریف و پوشیده داری، در این آثار به اندازه آثار یهود فرصت کار نیابد، اگر چه علمای مسیحی نیز در این باره کوشش بسیار کردند، و در تأیید یا رد، «اناجیل» به این مسائل نیز توجّه داشته اند، و «انجیل برنابا» را کمتر تأیید می کردند.

به هر حال، در آثار دینی مسیحیت نیز این بشارتها آمده است. در ذیل به چند کتاب که در آنها بشارتها و اشارتهائی درباره ظهور منجی آخر الزمان درج شده، آمده است:

انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، و مکاشفات یوحنا. («خورشید مغرب»، ص ۵۷ و ۵۸)

مشرق

بارها خوانده ایم و شنیده ایم که حضرت مهدی زمانی ظهور خواهد کرد که دنیا آکنده از ظلم و ستم است. اما اسن موضوع شامل همه جهان به طور مطلق نیست بلکه در گوشه و کنار جهان بزرگ، به ویژه در آبادیهای اسلامی و شیعی، مردمی (اگر چه در مقایسه بامردم سراسر جهان نفوس کل بشر بسیار اندکند) معتقد به حق هستند و چشم به راه ظهور مهدی موعودند. و حتی پیش از ظهورش، مقدمات حکومت او را فراهم می سازند.

در روایات مربوط به حضرت قائم (عج) نامی از مشرق به میان آمده است.

روایت شده که امام علی علیه السلام فرمود:

«شروع کار مهدی (عج) از طرف مشرق است.» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۲۰)

مراد از مشرق که در آن احادیث آمده، مشرق کشورهای اسلامی در مقیاس قرنهای اولیه اسلام است. بنابراین، این تعبیر با سرزمین خراسان و همچنین قسمتهای شرقی تا نواحی مرکزی ایران منطبق است. مؤید قسمت اول، این است که در پاره ای از احادیث به صراحت نام «خراسان» آمده است. در این رابطه امام باقر علیه السلام فرمود:

«... پرچمهایی از جانب «خراسان» روی آور شود و به سرعت طی منازل کند و چند نفر از اصحاب قائم (عج) با آنان همراه خواهند بود.»

(«خورشید مغرب»، ص ۳۲۰)

امام صادق علیه السلام فرمود: «نازل می شود پرچمهای سیاهی که از «خراسان الکوفه» خروج کرده اند، پس در این هنگام مهدی (عج) در مکه ظاهر میشود و آنان به او پیوسته و با او بیعت می کنند.» («البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان»، ص ۱۵۰)

المصباح الشدید الضیاء

«المصباح الشدید الضیاء»، یعنی چراغی که نور فراوان دارد و لقب صاحب الأمر (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)

ک بقیة الانبیاء

مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام

از جمله خصائص صاحب العصر (عج) همراه داشتن «مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام» است.

قرآنی که امام زمان (عج) می آورد و به مردم تعلیم می دهد با قرآن فعلی این تفاوت را دارد که آن قرآن توسط مولای متقیان امیر المؤمنین به همان نحو که در مدّت ۲۳ سال نازل گردیده، جمع آوری شده است، ولی هیچکدام از لحاظ کلام الهی کم و کاستی ندارد. قرآن فعلی جمع آوری «عثمان بن عفان» است.

امام علی آن مصحف را بر صحابه عرضه نمود، آنان نپذیرفتند، پس آن حضرت آن را مخفی نمود و تا کنون به حال خود باقی است و زمانی به دست حضرت مهدی (عج) ظاهر خواهد شد و مردم مأمور می شوند که آن را بخوانند و حفظ نمایند و به خاطر اختلاف ترتیب که با مصحف فعلی دارد، حفظ آن از تکالیف مشکل مکلفان خواهد بود. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)

مُضْطَرَّ

«مُضْطَرَّ»، لقب امام غائب (عج) است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُفَاءَ الْأَرْضِ ...» («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۱۶)

: ای کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد»

فرمود: «این آیه در حق قائم نازل شده و والله او مضطر است.» («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۱۷)

مَظْهَرُ الْفَضَائِحِ

در کتاب هدایه، «مظهر الفضایح» (جلوه گاه رسوائی ها) از القاب مهدی موعود (عج) عنوان شده است. (همان مدرک، ص ۱۱۱)

معاویة بن حکیم B محمد بن ایوب بن نوح

معتضد

«معتضد، احمد بن موفق» شانزدهمین خلیفه بنی عباس که از سال ۲۷۹ ه.ق ال سال ۲۸۹ ه.ق به مدت ده سال حکومت کرد.

آغاز خلافت وی زمانی واقع شد که ۱۹ سال از خلافت امام عصر (عج) گذشته بود.

وی در زمان غیبت صغری می زیسته و ۲۹ سال از امامت قائم (عج) گذشته بود که معتضد در گذشت. («فرهنگ معین»، ج ۵، ص

۲۸۸- نجم الثاقب، ص ۵۳)

معتمد

«ابو العباس احمد معتمد» پانزدهمین بنی عباس است که از سال ۲۵۶ ه.ق تا سال ۲۷۹ ه.ق به مدت ۲۳ سال حکومت کرد. ۱۹ سال از

امامت حضرت مهدی (عج) گذشته بود که معتمد درگذشت.

«مُعَمَّرِينَ» (مُعَمَّرُونَ)، جمع «مُعَمَّر» است، یعنی دراززی، انسان دراز عمر، دراز زندگانی، کسی که عمر درازی کرده است. این کلمه در کتابهای تاریخ و سیره و انساب، اصطلاح شده است. و این به دلیل داشتن مصادیق بسیار است.

امام قائم (عج) یکی از مصادیق بارز «مُعَمَّرِينَ» هستند.

مَغِيرَةُ بن سعيد B مَغِيرِيَّة

مَغِيرِيَّة

«مَغِيرِيَّة» اصحاب «مَغِيرَةُ بن سعيد» هستند که بعد از وفات امام مُحَمَّد باقر علیه السَّلَام مذهبی اختراع نمودند و «مُحَمَّد بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب» را مهدی موعود می دانند.

آنان معتقدند که تو زنده است و در کوهی به نام «عَلَمِيَّة» که در راه مَكَّة در حدِّ حَاجِز از طرف چپ که به مَكَّة می رود، مقیم است و در آنجاست تا هنگامی که در مدینه خروج کند و در همان جا کشته شود. («نجم الثَّاقِب»، باب چهارم، ص ۲۱۴)

مُفَرِّجُ اعْظَم

در کتاب هدایه، «مُفَرِّجُ اعْظَم» به عنوان لقب امام عصر (عج) معرفی شده است.

B فرج الاعظم

مُفَضِّلُ (مُفَضِّلُ)

اگر «مفضّل» تلفظ شود، به معنی (برتری داده شده) و (مردی که برتری و فضیلت او بر دیگران محرز باشد) است. و چنانچه «مُفَضِّلٌ» بخوانیم آن هم به معنی «بخشش کننده» است. در هر دو صورت، این لقب برازنده مهدی موعود (عج) است.

مُفَضِّلٌ

«مُفَضِّلٌ بن عمر» یکی از شاگردان امام صادق علیه السّلام بود. او یکی از یاران حضرت مهدی (عج) پس از رجعت خواهد بود. امام صادق علیه السّلام به او فرمود:

«تو و چهل و چهار نفر مرد دیگر با قائم (عج) هستید.» (اثبّاء الهداء»، ج ۷، ص ۱۴۶)

مُفِيقٌ

«مُفِيقٌ» در لغت یعنی بیدار شونده. نام حضرت مهدی موعود (عج) در کتاب زبور «مُفِيقٌ» است.

مُقْتَدِرٌ

«جعفر مقتدر» برادر «علی مکتفی» هجدهمین بنی عباس است که از سال ۲۹۵ ه.ق تا سال ۳۲۰ ه.ق به مدت ۲۵ سال حکومت کرد. هنگام مرگ «مقتدر»، ۶۰ سال از امامت حضرت قائم (عج) گذشته بود و آن حضرت ۶۵ ساله بودند.

مُقْتَصِرٌ

«مقتصر»، به معنی «بسندگی کننده» و لقب مهدی موعود (عج) است. شاید منظور از این لقب این باشد که حضرت قائم (عج) بر خلاف جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته که به خاطر حفظ و بقای دین با منافقین و فاسقین مدارا می کردند، ایشان تنها از انصار و بندگان صالح اقتصار خواهند فرمود و رشته الفت و مجالست با کفار و منافقین در آخر الزّمان گسسته خواهد شد.

این احتمال هست که کلمه مذکور، «منتصر» یعنی داد گیرنده بوده و از آیه شریفه

«وَلَمَن انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (شوری/۴۱)

: و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست»،

اخذ شده باشد. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۱۹)

مقداد

طبق روایات اسلامی، «مقداد» یکی از یاران حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور و خروج آن حضرت خواهد بود. او یکی از یاران عالی مقام رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود. اگر در باره ارزش و اعتبار او به همین یک حدیث اکتفا کنیم، دیگر نیازی به توضیح و تعریف نداریم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند به من فرموده که چهار نفر را دوست بدارم و خداوند به من خبر داده که آنها را دوست می دارد.»

پرسیده شد: نام آنها چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «علی علیه السلام و سلمان و ابوذر و مقداد.» («دانستنی های نهج البلاغه»، ص ۱۷۳)

مُقَدَّرَةٌ

«مقدّره» لقب حضرت مهدی (عج) است. «مقدّره» یعنی توانائی. همانطور که از کثرت بروز و ظهور عجائب قدرتهای الهی از آن حضرت به حدّی رسیده که گویا عین قدرت شده است.

مقدّس اردبیلی

«احمد بن محمد»، از علماء و متکلمین بزرگ شیعه و معروف به «مقدّس» یا «مقدّس اردبیلی» و «محقّق اردبیلی» است. وی از جمله کسانی است که لیاقت مشاهده جمال ملکوتی یوسف زهرا سلام الله علیها را پیدا کرد. او در سال ۹۹۳ ه.ق در نجف اشرف در گذشت.

«مقدّس اردبیلی» صاحب تألیفات بسیاری است که از جمله: «آیات الاحکام یا زبده البیان، اثبات الواجب، استیناس المعنویّه، الخراجیه و حدیقه الشیعه.» («منتخب الاثر»، ص ۴۱۳- فرهنگ فارسی معین»، ج ۶ ص ۲۰۰۷)

مکتفی

«علی مکتفی»، هفدهمین خلیفه بنی عبّاس و برادر «معتضد» از سال ۲۸۹ ه.ق ال سال ۲۹۵ ه.ق به مدّت ۶ سال حکومت کرد.

زمان حکومت او در دوران غیبت صغری، واقع شده بود. ۳۵ سال از امامت قائم (عج) گذشته بود که «مکتفی» درگذشت.

مکه

بهترین و مهمترین شهر جهان از نظر فضائل معنوی «مکه» است. در داخل اسن صدف گوهری درخشنده وجود دارد که میعادگاه همه عاشقان حضرت احدیّت مهدی (عج) است. در روایات می خوانیم: «حضرت قائم (عج)، در مکه، کنار کعبه ظهور و خروج می کند.»

(«کشف الغمّه»، ج ۳، ص ۱۲۹)

آن حضرت هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند و صدایش را بلند می نماید که:

«هان ای مردم جهان، کسی که می خواهد به آدم علیه السّلام و شیث علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به موسی علیه السّلام و یوشع علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به عیسی علیه السّلام و شمعون علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به محمدصلی الله علیه و آله و سلّم و امیر المؤمنین علی علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد امامان حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام را مشاهده کند مرا بنگرد، کسی که می خواهد به امامان علیهم السّلام از فرزندان حسین علیه السّلام نظر بیفکند مرا نگاه کند و به ندای من پاسخ دهد، من از آنچه که آنها خیر نداده اند به شما خبر می دهم.» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹)

تکیه بر کعبه کن ای قبله امید و بگیر انتقام گل پرپر شده طاها را

مَلاحِم و فِتْن

«ملاحم و فتن» به معنی جنگهای بزرگ و حوادث با عظمت، و آشوبها است. اسن اصطلاح در باره اخبار مربوط به حوادث آخر الزّمان، و وقایع پیش از ظهور به کار می رود و کتابهایی به همین عنوان: «الملاحم» (نویسندگانی مانند «سید علی مولانا» و «محمد حسین همدانی طاوئی» هر کدام کتابی جداگانه به نام «الملاحم» نوشته اند.) و «الملاحم و الفتن» (نویسنده این کتاب «سید بن طاووس» است.) نوشته شده است.

ملیکه

«ملیکه»، به معنی ملکه و شهبانو و نام بزرگوار امام زمان (عج) است. او از طرف مادر نوه «شمعون بن حمون بن صفا» از حواریون مخصوص حضرت عیسی علیه السّلام و وصی او به شمار می رفت.

او نامهای دیگر مانند: نرجس، ریحانه، خمط، صقیل (صقیل)، سوسن، حدیث، حکیمه، و مریم نیز دارد، خواهر امام هادی علیه السّلام (حکیمه) او را به عنوان (سیده) یعنی خانم می خواند.

هنگامی که ملیکه به خانه امام حسن عسکری علیه السلام وارد شد. امام هادی علیه السلام به خواهرش حکیمه فرمود: «او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندانم حس علیه السلام ن و مادر مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود، آنگاه به ملیکه رو کرد و فرمود: مژده باد تو را به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکمتش پر از عدالت و داگری کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور باشد.»

او در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از به شهادت رسیدن امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و قبر شریفش در سامراء پشت قبر منور همسر بزرگوارش قرار گرفته است. برای این خانم بزرگوار، زیارتی نقل شده است. («مفاتیح الجنان»، باب ۳، - «آخرین امید»، ص ۲۷)

مَمْطُورَه

«مَمْطُورَه» نام فرقه ای است که معتقد بودند، امام کاظم علیه السلام همان مهدی موعود (عج) است و اخبار مربوط به او از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به بعد در همه جا شایع بوده است. («آخرین امید»، ص ۵۹)

مَنَّان

«مَنَّان» یعنی بسیار نیکوئی کننده، و لقب حضرت قائم (عج) است. «مَنَّان»، از اسماء الحسنی خداوند عزّ و جل است.

منتصر B مقتصر

منتظر

«منتظر» از القاب امام زمان (عج) است، به معنی انتظار برده شده که همه خلائق پیوسته منتظر مقدم اویند.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد که چرا امام عصر (عج) را «منتظر» گویند؟

امام علیه السلام فرمود: «زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار است، افراد مخلص و پاک در انتظارش به سر می برند. ولی افراد شکاک و مردّد او را انکار می کنند، و منکران نامش را به مسخره می گیرند و تعیین کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او به هلاکت می رسند، مسلمانان در مورد او نجات می یابند.» («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۰)

مُنْتَقِم

«منتقم»، یعنی انتقام گیرنده و لقب صاحب الزّمان (عج) است. این لقب در احادیث فراوانی آمده است، از جمله در کتاب «اکمال الدّین» روایت شده که آن حضرت در سنّ سه سالگی به «احمد بن اسحاق» فرمود:

«أنا بقیة الله فی أرضه و المُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ» («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۰۵)

منصور

«منصور» نام امام قائم (عج) در کتاب «دیدبراهمه» که به اعتقاد آنان از کتب آسمانی است، می باشد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

«... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً (اسرا/۳۳)»

: و آن کس که مظلوم کشته شد، برای ولیّش سلطه (و حقّ قصاص قرار دادیم)؛ امّا در قتل اسراف نکند چرا که او مورد حمایت است،»

فرمود: «آن مظلوم کشته شده حسین علیه السلام است و خداوند مهدی (عج) را منصور نامیده است.»

شاید تعبیر حضرت مهدی (عج) به امام منصور در زیارت عاشورا، آیه مذکور باشد:

«أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ...» («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۹۴)

منصورٌ بالرُّعبِ

در روایات اسلامی آمده است که مهدی موعود (عج)، «منصور بالرعب» و «مؤید بالنصر» است. یعنی به هنگام ظهور، رعب او در دل‌های قدرتمندان می‌افتد، و نیروهای غیبی و غیر مرئی به کمک او و یاران او می‌شتابند و این نیروها، در جای خود، کار خود را خواهند کرد. یک نمونه آن بنابر احادیث بسیار، نابود شدن سپاه عظیم سفیانی است. («خورشید مغرب»، ص ۲۹۷)

مُنْعِمٌ

«مُنْعِمٌ» یعنی نعمت دهنده و احسان کننده. «منعم» لقب امام دوازدهم (عج) است.

مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ شَبِيهَا

لقب « مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ شَبِيهَا

:کسی که خداوند نظیری برایش قرار نمی‌دهد»

از القاب امام زمان (عج) است. همانطور که از این نام پیدا است احدی شبیه و نظیر آن حضرت نبوده و به رتبه عزّت و جلال او نرسیده و نخواهد رسید.

مَوْتُورٌ

«موتور» در لغت یعنی «کسی که یکی از نزدیکانش کشته شده باشد و خون و انتقام او نگرفته باشد.» («فرهنگ الفبائی الراءد»، ج ۲، ص ۱۶۸۸)

در چند خبر شریف، حضرت قائم (عج) به لقب «موتور» ذکر شده است. «موتور» به والد آن است که کسی پدرش کشته شده باشد و خونخواهی او نشده و علامه مجلسی فرموده که مراد به والد یا حضرت عسکری علیه السلام یا امام حسین علیه السلام یا جنس والد که شامل همه ائمه می شود، است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بدرستیکه قائم (عج) مَوْتورِ خَشْمَناکِ خُرُوجِ مِی کُند. در حالیکه پیراهن خونین رسول خدا که در جنگ اُحد بر تن داشت، بر بدن آن حضرت است.» (نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۶)

موعود

«موعود»، (وعده داده شده) لقب صاحب الامر (عج) است. این لقب از آیات قرآن هم استنباط شده (ذاریات/۲۲) و همچنان در زیارت آن حضرت است که:

«وَالْيَوْمِ الْمَعُودِ وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ»

مَهْدَوِي

«دکتر محمد معین در ذیل کلمه مهدوی نوشته است:

«مهدوی» صفت نسبی است ۱- منسوب به مهدی (مطلقاً) ۲- منسوب به مهدی صاحب الزمان (عج)، امام دوازدهم شیعیان. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۴۶۱)

مهدویّت

پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السّلام کراً بشارت به ظهور مهدی موعود (عج) که از مسل پیغمبر اسلام است، داده اند. این مطلب خود یکی از امتیازات اهل بیت عصمت بود که هنگام ذکر مفاخر خود از وجود مهدی آخرالزمان و ظهور دولت عالم گیر او و قیام وی با شمشیر و اصلاح کار جهان و تأمین عدالت در سراسر دنیا، سخن می گفتند. ولی متأسفانه این موضوع گاهی اشتباه، و زمانی بهانه دست بعضی از سادات و حتی مردم عادی شده، از همان قرون اولیه اسلامی دعوی مهدویت نموده و به نام «مهدی» علیه خلفای وقت قیام کردند. مردم عوام هم بدون در نظر گرفتن تمام علائم اوصاف مهدی (عج) و همه شرایط ظهور وی، به طرفداری از آنها برخاسته، باعث گرفتاری خود و سایرین می شدند.

اینان افرادی بودند که به واسطه ظلم و بیدادگری که خلفای اموی و عباسی می دیدند و در پیشامد های سوء، منتظر مهدی حقیقی بودند، بعضی جوانان سادات را که جزئی اشتباهی در نام یا دلیری یا صورت زیبا و آراسته داشتند، مهدی موعود پنداشته، و دور او را گرفته و فرقه ای تشکیل می دادند.

بعلاوه در قرون بعد از ائمه و مخصوصاً بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام نیز افراد دیگر که دعوی سیادت داشتند یا رسماً سید نبودند، مدعی مهدویت شده و حتی بعضی جنگها و لشکرکشی ها کردند که تا کنون اتباع آنها باقی هستند.

لازم به ذکر نیست که این همه اخبار و آیات که درباره مهدی موعود (عج) آمده، و طول زمان و دیدن زور و ظلم از دشمنان، به خصوص اگر متحرکی در میان باشد هر چه زمان طولانی و ناکامی از پیروزی بیشتر شود، زمینه برای ادعای مهدویت بعضی از افراد مالیخولیایی بهتر فراهم می شود. («مهدی موعود»، مقدمه ص ۱۴۹)

در این کتاب نام برخی از این افراد (به ترتیب حروف الفباء) ذکر شده است.

ب باب، مهدی سودانی، توقیع

«مهدی» از مشهورترین اسماء و القاب حضرت ولی عصر (عج) در نزد همه فرق اسلامی است. «مهدی» یعنی «هدایت کننده و هدایت یافته».

شیخ مفید در «ارشاد» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «قائم (عج) را به این دلیل «مهدی» نامیدند که مردم را به سوی امری که از آن گم شده اند (بر آنها پوشیده است) هدایت می کند.» («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۰۶)

مرا به غیر تو نبود پناه مهدی جان

که من گدایم و هستی تو شاه مهدی جان

در انتظار تو شاهها گذشت عمر عزیز

نگشت حاصل من غیر آه مهدی جان

مهدی سودانی

«شیخ محمد احمد بن سید عبدالله» معروف به مهدی سودانی (متمهدی) متولد سال ۱۸۴۴ میلادی است. وی در حدود سال ۱۸۸۰ میلادی، ادعای مهدویت کرد و در سودان علیه مصر و انگلستان قیام نمود و یاران او به زودی در سال ۱۸۵۵ میلادی شهر خارطوم را متصرف شدند و ویران کردند.

خود وی در سال ۱۸۸۵ در «ام درمان» درگذشت، و پیروانش را «لُرد کیچنز» فرمانده قوای مصر و انگلیس، در سال ۱۸۸۹ شکست داد. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۲۰۵۵)

مهر آزمای

اسم حضرت صاحب الامر (عج) در کتاب جاماسب، «مهر آزمای» است.

این نام بر پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم هم اطلاق می شود و می دانیم که مهدی موعود (عج) نیز همانم رسول خدا صلی الله و علیه و آله است. («ستارگان درخشان»، ج ۱۴، قسمت اول ص ۳۳)

مهمید الآخر

در کتاب «انجیل» حضرت قائم (عج) با نام «مهمید الآخر» خوانده شده است.

میرزا جانی

«حاج میرزا جانی» از نویسندگان بابی و از پیروان قدیم باب بود. وی تاجری از مردم کاشان بود و پنهانی به نهضت بابیه گروید. وقتی که باب را از اصفهان به قلعه چهریق در آذر بایجان می بردند، مبلغ هزار تومان زر نقد به رئیس مستحفظین باب داد و باب را یک شب در منزل خویش مهمان کرد. کتاب «نقطه الكاف» در تاریخ بابیه از تألیفات اوست.

بعد از سوء قصد بابیه به ناصر الدین شاه در نیاوران، «حاج میرزا جانی» با ۲۷ تن دیگر از بابیها گرفتار شد و با شکنجه و عقوبت در سال ۱۲۶۸ ه.ق به قتل رسید. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۲۰۷۰)

B باب

میرزا محمد استر آبادی

«میرزا محمد استر آبادی»، مؤلف کتاب «منهج المقال» معروف به «رجال کبیر» متوفی سال ۱۰۲۸ ه.ق، ساکن مکه و از علمای بزرگ دوران بود. وی گذشته از رجال کبیر، «رجال متوسط» و «رجال صغیر» هم نوشته است.

«رجال کبیر» او را بهترین کتاب رجالی شیعه دانسته اند.

«میرزا محمد» از شرف یافتگان به پیشگاه حضرت قائم (عج) است.

B خرابات

میزان الحق

در کتاب «ذخیره الالباب»، عنوان شده که «میزان الحق» نام حضرت مهدی موعود (عج) در کتاب «آژی» پیغمبر است. («نجم الثاقب».

باب دوّم، ص ۹۳)

میکائیل

«میکائیل» یکی از فرشتگان مقرب الهی است که طبق روایات اسلامی هنگام ظهور حضرت حجت (عج) در کنار سپاه ایشان خواهد بود.

(«المجالس السنّیه»، ج ۵، ص ۷۱۰)

ناحیه مقدّسه

«ناحیه مقدّسه» لقب حضرت قائم (عج) است که در ایّام تقیّه گاهی آن حضرت را به این لقب می خواندند.

ناطق

«ناطق» لقب حضرت مهدی (عج) است. در حدیثی آمده که رسول خدا اسامی ائمه علیهم السّلام را برای سلمان فارسی ذکر نمود تا

اینکه فرمود: «پس حسن بن علی صامت امین عسکری سپس پسر او حجّه الله ابن الحسن المهدی الناطق القائم بحق الله».

در زیارت عاشورا می خوانیم:

«وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَىٰ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ

: (از خدا می خواهیم) همانا خونخواهی شما را با امام هدایت کننده ظاهر گویای به حق از خود شما، روزیم کند».

ناطق بودن آن حضرت بدین جهت است که آباء طاهرینش به جهت ترس از دشمنان بسیاری از علوم و اسرار را بیان نکردند اما مهدی موعود ناطق و گوینده تمام علوم خواهد بود. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۰)

ب پیشرفت علم و قیام قائم (عج)

ناعمه مبارکه ب اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

ناقور

«ناقور» به معنی صور است، شاخ و امثال آن که در آن می دمند. «ناقور» لقب امام قائم (عج) است. امام صادق علیه السّلام در تفسیر

آیه شریفه

«فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (مدّثر/۱۲۰)

: و هنگامی که در صور دمیده شود»

فرمود:

«از برای ما امامی مستقر است پس هر گاه خدای عزّ و جل اظهار امر خود را اراده فرماید، در دلش بیفکند پس ظاهر شود و به امر خدا خروج کند». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)

ناووسیّه

«ناووسیّه»، نام فرقه ای است که منکر فوت امام صادق علیه السّلام شدند و معتقد بودند آن حضرت همان امام زمان (عج) و مهدی موعود است. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

نُجَبَاءُ

«نُجَبَاءُ» جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت و خوش نَفَس و جوانمرد است.

طبق روایتی از امام علی علیه السّلام و امام باقر علیه السّلام نقل شده: «اینها یاران مهدی (عج) از سرزمین مصر هستند». («مجمع البحرین»، ماده عَصَب) همچنین در روایتی آمده که نجباء از کوفه هستند. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۴۷)

نجم

«نجم» لقب حضرت قائم (عج) است، همانگونه که در قرآن هم مذکور است.

امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه

«وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (نحل/۱۶)

: و (نیز) علاماتی قرا رداد و (شب هنگام) آنها به وسیله ستارگان هدایت می شوند»،

«نَخْنُ النُّجْمِ»

: ستاره ما هستیم». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۴)

نجم الثاقب

«نجم الثاقب» در احوال امام زمان (عج)، کتابی است تألیف مرحوم «حاج میرزا حسین طبرسی نوری» به زبان فارسی و مشتمل بر ۱۲ باب است.

این کتاب همانگونه که در پایان باب اول آن ذکر شده است، در ماه ربیع الاول سال ۳۳۲ هـ.ق در اوائل غیبت کبری نوشته شده و از کتب معتبر در باب مهدویت است.

نخستین نشانه عدل قائم (عج)

حضرت قائم (عج) بر پا کننده عدل و قسط در روی زمین خواهند بود. نخستین نشانه عدل آن حضرت این است که سخنگویان حکومت او، در مکه، فریاد می زنند: «هر کس نماز فریضه خویش را، در کنار حجر الاسود و محل طواف، خوانده است، و اکنون می خواهد نماز نافله بخواند، به کناری رود، تا حق کسی پایمال نگردد، و هر کس می خواهد نماز فریضه بخواند بیاید و بخواند». («الکافی»، ج ۴، ص ۴۲۷)

قسط و عدل

نداء آسمانی ب صیحه آسمانی

نداء در شب بیست و سوم ماه رمضان

از علامات حتمیه قبل از ظهور امام زمان (عج)، ندائی است که جبرئیل در شب بیست و سوم ماه رمضان سر می دهد به گونه ای که همه ساکنین زمین از شرق تا غرب عالم آن را خواهند شنید. در آن موقع جبرئیل ندا می دهد که:

«الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ

: حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست».

و شیطان نیز در وسط روز در میان زمین و آسمان ندا کند که همه کس بشنود که

الْحَقُّ مَعَ عُثْمَانَ وَ شِيعَتِهِ

: حق با عثمان (لعنة الله عليه) و پیروان اوست». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

نرجس

«نرجس»، (نرگس) معروفترین نام از نامهای مادر امام قائم (عج) است. هنگامی که او (ملیکه) به اسارت مسلمانان در آمد خود را «نرجس» معرفی کرد («روضه الواعظین»، ج ۱، ص ۲۵۵) تا احدی از اسرار او آگاه نشود، و شاهزاده بودنش آفتابی نگردد.

از نور تو روشن، ملکا دیده «نرجس»

دل می کند از هر چمنی بوی تو را حس

نزول حضرت عیسی علیه السلام

در روایات اسلامی وارد شده است که پس از ظهور حضرت قائم (عج)، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید، و پشت سر مهدی (عج) نماز می گذارد، و فریاد می زند که: «در بیت المقدس را باز کنید». در را باز می کنند. در این میان، دجال با هفتاد هزار یهودی مسلح پدیدار می شود ... و چون عیسی علیه السلام آهنگ کشتن دجال می کند، او می گریزد.

عیسی علیه السلام می گوید: من تو را با یک ضربت می شکنم و چنین می شود (او را می گیرد و می کشد).

یهودیان در گوشه و کنار، و در پناه هر سنگ و درخت و جانور و چیز دیگری پنهان می شوند. اما همه چیز، به سخن می آید و بانگ بر می دارد «ای بنده مسلمان خدا، اینجا یک یهودی است بیا و او را بکش». و اینچنین جهان از وجود یهود پاک می گردد. («خورشید مغرب»، ص ۳۲)

نسیم

«نسیم» از خادمان امام حسن عسکری علیه السلام بود. او یک شب بعد از ولادت حضرت مهدی (عج) آن حضرت را زیارت نموده و روایتی نقل کرده است. («اثبأء الهداء»، ج ۳، ص ۶۶۸)

نشانه پیامبران و قائم (عج)

در روایات آمده است که حضرت مهدی (عج) جمیع اوصاف و ویژگی های پیامبران گذشته خود را خواهد داشت. امام سجّاد علیه السلام در ضمن حدیثی چند نشانه را بیان می کند:

«قائم ما دارای نشانه هایی از شش پیامبر است:

نشانه ای از حضرت نوح علیه السلام (طول عمر)

نشانه ای از حضرت ابراهیم علیه السّلام (مخفی بودن محلّ ولادتش)

نشانه ای از حضرت عیسی علیه السّلام (اختلاف رأی مردم درباره اش، و اعتزال او از مردم)

نشانه ای از حضرت موسی علیه السّلام (ترس از دشمن و غیبت، که حضرت موسی علیه السّلام از ترس فرعونیان از مصر به مدّین رفت و مدّتی مخفی بود)

نشانه ای از حضرت ایوب علیه السّلام (گشایش و پیروزی پس از بلیّات و گرفتاری)

نشانه ای از رسول خدا صلّی الله علیه و آله (قیام به شمشیر)

و در بعضی از روایات نشانه ای از حضرت یوسف علیه السّلام نیز ذکر شده و آن زندان است. (شاید منظور دوری او از دوستانش است که به منزله زندانی بودن اوست («اعلام الوری»، ص ۴۰۲ و ۴۰۳))

ب مکّه

نفس

«نفس»، لقب مهدی موعود (عج) است.

نفس زکیّه

یکی از علائم ظهور حضرت صاحب الامر (عج)، قتل «نفس زکیّه» است. او پسری از آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم است که در

ما بین رکن و مقام به قتل می رسد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۵)

«نُقباء» جمع کلمه «نقیب» و به معنی مردان آگاه و متعهد است.

طبق برخی از روایات، پس از ظهور امام قائم (عج) جبرئیل و فرشتگان و نجباء جنّ و نقباء مردم، با او بیعت می کنند. («بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۹۰۸)

نقش نگین انگشتر قائم (عج) B حجّه

نُمیریّه الفراتیه B محمّد بن نصیر نُمیری

نوّاب اربعه

پس از آن که امام زمان (عج) در سال ۲۶۰ ه.ق، هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (و غیبت صغری به وجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری، چهار نفر از علماء و فقهاء ربّانی به ترتیب زیر، از جانب حضرت تعیین و واسطه ایشان و مردم شدند:

۱- عثمان بن سعید ۲- محمّد بن عثمان ۳- حسین بن روح ۴- علی بن محمّد سیّمی و امام (عج) به آخرین نایب دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند. از این زمان به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد.

۲- این چهار نفر در اخبار مربوط به حضرت قائم (عج) به «نوّاب اربعه» (نوّاب چهار گانه) معروفند. برای هر کدام از آنها زیارتی در «مفاتیح الجنان» ذکر شده است.

نوّاب تو بر گزیدگانند فیضند و پناه شیعیانند

بر تو که سلام می رسانند ای کاش برند اسم ما را

ب توفیق

نور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در کتاب «ذخیره الالباب»، «نور آل محمد صلی الله علیه و آله» از اسامی مهدی موعود (عج) شمرده شده است. در یکی از زیارات جامعه در اوصاف آن حضرت آمده است:

«نور الأنوار الذی تُشرق به الأرض عما قلیل». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۲)

نور الاتقیاء

«نور الاتقیاء» (نور پرهیز کاران) لقب حضرت ولی عصر (عج) است.

ب بقیه الانبیاء

نور الاصفیاء

«نور الاصفیاء»، از القاب امام قائم (عج) است.

ب بقیه الانبیاء

نور الله

در برخی آیات و روایات اسلامی دیده می شود که «نور الله» از القاب حضرت قائم الزمان (عج) است. («مصلح آخر الزمان»، ص ۹۶)

نوریّه B اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

نهار

«نهار» لقب مهدی موعود (عج) است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّيْهَا (شمس/۳): و (قسم) به روز هنگامی که زمین را روشن سازد» فرمود: «منظور از نهار، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که زمین را از عدل و داد پر کند».

و همچنین فرمود: منظور از نهار در آیه شریفه

«وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (لیل/۲)

: و قسم به روز هنگامی که تجلی کند».

آن قائم ما اهل بیت است که هر گاه قیام کند بر دولت باطل غلبه کند» («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۱ و ۱۲۲)

نهج البلاغه و قائم (عج)

از آنجا که کتاب «نهج البلاغه» حاوی سخنان برگزیده امام امیر المؤمنین علیه السلام و بیانگر اسلام راستین و برگردان شیوایی از قرآن کریم است، این سؤال مطرح می شود که:

موضوع مهدویت در اسلام به طور کلی و انطباق آن با امام دوازدهم شیعه «حجّه بن الحسن العسکری علیه السلام» از نظر این کتاب چگونه و تا چه حد از واقعیت برخوردار و قابل قبول است؟

مسأله مهدویت امام دوازدهم (عج) و ظهور آن حضرت در آخر الزمان در کتاب «نهج البلاغه» از دو نظر قابل بررسی و دارای زمینه برای مطالعه و تحقیق است:

نخست از دیدگاه ملاحم و پیشگوئیهای امام که قسمتی (امثال روی کار آمدن بنی امیه، حکومت حجاج بن یوسف، سقوط بنی امیه، افتادن زمام امور به دست بنی العباس، قیام زنج در بصره، فتنه مغول و ...) در گذشته به وقوع پیوسته است و قسمت دیگر مربوط به آینده جهان است از قبیل ظهور مهدی (عج) و قیام جهانی آن بزرگوار که به خواست خدا در آینده به وقوع خواهد پیوست.

اکنون تنها به ذکر شماره خطبه هائی (شماره خطبه بر اساس نهج البلاغه چاپ «صبحی صالح» تنظیم شده است.) که حضرت در آن به مهدویت اشاره فرموده اند اکتفاء کرده و تفصیل آنها به کتب دیگر واگذار می شود. (به عنوان نمونه به کتاب «مهدی منتظر در نهج البلاغه» تألیف «مهدی فقیه ایمانی» مراجعه شود.)

خطبه ۱۰۰- وَ خَلَفَ فِينَا رَأْيَةَ الْحَقِّ ...

خطبه ۱۳۸- يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى ...

خطبه ۱۵۰- ... يَا قَوْمِ هَذَا إِبَانٌ وُرُودٍ كُلِّ مَوْعُودٍ ...

خطبه ۱۸۲- قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا ...

خطبه ۱۸۷- أَلَا يَا بِي وَأُمِّي هُمُ عِدَّةُ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ ...

خطبه ۱۹۵- اِلْزَمُوا الْاَرْضَ، وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ ...

حکمت ۱۴۷- اَللّٰهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُوا الْاَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِّلّٰهِ بِحُجَّتِهِ، ...

حکمت ۲۵۹- لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا ...

حدیث یک- فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبَ الدِّينِ بِذَنبِهِ ...

نیابت خاصه

«نیابت خاصه»، آن است که امام قائم (عج)، اشخاص خاصی را، نایب خود قرار دهد، و به اسم و رسم معرفی کند، و هر کدام را، به وسیله نایب پیش از او به مردم بشناساند.

بنا بر این کسانی که در دوره غیبت صغری، نیابت داشتند، و با اسم و رسم معرفی شده بودند، «نایب خاص» نامیده می شوند.

نائبان خاص را، «نواب خاص»، و «نواب اربعه» می گویند.

B نواب اربعه، غیبت صغری

نیابت عامه

«نیابت عامه»، آن است که امام، ضابطه ای کلی به دست دهد، تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه، از جهت، و در همه ابعاد، بر او صدق می کند، نایب امام شناخته شود، و به نیابت از امام، ولیّ جامعه در امر دین و دنیا باشد.

بنابراین کسانی که از آغاز غیبت کبری نیابت داشته اند و دارند، و بر طبق ضابطه معین شده از سوی خود امامان، به نیابت رسیده اند، «نایب عام» نامیده می شوند.

دوره «غیبت کبری»، دوره «نیابت عامه» است.

«نَبِيَّةُ الصَّابِرِينَ»، لقب مهدي موعود (عج) است.

نیمه شعبان

«نیمه شعبان» سالروز میلاد برترین موجود عالم امکان حضرت بقیَّة الله، مهدي صاحب الزَّمان (عج) است. آن حضرت در نزدیکیهای اذان صبح چنین روزی از سال ۲۵۵ ه.ق، دیده مبارک به جهان گشودند.

درباره فضیلت شب نیمه شعبان و روز آن و همچنین اعمال مخصوص این اوقات شریف، مطالبی در کتب ادعیّه و منابع معتبر نقل شده است.

«شیخ حرّ عاملی» از بزرگان اصحاب نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمود:

«شبی که حضرت قائم (عج) متولّد شد، و اگر در سرزمین کفر متولّد گردد، خداوند او را به برکت امام زمان (عج) به سوی ایمان منتقل می سازد». («توضیح المقاصد»، ص ۵۳۳)

امام باقر علیه السّلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان فرمود:

«آن شب افضل شبها بعد از «ليلة القدر» است. در آن شب خداوند فضل خود را به بندگان عطا می فرماید و آنان را به کرم خود می بخشد. پس در آن شب در تقربّ جستن به سوی خدا سعی و کوشش کنید به درستی که آن شبی است که خداوند به ذات مقدّس خود سوگند یاد کرده که بنده ای را دست خالی برنگرداند به شرط آنکه آن بنده در آن شب گناه نکند. و خداوند شب نیمه شعبان را برای ما قرار داده در مقابل شب قدر که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داد». («مفاتیح الجنان»، باب دوّم)

ضمناً در روایاتی آمده که نیمه شعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است.

برای این شب مبارک چند عمل بر شمرده شده اند:

اول غسل است که باعث تخفیف گناهان می شود، دوّم احیاء این شب به نماز و دعا و استغفار همانگونه که امام سجّاد علیه السّلام چنین می کردند، سوّم زیارت امام حسین علیه السّلام که برترین اعمال در این شب است و صد هزار پیامبر آن حضرت را در این شب زیارت می کنند. چهارم خواندن دعای کمیل در سجده است. کمیل گوید:

«حضرت علی علیه السّلام را دیدم که این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند».

از نماز های مستحبی که در این شب وارد شده است، دو رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، صد مرتبه توحید خوانده شود. (ر.ک. به کتاب «المراقبات» اثر مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی)

هادی

«هادی» (هدایت کننده)، لقب حضرت مهدی (عج) است و در اخبار و ادعیّه و زیارات، به این لقب مکرّر ذکر شده است.

هاشم

«هاشم» نام یکی از پسران حضرت صاحب الامر (عج) است.

ب اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

هاشمیه ب محمد بن حنفیه

هفت تکبیر

در حدیث وفات امام علی علیه السّلام و وصیّت آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السّلام ذکر شده است که بعد از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام بر جنازه احدی جز حضرت قائم (عج) جایز نیست که هفت کبیر گفته شود. (منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل دوّم، ویژگی ۴۴)

همسر قائم (عج)

در مورد همسر و یا همسران حضرت بقیّه الله علیه السّلام فقط یک سر نخ وجود دارد و آن روایتی است که مرحوم «کفعمی»، در مصباح مقل کرده است. بر اساس این روایت:

«همسر مهدی موعود (عج) از نسل «عبد العزی» (ابو لهب) پسر عبد المطلب می باشد». («نجم الثاقب»، ص ۲۲۵)

هندوان و انتظار

در آئین هندوان و کتابهای آنها نیز، سخن از نجات دهنده و موعود آمده است. از جمله در کتاب «مه‌باراتا» و کتاب «پورانه‌ها».

بنابر اعتقاد هندوان، «ویشنو» در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش بر دست دارد در پایان دوره کنونی جهان به عنوان «کال کی» ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران غاصب (که منظور اقوام فاتح مسلمانند) رهائی خواهد بخشید. («خورشید مغرب»، ص ۵۴-«آخرین امید»، ص ۱۸۴)

در کتاب «منتهی الآمال»، باب چهاردهم (در تاریخ امام دوازدهم حضرت حجّه بن الحسن العسکری (عج)) مؤلف کتاب، «حاج شیخ عباس قمی» می گوید:

«مخفی نماند که در جمله ای از اماکن محلّ مخصوصی است معروف به مقام آن جناب مثل:

وادی السّلام و مسجد سهله و مسجد حلّه و خارج قم (مسجد جمکران) و غیر آن و ظاهر آن است که کسی در آن مواضع به شرف حضور مشرفّ یا از آن جناب معجزه ای در آنجا ظاهر شده و از این جهت داخل شده در اماکن شریفه متبرکه و محلّ انس و تردّد ملائکه و قلّت شیاطین در آنجا».

وادی یابس

«وادی یابس» یعنی بیابان بی آب و علف و سرزمینی است که در ما بین مکه و شام واقع شده است و سفیانی از آنجا بر علیه حضرت قائم (عج) خروج خواهد کرد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۳)

وارث

«وارث» از القاب مشهور حضرت ولی عصر (عج) است. رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله در خطبه غدیریه فرمود:

«أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ مُحِيطٌ بِهِ

: به درستی که او (حضرت قائم (عج)) وارث هر علمی است و به آن احاطه دارد».

حضرت مهدی (عج) وارث نشانه هائی انبیاء گذشته است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۵)

مهدی قدم به عرصه گیتی نهاده است مهدی که وارث نبی و نسل مرتضاست

β نشانه پیامبران و قائم (عج)

واقیّه

«واقیّه» نام فرقه ای است که حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه السلام را، قائم و مهدی موعود (عج) می دانند.

برخی به وفات آن حضرت معترفند و می گویند زنده می شود و عالم را مسخر می کند و بعضی می گویند در روز، از حبس «سندی» بیرون آمد و کسی او را ندید و اصحاب هارون بر مردم این امر که او مرده یا نمرده یا غائب شده، مشتبه کردند. («همان مدرک»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

واقید

«واقید» لقب مهدی منتظر (عج) است. این لقب در کتب آسمانی ذکر شده و به معنی «غائب شونده در مدت مدید» است.

در کتاب «تاریخ عالم آرا» ذکر شده است که اسم آن حضرت در تورات «واقیدما» نوشته شده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۴)

وتر

«وتر» لقب مومهدی موعود (عج) است. «وتر» به معنی: تنها، طاق، منفرد، فرد در کمال و فضائل که تحقق آن در نوع بشر ممکن باشد و احدی از حجج قبل از حضرت قائم (عج) به آنها سر افراز نشده است. (همان مدرک)

وجه

«وجه» در کتاب «هدایه» از القاب امام غائب (عج) شمرده شده است و در زیارت آن جناب است:

«السَّلَامُ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ الْمُتَلَقِّبِ بَيْنَ أَظْهَرِ عِبَادِهِ»

وجیزه فی الغیبه

کتاب «مسأله وجیزه فی الغیبه» تألیف «علی بن حسین» معروف به «سید مرتضی» (متوفی ۴۳۶ ه.ق) است.

پس از «شیخ مفید» شاگرد برجسته اش معروف به «سید مرتضی»، روش استدلالی استاد خود را در رساله خویش در باره طول عمر امام غائب دنبال کرده این شیوه، در رساله بجا مانده از سید مرتضی که در سال ۱۹۵۵ میلادی در بغداد به نام «مسأله وجیزه فی الغیبه» به چاپ رسیده و توسط شخصی به نام «ساشدینا» به انگلیسی ترجمه گردیده، به روشنی دیده می شود. («آخرین امید»، ص ۱۷۰)

ب سید مرتضی

و شاء

«حاجز بن یزید» ملقب به «و شاء» از وکلای مورد اعتماد امام قائم (عج) بوده و تا آخر هم باقی مانده و همچون برخی وکلا منحرف نگردید. (همان مدرک، ص ۱۱۴)

وقاتون

آنگونه که از روایات و احادیث بر می آید، عمر مبارک حضرت ولی عصر (عج) طولانی است، و مدتی برای غیبت آن حضرت، و وقتی برای ظهورش تعیین نشده است. بلکه جداً از تعیین وقت معین منع و نهی شده است.

در زبان روایات کسانی که به این مهم اعتنائی نداشته و بی دلیل وقت معین کنند، «وقاتون» گفته می شود.

امام صادق در پاسخ ابا بصیر که پرسیده بود، قائم (عج) کی خروج خواهد کرد، فرمود:

«يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ - وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَذَبٌ وَقَاتُونَ

: ای ابا محمد! ما خاندانی هستیم که وقتی را معین نمی کنیم زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹)

ولایت فقیه

«ولی فقیه» یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عامّ امام زمان (عج) را داشته باشد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام قائم (عج) زمام امور را در دست بگیرد.

هنگامی که در دوران غیبت کبری شیعیان ارتباط مستقیم با آن حضرت ندارند باسد به چه کسی مراجعه کنند و وظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟

امام قائم (عج) در پاسخ این سؤال اسحاق بن یعقوب با خط مبارک خودشان مرقوم فرمودند:

«... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ ...

: در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر شما هستم». («کشف الغمّة»، ج ۳، ص ۱۰۱)

راهنمای مردم در عصر غیبت، نائب امام است. مسلمین در این عصر نیز بی سرپرست رها نشده اند. و طبق قاعده لطف کلامی - که در امامت به آن استدلال می شود - نائب امام، به جای امام قرار دارد. و احیاء و اجرای احکام قرآن، و رهبری شعار قرآن، و تشکیل دادن جامعه قرآنی، به عهده اوست. و نائب امام در هر عصر، عالم بزرگ آن عصر است، عالم نمومه امام (عالم ربّانی)، و جامع همه شرائط لازم.

با وجود غیبت امام، باید افراد بر طبق موازین دینی تربیت شوند، و باید جامعه بر طبق سیاست دینی و اسلامی اداره شود، و این سیاست در جامعه حاکم باشد. باید احکام قرآن مورد عمل قرار گیرد، و هدایت قرآنی فعلیت یابد، و قرآن کتاب شناخت و عمل باشد. آری، در عصر غیبت تکلیف باقی است، هم به دلیل عقل و هم به دلیل نقل، و هم به دلیل اعتبار - چنانکه بزرگان بیان کرده اند. («خورشید مغرب»، ص ۲۲۴ و ۲۲۷)

ولیّ الامر

از القاب شایسته امام زمان (عج)، «ولیّ الامر» است.

ولیّ الله

حضرت قائم (عج) مکرّر در اخبار به لقب «ولیّ الله» ذکر شده اند. در روایت است که خداوند در شب معراج به رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«او (حضرت قائم (عج)) به راستی ولیّ من است». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۴)

ولیّ الناصح

یکی دیگر از القاب حضرت مهدی (عج)، «ولیّ الناصح» (سرپرست نصیحت کننده) است.

ولیّ عصر

«ولیّ عصر»، لقب مهدی موعود (عج) و مترادف لقب «صاحب الزّمان» است.

بگشته مولّد مسعود ختم جمله امامان ولیّ عصر و امام زمان و بر همه مولا

و هوه ل

«و هوه ل»، نام حضرت صاحب الامر (عج) در کتاب «تورات» است. (همان مدرک، ص ۲۹)

ویشنو ß هندوان و انتظار

کارّ

«کارّ» به معنی «رجوع کننده» و «باز گرداننده» و لقب مهدی موعود (عج) است.

آشکار است که آن حضرت از عالم غیب آگاه و استتار برمی گردد و جمعی از مردگان را بر می گرداند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص

۹۲)

کاشف الغطاء

«کاشف الغطاء» (ظاهر کننده پوشش)، لقب حضرت قائم (عج) است.

کافی

«شیخ احمد کافی»، واعظ مشهور و یکی از دلباختگان حضرت صاحب الامر (عج) بود که در بیشتر مجالس و عطا مطالبی پیرامون امام قائم (عج) بیان می کرد و در آرزوی دیدار دوست نغمه سرائی می نمود.

وی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در مشهد مقدس متولد شد و در سال ۱۳۵۷ ه.ش توسط عمال رژیم شاهنشاهی به طور مرموزی به شهادت رسید و علی رغم وصیت آن مرحوم، مبنی بر دفن او در حرم امام رضا علیه السلام، در خواجه ربیع مشهد به خاک سپرده شد. روحش شاد.

کامل بن ابراهیم مدنی

«کامل بن ابراهیم مدنی»، از کسانی است که به زیارت و ملاقات امام عصر (عج) نائل شد.

گروهی از مفوضه او را به محضر امام حسن عسکری علیه السلام فرستادند تا سؤالاتی از محضر امام علیه السلام بپرسد. وی وارد مجلس امام علیه السلام شد و در کنار دری که پرده ای بر آن آویخته بود، نشست. پیش از آنکه سؤالاتش را طرح کند، بادی وزید و پرده کنار رفت. حضرت قائم (عج) که در آنجا بودند، پاسخ پرسشهای او را، ارائه فرمودند. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۵۰) - «کشف الغمّة»، ج ۲، ص ۴۹۹

کتاب نویسی درباره قائم (عج)

درباره وجود مقدس حضرت مهدی (عج) و ظهور او در آخر الزمان، کتابهای بسیار تألیف کرده اند و رساله ها و مقاله های جامع فراوان نوشته اند. نوشتن در این باره، از زمان حیات ائمه گرامی علیهم السلام شروع شد و تا عصر حاضر ادامه یافته است. و کمتر کسی در میان عالمان شیعه و سنی و حتی غیر مسلمانان یافت می شود که در این باره کتابی ننوشته، یا مقالاتی ننگاشته و یا سخنی نگفته باشد.

در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام و ذکر اینکه چه کتبی در باره مهدی موعود (عج) به رشته تحریر در آمده، تنها به معرفی کتاب ارزشمند «در جستجوی قائم (عج)»، که فهرست کاملی از ۸۵۲ جلد کتاب در این رابطه در خود جای داده است، بسنده می کنیم و شما

را به این اثر گرانسنگ رهنمون می‌سازیم. (این کتاب تألیف آقای «سید مجید پور طباطبائی») و از انتشارات مسجد مقدس جمکران قم است.)

کرخی

«احمد بن هلال کرخی» از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. او عالمی برجسته و عارفی متقی بوده است و کتاب «یوم وليله» و کتاب «نوادیر» از تألیفات اوست، برخی از نویسندگان می‌نویسند: وی مسلک تصوّف اتّخاذ کرد و ۵۴ بار به سفر حج رفت که بیست بار آن با پای پیاده بود. («رجال کشی»، ص ۴۴۹)

«کرخی» از جمله مدعیان بابیت بود. وی پس از وفات امام یازدهم شیعیان، «محمد بن عثمان» را به نیابت از سوی امام قائم (عج) نپذیرفت. شیعیان او را لعن کردند و از او تبرّی جستند، آنگاه توقیعی به وسیله «ابو القاسم حسین بن روح» بر لعن و برائت از او صادر گردید. («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۶۸)

کرعه

طبق روایات و احادیث یکی از اقامتگاههای امام قائم (عج) مکانی به نام «کرعه» است.

مرحوم مجلسی در «تذکره الأئمة»، از کتب اهل سنت نقل می‌کند که حضرت مهدی علیه السلام در غیبت کبری در قریه ای به نام «کرعه» اقامت می‌کند. («العبری الاحسان»، ج ۲، ص ۱۳۴)

گویا «کرعه» قریه ای در یمن است. («المجالس السنّیه»، ج ۵، ص ۷۰۸)

ب اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

کسوف آفتاب

از جمله علائم حتمیه ظهور حضرت قائم (عج)، کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر همان ماه است. («منتهی
الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۸)

کشته شدن شیطان

همانگونه که در قرآن کریم آمده است، شیطان از سجده بر انسان خودداری کرد (حجر/۳۱) و از درگاه خداوند رانده شد (حجر/۳۴). در
این هنگام او از خداوند درخواستی کرد:

«قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (حجر/۳۶)

گفت: پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)».

خداوند در پاسخ او:

«قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (حجر/۳۷ و ۳۸) فرمود

:تو از مهلت یافتگانی! (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز و وقت معینی.»

از این تعبیر معلوم می شود در خواست شیطان، اجابت نشده است، و طبق فرموده امامان علیهم السلام منظور از روز و وقت معین، وقت
ظهور امام قائم (عج) است.

بنابر این شیطان در این وقت کشته می شود یا می میرد.

در روایات می خوانیم، شخصی در مورد جمله

« يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ »

که در آیه مذکور آمده از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم (عج) ظهور کند و به مسجد کوفه بیاید، در این مسجد، شیطان به حضور آن حضرت می آید و زانو به زمین می زند و می گوید:

«يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ

: وای از این روز».

آنگاه امام قائم (عج) موی پیشانی شیطان را می گیرد و گردنش را می زند و او را به هلاکت می رساند، این روز وقت معلوم، (در آیه مذکور) است. («اثبابة الهداة»، ج ۷، ص ۱۰۱)

بنابر این شیطان کشته می شود، ولی در اینجا این سؤال پیش می آید: پس دیگر مردم آزادی در اراده ندارند و همچون فرشتگان مجبور به اطاعت خدا خواهند بود؟

خیر، آزادی اراده و اختیار از انسانها گرفته نمی شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور در عصر درخشان حکومت امام عصر (عج) نابود می گردد و به جای آن عقل و ایمان حکومت می کند، چنانکه در حدیث دیگری نیز می خوانیم:

«در صحف ادریس پیامبر علیه السلام آمده: تو ای شیطان! تا زمانی که مقدر کرده ام که زمین را در آن زمان از کفر و شرک و گناه پاک سازم، مهلت داده خواهی شد، ولی در این زمان (به جای تو) بندگان خالص و پاکدل و با ایمان روی کار آیند آنها را خلیفه و حاکم زمین

می‌کنم و دینشان را استوار می‌سازم، که تنها مرا می‌پرستند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی‌دهند، در آن روز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره را نابود می‌نمایم» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۸۴)

توضیح بیشتر اینکه کشته شدن و نابودی شیطان همانند کشته شدن و نابودی انسان نیست، شیطان مانند بشر جسم ندارد که کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا، همان قطع نفوذ او و مرگ حکومت و تزویر او می‌باشد. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۳۲)

کعبه B مکّه

کف دست

از علائم ظهور امام زمان (عج)، ظاهر شدن کف دستی است که در آسمان طلوع می‌نماید و در روایت دیگر صورت و سینه و کف دستی در نزد چشمه خورشید ظاهر شود. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۷)

کلمه الحقّ

از نامهای قائم (عج)، «کلمه الحقّ» است. در کتاب «ذخیره الالباب» عنوان شده که این نام آن حضرت در «صحیفه» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۹۲)

کلینی

«شیخ ابو جعفر، محمد بن یعقوب کلینی»، از عالمان بزرگ و موثق اسلام، و از خدمتگذاران جلیل القدر دین خدا و مذهب تشیع است. تعبیر «ثقة الاسلام»، لقب معروف اوست.

به این دلیل که این عالم بزرگ، در عصر غیبت صغری می زیسته است، و کتاب عظیم «الکافی» را در این عصر، در خلال بیست سال کوشش و رنج و پژوهش با تنظیم و نقل و ترتیبی بسیار خوب، گرد آورده است، می توان حدس زد، که چه بسا گاه گاه، از سوی امام عصر (عج) در کار این تألیف راهنمایی شده است. («خورشید مغرب»، ص ۴۷)

β سیّد مرتضی

کمال

«کمال»، لقب امام عصر (عج) است.

کُناسه

«کُناسه» نام محلّی در کوفه است که در آن جا «یوسف بن عمر ثقفی» با «زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السّلام» جنگید. («لغت نامه دهخدا»، ج ۱۱، (چاپ جدید)، ص ۱۶۴۰۹)

طبق روایتی حضرت مهدی (عج) دجّال را، در کناسه کنار کوفه به دار می زند. («اثبأه الهدأه»، ج ۷، ص ۱۴۲ و ۱۷۶)

β دجّال

کوفه

در روایات اسلامی عنوان شده که شهر کوفه (در کشور عراق) مقرّ حکومت حضرت قائم (عج) خواهد بود. (همان مدرک، ص ۹۴) همانگونه که مقرّ حکومت حضرت علی علیه السّلام بود. و امام قائم (عج) پس از ظهور از مکه به مدینه آمده و در آنجا همراه با دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه (که به عبارت دیگر، آن شامل نجف و عراق است)، رهسپار می شوند.

حضرت مهدی (عج) در کوفه به گونه ای راهها و خیابانها و شهرها و مساجد را توسعه می دهد که خانه های کوفه به رود کربلا متصل می شود و مساجد با شکوهی در پشت کوفه ساخته می شود که هزار در دارد.

امام صادق علیه السلام در باره کوفه فرمود: «کوفه باغی از باغهای بهشت است، قبر نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصی و قبر سرور اوصیا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه است.» (هم اکنون نجف اشرف به کوفه متصل شده است.) («ارشاد اهل القبلة»، ص ۲۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «عصای موسی علیه السلام و انگشتری سلیمان علیه السلام و محلّ اصلی جوشیدن آب در طوفان نوح و محلّ تجمّع پیامبران در مسجد کوفه بوده است.» («تهذیب» شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۵۲)

شهر کوفه و ساکنان آن بسیار مقدّس هستند. امام صادق علیه السلام در باره مردم کوفه فرمود: «مؤمنین کوفه، حجّت مردم سایر بلاد هستند.»

و همچنین رسول گرامی اسلام منظور از «طور سینین» که در آیه ۲ سوره تین آمده است را شهر کوفه عنوان کرده که خداوند اسن سرزمین را اختیار و امتیاز بخشیده است. («ارشاد اهل القبلة»، ص ۲۹)

و همانگونه که امام علی علیه السلام در خطبه ۴۷ نهج البلاغه فرموده است، هر ستمگری که به شهر کوفه نظر سوئی داشته باشد، خدا او را گرفتار می سازد و یا به قتل می رساند.

عصائب B

کوکماً

«کوکماً» نام حضرت ولی عصر (عج) در کتاب «نجات» است. («نجم الثاقب»، باب دوم ص ۹۲)

در احادیث اسلامی، «کوه رضوی» یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) شمرده شده است.

امام صادق علیه السلام از «کوه رضوی» بحث کرده، در پایان می فرماید:

«از هر درخت میوه در آن هست، و چه پناهگاه خوبی است برای شخص خائف، و چه پناهگاه خوبی، صاحب این امر را در آن دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و «الغیبه»، نعمانی، ص ۱۶۳)

در دعای ندبه هم می خوانیم:

«لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيْ أَرْضٍ تُقْلِكَ أَوْ ثَرَى أَبْرَضُوا أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوى

: کاش می دانستم که کجا دلها به ظهور و آرام و قرار خواهد یافت، در کدامین سرزمین اقامت داری؟ در سرزمین «رضوی» یا غیر آن؟
یا در دیار «ذی طوی» متمکن گردیده ای؟

من ای کاش دانستمی جای تو کجا هست و دور است مأوای تو

بدانستمی بلکه نیز از مکان کجا سرزمین تو شد در جهان

برضوی و یا ذی طوی ساکنی تو یا غیر این هر دو جا ساکنی

ب اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

کوههای دیلم ب قسطنطنیه

کوههای چین

در روایات مهدویت، مکانهائی ذکر شده که حضرت مهدی (عج) آنها را فتح خواهند کرد و بر دشمنان پیروز خواهند شد.

کوههای چین و گیلان را یکی از این فتوحات اعلام کرده اند. («اعلام الوری»، ص ۴۳۲ و «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۳۹)

کوههای گیلان B کوههای چین، قسطنطنیه

کیسانیه

پیروان «محمد بن حنفیه» را «کیسانیه» می گویند.

محمد بن حنفیه

کیقباد دوّم

«کیقباد دوّم» که به معنی عادل بر حق می باشد، نام حضرت ولی عصر (عج) در نزد «مجوس» و «گبران عجم» است. («نجم الثاقب»،

باب دوّم، ص ۹۲)

یا ابا صالح المهدی ادرکنی

«یا ابا صالح المهدی ادرکنی» استغاثه است که با آن امام غایب (عج) را طلبیده و در بر آوردن حوائج مشروع خویش او را خوانده و

عاجزانه می خواهیم که ما را درک کند. هر چند که آن حضرت ما را هیچ گاه فراموش نکرده و از یاد نمی برد.

لفظ «یا امام زمان» یکی از پر مصرفتین الفاظ استغاثه به صاحب العصر و الزمان (عج) در میان عامه مردم است. همانگونه که لفظ «یا علی علیه السلام» در هر کاری با گوشت و پوست مردم در هم آمیخته، این لفظ هم در همین مقام اعتبار دارد.

ب امام زمان (عج)

یا بن الحسن

«یا بن الحسن» استغاثه ای است که امام قائم (عج) را به نام پدرش می خوانیم.

یا بن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من

در عالم خیال هویدا کنم تو را

یا لثاراتِ الحسین

«یا لثارات الحسین»، شعاری است که همیشه در خون شیعه می جوشد:

(بیاید به طلب خون حسین!). این شعار شور آور، از ظهر عاشورا، از درون خاک خونین کربلا برخاست و همین شعار است که شورشیان

دوران شورش بزرگ، شورش مهدی (عج) نیز، سر خواهند داد.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «... یاران مهدی، مردانی هستند پولاددل، و همه وجودشان یقین به خدا، مردانی سختتر از صخره ها ... این مردان، تنها از خدا می ترسند، و فریاد «لا اله الا الله»، آنان بلند است. و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان: «یا لثاراتِ الحسین علیه السلام» است. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

یحیی بن عمر B جارودیّه

یحیی نوری

«میرزا یحیی نوری»، ملقب به «صبح ازل» فرزند میرزا عباس نوری مازندرانی بود که در سال ۱۲۸۴ ه.ق متولد و در ۱۱ جمادی الاول سال ۱۳۳۰ ه.ق در گذشت.

وی مؤسس فرقه «آزلیان» بود. پس از کشته شدن «سید علی محمد باب»، پیروان او دور «میرزا یحیی» گرد آمدند، «بهاء الله» برادر وی نیز متابعت او را پذیرفت و تا سال ۱۲۷۸ ه.ق این موافقت برقرار بود، لیکن سرانجام بین دو برادر کار به اختلاف کشید و پس از آنکه حکومت عثمانی میرزا یحیی را به قبرس و میرزا حسینعلی (بهاء الله) را به عکا تبعید کرد، این اختلاف بین دو فرقه بیشتر شد، پیروان میرزا حسینعلی بر ازلیان فائق شدند.

«میرزا یحیی» الواح و رسائلی دارد که به خط «میرزا رضوان علی» پسر اوست. (فرهنگ فارسی مفین، ج ۶ ص ۲۳۳۰)

ید الباسطه

«ید الباسطه» از القاب خاصّ حضرت بقیّه الله (عج) شمرده شده است.

«ید الباسطه» یعنی دست قدرت و نعمت خداوندیکه به وسیله او رحمت و رأفت و لطف خود را بر بندگان می گستراند و روزی را بر آنها فراخ می کند و بلا را از آنها دفع می کند. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۸)

«يعسوب الدين» لقب حضرت قائم (عج) است. این لقب در نهج البلاغه از زبان امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام نقل شده است. («نهج البلاغه»، صبحی صالح، حدیث یکم، ص ۵۱۷)

يَعْفُور

«يَعْفُور» نام الاغ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که هنگام خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام همراه ایشان به عنوان شاهی بر ظهورش خواهد بود. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

يعقوب ابن منقوش

از جمله کسانی است که در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام امام قائم را مشاهده نموده، «يعقوب بن منقوش» است. («اکمال الدين»، ص ۴۳۷ - «كشف الغمّة»، ج ۲، ص ۵۲۷)

يمانی

«يمانی» از رهبران برحق است که به حمایت از حضرت مهدی (عج) خروج می کند. امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و در یک شهر و در یک روز خروج می کنند و هیچ پرچمی مانند یمانی به هدایت نزدیکتر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند. («اعلام الوری»، ص ۴۲۹)»

يمین

«يمین»، لقب امام زمان (عج) است.

يوسف زهرا سلام الله عليها

استفاده از لقب «يوسف زهرا سلام الله عليها» برای قائم (عج) اغلب در مدیحه سرائی و اشعار شاعران اهل بیت به صورت کنائی به کار می رود.

همانگونه که می دانیم حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها، همسر حضرت علی علیه السلام و مادر گرامی بقیّه ائمه به شمار می روند و از طرف دیگر در احادیث و قرآن کریم می خوانیم که حضرت یوسف علیه السلام مدت مدیدی از دید و نظر پدر خویش (حضرت یعقوب علیه السلام) پنهان و غائب بود.

ای یوسف گمگشته زهرا (س) بکجائی ای قائم برحق مه یکتا بکجائی

يوشع بن نون

«یوشع بن نون»، وصی حضرت موسی علیه السلام بود. در روایات اسلامی نام وی در زمره یاران و فرماندهان حضرت قائم (عج) ضبط شده است.

۱۳ ابو دُجانه انصاری

یهودیان و انتظار

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می دانند نیز، منتظر موعودند. در آثار دینی یهود، و اسفار تورات، و دیگر کتابهای انبیاء آنان، همواره به موعود اشاره شده است.

چون یهودیان، به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، و در نتیجه موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در مجموع آنچه در آثار مقدس یهودی نظیر کتابهای دانیال پیامبر، صَفَیای پیامبر و اشعیای پیامبر آمده تأمل شود، چهره سه موعود، در آنها ترسیم می شود: حضرت مسیح علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت مهدی (عج).

از آنجا که این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السلام و نه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به هیچ کدام نگریدند، باید از دیگر منتظران، منتظر تر باشند، و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند و از این همه ظلم و خیانت و انسان کشی دست بردارند و از عواقب ظلم و ستم بترسند.

در روایات آمده که جماعتی از یهودیان گرد «دجال» را می گیرند و با ظهور مهدی (عج) و فرود آمدن عیسی و کشته شدن دجال، آنان نیز قتل عام می شوند و دامنه تاریخ و دامن بشریت از وجود آن جماعت ناپاک، پاک می گردد. («خورشید مغرب»، ص ۵۵ و ۵۶)

یهودیّه

طبق روایات اسلامی «یهودیّه» نام روستائی است که «دجال» ملعون از آنجا خروج خواهد کرد. («جهان در آینده»، ص ۲۴۶)